



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# احکام پزشکان و بیماران

محمد فاضل انکرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احکام پزشکان و بیماران

نویسنده:

محمد فاضل لنکرانی

ناشر چاپی:

مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۲۰	احکام پزشکان و بیماران: مطابق با فتوای آیه الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۳	مقدمه
۳۱	فصل اول: آموزش پزشکی
۳۱	اشاره
۳۴	احکام نگاه و معاینه پزشکی
۳۵	کلاس های مختلط
۳۵	ضمانت
۳۷	فصل دوم: تشریح و کالبد شکافی
۳۷	اشاره
۳۹	الف: تشریح جسد غیر مسلمان
۳۹	ب: تشریح جسد مسلمان
۴۱	ج: تهیه جسد و استخوان
۴۲	د: نگهداری و فروش استخوان
۴۲	ه: تماس با جسد
۴۲	و: دیده تشریح و قطع عضو میت
۴۳	ز: خارج کردن اشیای قیمتی از بدن میت
۴۳	ح: نگهداری جسد
۴۶	فصل سوم: معاینه، تشخیص و درمان
۴۶	اشاره
۴۹	الف: معاینه
۴۹	احکام نگاه و لمس

۵۰	نگاه و لمس در معاینه و درمان
۵۰	نگاه به عورت و لمس آن
۵۱	نگاه به نامحرم برای انجام تحقیقات پزشکی
۵۲	معاینات غیر درمانی
۵۳	مراجعه به پزشک غیر همجنس
۵۴	ب:تشخیص
۵۴	اشاره
۵۴	لزوم به کارگیری روش های تشخیص
۵۷	آزمایش های تحقیقاتی
۵۸	رادیولوژی
۵۹	ج:درمان
۵۹	اشاره
۶۱	افشای سز بیماران
۶۲	اجرت پزشکی
۶۴	خاتمه
۶۴	احکام محتضر
۶۶	فصل چهارم:دندانپزشکی
۶۶	اشاره
۶۹	حکم نگاه و لمس در دندانپزشکی
۶۹	طهارت و نجاست
۷۰	خون لای دندان
۷۰	استفاده از دندان ساخته شده توسط غیر مسلمان
۷۰	طهارت دندان مصنوعی
۷۱	استفاده از طلا
۷۱	روزه داری و کشیدن دندان
۷۲	اجرت دندانپزشکی

۷۲	اذن بیمار
۷۲	ضمان در دندانپزشکی
۷۴	فصل پنجم: زنان و زایمان
۷۴	اشاره
۷۶	نگاه پزشک و ماما
۷۷	مراجعه به پزشک در دوران بارداری
۷۸	ارجاع پزشک به دیگران
۷۸	عدم جواز درمان برای پزشک زن
۷۸	تجویز دارو در دوران حاملگی
۷۸	دخالت مردان در امور زایمان
۷۹	ممنوعیت ورود افراد متفرقه به اتاق زایمان
۷۹	نگاه زنان دیگر
۸۰	مواردی که می توان به پزشک مرد مراجعه کرد
۸۰	آموزش و فراگیری علوم پزشکی زنان
۸۱	آموزش عملی
۸۱	سقط جنین
۸۲	حکم سزارین
۸۳	استفاده از باقیمانده های زایمان
۸۳	احکام جنین سقط شده
۸۴	فرزند متولد شده از مادر مرده
۸۴	بیرون آوردن طفل از شکم مادری که از دنیا رفته
۸۴	دقت در نسبت فرزند به مادر
۸۵	احکام بعد از ولادت
۸۸	فصل ششم: جلوگیری از بارداری
۸۸	اشاره
۹۱	حکم عقیم شدن دائمی

۹۳	جلوگیری موقت
۹۳	عزل و احکام آن
۹۴	دیه عزل
۹۴	دیه از بین بردن نطفه
۹۵	استفاده از دستگاه «آی، یو، دی»
۹۵	الزام بر جلوگیری
۹۶	اسلام و مسأله رشد جمعیت
۹۶	حکومت اسلامی و کنترل جمعیت
۹۶	وظیفه پزشک و عقیم سازی
۹۸	فصل هفتم: تلقیح و باروری مصنوعی
۹۸	اشاره
۱۰۱	الف: بارورسازی با اسپرم شوهر
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	کشت جنین در رحم زن بیگانه
۱۰۲	باروری با ارتکاب مقدمات حرام
۱۰۳	مقصود از مقدمات حرام
۱۰۳	نسبت فرزند با رحم پرورش دهنده
۱۰۳	کشت جنین در رحم حیوان
۱۰۴	ب: بارورسازی با اسپرم مرد بیگانه
۱۰۴	اشاره
۱۰۵	نسبت فرزند باروری مصنوعی حرام با صاحبان اسپرم و
۱۰۶	از بین بردن جنین های اضافه
۱۰۶	احکام تولد یافتگان از باروری مصنوعی در محرمیت و ازدواج
۱۰۷	ج: بارورسازی مصنوعی از نباتات
۱۰۸	د: تولید فرزند از طریق پرورش اسپرم
۱۰۹	ه - باروری و انعقاد نطفه از غیر اسپرم مرد و تخمک زن



۱۰۹	.....	اشاره
۱۰۹	.....	نسبت کودکان یک طرفه و مصنوعی
۱۱۰	.....	ملحقات مباحث باروری مصنوعی
۱۱۰	.....	کاهش دوران حاملگی
۱۱۰	.....	فرزندان زایمان های زودرس و دیررس
۱۱۱	.....	برداشتن تخمدان و پیوند آن
۱۱۱	.....	برداشتن بیضه و پیوند آن
۱۱۳	.....	فصل هشتم: سقط جنین
۱۱۳	.....	اشاره
۱۱۶	.....	حرمت سقط جنین و پیامدهای شرعی آن
۱۱۷	.....	استفاده از قرص جلوگیری
۱۱۷	.....	استفاده از دستگاه «آی، یو، دی»
۱۱۷	.....	عدم جواز سقط جنین های اضافی
۱۱۷	.....	وجوب حفاظت مادر از جنین
۱۱۸	.....	لزوم حفظ جنین با دستگاه انکوباتور
۱۱۸	.....	موارد جواز سقط جنین
۱۱۹	.....	سقط جنین بعد از چهارماهگی
۱۱۹	.....	حکم سقط جنین کافر
۱۲۰	.....	احکام زنی که سقط جنین کرده
۱۲۰	.....	موارد ضرورت سقط جنین
۱۲۱	.....	عدم جواز سقط جنین بیمار و عقب مانده
۱۲۲	.....	عدم جواز سقط جنین بر غیر مادر
۱۲۲	.....	سقوط عدة زن باردار، با سقط جنین وی
۱۲۲	.....	لزوم تأخیر مجازات اعدام برای زن باردار
۱۲۳	.....	لزوم تجهیز جنین مرده
۱۲۳	.....	وجوب دیه سقط جنین

- ۱۲۴ ..... وجوب دیة سقط جنین، بر مباشر
- ۱۲۵ ..... اطلاع رسانی پزشک به والدین درباره چگونگی جنین
- ۱۲۶ ..... وجوب کفاره
- ۱۲۷ ..... مواردی که سقط جنین کفاره ندارد
- ۱۲۷ ..... اخذ براءت پزشک قبل از اسقاط جنین
- ۱۲۸ ..... تعیین مقدار دیة جنین بر حسب مراحل رشد
- ۱۲۹ ..... زمان دمیده شدن روح به جنین
- ۱۲۹ ..... موارد دیة اسقاط جنین در صورت تحقق عزل
- ۱۳۰ ..... موردی که جنین بودن معلوم نیست
- ۱۳۰ ..... دیة سقط جنینی که معلوم نیست پسر است یا دختر
- ۱۳۰ ..... دیة سقط جنین دوقلو و بیشتر
- ۱۳۰ ..... لزوم پرداخت دیة مادر و جنین
- ۱۳۱ ..... دیه جراحات وارده بر جنین
- ۱۳۳ ..... فصل نهم: ازدواج
- ۱۳۳ ..... اشاره
- ۱۳۶ ..... آزمایش های قبل از ازدواج
- ۱۳۶ ..... معاینه عروس برای بررسی بکارت
- ۱۳۶ ..... حکم ترمیم پرده بکارت
- ۱۳۷ ..... ارش ازاله بکارت
- ۱۳۷ ..... عیب هایی که موجب فسخ عقد می شوند
- ۱۳۹ ..... عیب هایی که موجب اختیار فسخ عقد نمی شوند
- ۱۳۹ ..... حجّیت قول پزشک در اثبات عیب
- ۱۳۹ ..... معاینه زن برای تشخیص عیب
- ۱۳۹ ..... حکم آمیزش زوجین در صورت بیماری واگیردار
- ۱۴۰ ..... جراحی پوست به جهت زیبایی
- ۱۴۰ ..... حکم ازدواج بعد از تغییر جنسیت

۱۴۰	حکم مهر بعد از تغییر جنسیت
۱۴۳	فصل دهم:تغییر جنسیت
۱۴۳	اشاره
۱۴۶	حکم تغییر و مشخص کردن جنسیت
۱۴۶	ووجب تغییر و مشخص کردن جنسیت
۱۴۷	اقدام به تغییر جنسیت توسط پزشک
۱۴۷	تغییر جنسیت دوجنسی حقیقی
۱۴۷	اذن شوهر در تغییر جنسیت
۱۴۸	مواردی که موجب ضرورت اقدام به تغییر جنسیت نیست
۱۴۸	احکام دوجنسی ها
۱۴۸	احکام شرعی بعد از تغییر جنسیت
۱۴۸	تکلیف همسران،بعد از تغییر جنسیت
۱۴۹	حکم مهر بعد از تغییر جنسیت
۱۴۹	تغییر جنسیت زن در زمان عده
۱۵۰	حکم ولایت فرزندان،بعد از تغییر جنسیت
۱۵۰	احکام ارث،بعد از تغییر جنسیت
۱۵۰	محرمیت بعد از تغییر جنسیت
۱۵۲	فصل یازدهم:مرگ مغزی
۱۵۲	اشاره
۱۵۵	مرگ از دیدگاه فقهی و پزشکی
۱۵۵	مرگ مغزی و احکام آن
۱۵۷	استفاده از اعضای بیماران مبتلا به مرگ مغزی
۱۵۷	مرگ ترخمی و تجویز مرگ
۱۶۰	فصل دوازدهم:پیوند اعضا
۱۶۰	اشاره
۱۶۳	قطع عضو از شخص زنده و پیوند آن به دیگری

- جواز اهداء و خريدوفروش عضو ..... ۱۶۳
- حکم پيوند با علم به مفيد نبودن ..... ۱۶۴
- وصيت به اهدا و فروش عضو بعد از مرگ ..... ۱۶۴
- اذن اولياء برای قطع عضو ميت ..... ۱۶۵
- اذن ولي فقيه يا مجتهد جامع الشرائط برای قطع عضو ..... ۱۶۵
- قطع عضو ميت مسلمان برای نجات جان مسلمان ..... ۱۶۵
- تشويق برای اقدام به دادن عضو ..... ۱۶۵
- قطع عضو ميت غير مسلمان ..... ۱۶۶
- پيوند عضو مسلمان به غير مسلمان ..... ۱۶۶
- قطع عضو ميت برای حفظ عضو مسلمان زنده ..... ۱۶۶
- قطع عضو بیمار برای معالجه ..... ۱۶۷
- شرایط جواز عمل جراحی ..... ۱۶۷
- پيوند جزئی از بدن انسان به خودش ..... ۱۶۷
- قطع عضو انسان مشرف به موت ..... ۱۶۷
- پيوند تخمدان زن اجنبی ..... ۱۶۷
- پيوند باقیمانده های زایمان ..... ۱۶۸
- محرم و نامحرم بودن در پيوند ..... ۱۶۸
- پيوند عضو قطع شده در اجرای حد ..... ۱۶۸
- پيوند عضو قطع شده برای قصاص ..... ۱۶۸
- برداشتن عضو محکوم به اعدام ..... ۱۷۰
- تخفيف در نوع مجازات به شرط واگذاری عضو ..... ۱۷۰
- پيوند اعضای حیوانات به بدن انسان ..... ۱۷۰
- واگذار نمودن عضو برای پيوند به جای تعزیر ..... ۱۷۱
- اهدای عضو در برابر عفو از قصاص ..... ۱۷۱
- حکم به قطع و اهدای عضو برای تخفيف مجازات ..... ۱۷۱
- پيوند زدن و کاشتن مو ..... ۱۷۱

۱۷۲	وضو و غسل با موی کاشته شده و پیوندی
۱۷۲	طهارت و نجاست موی مصنوعی
۱۷۳	رنگ کردن مو
۱۷۳	طهارت و نجاست عضو قطع شده
۱۷۳	غسل و دفن عضو جدا شده از بدن زنده
۱۷۳	غسل برای تماس با عضو قطع شده
۱۷۴	غسل و دفن عضو جدا شده
۱۷۴	نماز با عضو پیوندی
۱۷۶	فصل سیزدهم: انتقال خون
۱۷۶	اشاره
۱۷۸	نظر و لمس در هنگام تزریق و انتقال خون
۱۷۹	طهارت و نجاست
۱۷۹	انتقال خون
۱۷۹	اهدای خون
۱۸۰	گرفتن خون در صورت ضرر
۱۸۰	اهدای خون در حال روزه
۱۸۰	خرید و فروش خون
۱۸۱	ضمان در خون گرفتن
۱۸۱	علم تزریق کننده به سلامت خون
۱۸۲	تزریق خون ناسالم
۱۸۲	تزریق خونی که سبب بیماری شود
۱۸۴	فصل چهاردهم: پزشکی قانونی
۱۸۴	اشاره
۱۸۶	نگاه به بدن میت نامحرم و لمس آن
۱۸۷	کالبد شکافی
۱۸۷	صدور گواهی از طرف پزشک

۱۹۰	فصل پانزدهم:ضمان در پزشکی
۱۹۰	اشاره
۱۹۳	تعریف ضمان
۱۹۳	احکام کلی ضمانت در پزشکی
۱۹۳	ضمانت در آزمایشگاه
۱۹۴	ضمانت پزشک در تشخیص
۱۹۴	ضمانت در تجویز دارو
۱۹۶	ضمانت در تجویز دارو بر اساس حدس یا فراموشی
۱۹۶	ضمانت در درمان
۱۹۷	ضمانت در درمان با روش پرعارضه
۱۹۸	ضمانت در درمان پس از عمل جراحی
۱۹۸	ضمانت در درمان،نسبت به خانم های باردار
۱۹۹	ضمانت در فروش دارو
۲۰۰	مباشرت پزشک در تزریق و استعمال دارو
۲۰۰	ضمانت در تزریقات
۲۰۱	ضمانت در دندانپزشکی
۲۰۱	ضمانت ختنه کننده
۲۰۱	ضمانت در انتقال خون
۲۰۲	اخذ برائت از بیمار
۲۰۳	اخذ برائت
۲۰۴	فصل شانزدهم:طهارت و نجاست
۲۰۴	اشاره
۲۰۶	الکل
۲۰۷	مواد ضد عفونی
۲۰۷	داروها
۲۰۷	خون

۲۰۸	فراآورده های خونی
۲۰۸	منی
۲۰۸	ادرار و مدفوع
۲۰۸	نخ بخیه
۲۰۹	ابزار و آلات اتاق عمل
۲۰۹	وسایل آزمایشگاه
۲۰۹	میّت
۲۱۰	مردار
۲۱۰	قطعه جدا شده از بدن
۲۱۱	اعضای پیوندی
۲۱۱	موی پیوندی
۲۱۱	دهان و دندان
۲۱۲	تماس بدن یا لباس با اشیای نجس
۲۱۲	خون آمدن دهان هنگام غذا خوردن
۲۱۲	خوردن غذای نجس یا ضرردار
۲۱۳	اخلاط گلو و بینی
۲۱۴	فصل هفدهم: احکام شرعی بیماران
۲۱۴	اشاره
۲۱۷	طهارت و نجاست
۲۱۷	اشاره
۲۱۸	تطهیر کردن
۲۱۸	وضو
۲۱۸	اشاره
۲۱۹	وضوی وسواسی
۲۲۰	وضوی مسلوس و مبطنون
۲۲۱	جلوگیری از خروج ادرار و مدفوع

- ۲۲۲ ..... خون ریزی از دهان یا بینی هنگام وضو
- ۲۲۲ ..... مبتلایان به سینوزیت
- ۲۲۲ ..... قطع نخاعی
- ۲۲۳ ..... وضو و غسل با لنز
- ۲۲۳ ..... وضو با دست فلج یا قطع شده
- ۲۲۴ ..... وضوی کسانی که دست های ناتوان دارند
- ۲۲۴ ..... وضوی جبیره
- ۲۲۴ ..... اشاره
- ۲۲۶ ..... زخم بسته و چگونگی وضو
- ۲۲۷ ..... جبیره تمام عضو یا اکثر اعضای وضو
- ۲۲۷ ..... مسح با دستی که جبیره دارد
- ۲۲۸ ..... جبیره بیش از حد معمول
- ۲۲۸ ..... چسبیدن چیزی بر محل وضو
- ۲۲۹ ..... نماز با وضوی جبیره ای
- ۲۲۹ ..... غسل جبیره ای
- ۲۲۹ ..... اشاره
- ۲۲۹ ..... جبیره به سبب بیماری چشم
- ۲۳۰ ..... نماز اول وقت با وضو یا غسل جبیره ای
- ۲۳۰ ..... ضرر داشتن آب برای وضو و غسل
- ۲۳۱ ..... تیمم
- ۲۳۱ ..... تیمم جبیره ای
- ۲۳۱ ..... تیمم نیابتی
- ۲۳۲ ..... نماز با تیمم
- ۲۳۳ ..... باطل شدن تیمم
- ۲۳۳ ..... چند تیمم بدل از چند غسل
- ۲۳۳ ..... تیمم بدل از غسل و وضو



- ۲۳۴ ..... باطل نشدن تیّم بدل از غسل
- ۲۳۴ ..... غسل
- ۲۳۴ ..... جنابت بیمار
- ۲۳۴ ..... اشتباه خون حیض به دمل
- ۲۳۵ ..... نفاس
- ۲۳۶ ..... نماز
- ۲۳۶ ..... وقت نماز
- ۲۳۶ ..... کیفیت نماز بیمار از نظر قبله
- ۲۳۷ ..... احکام بدن و لباس نمازگزار
- ۲۳۷ ..... اشاره
- ۲۳۷ ..... صحت نماز با بدن و لباس نجس
- ۲۳۸ ..... نماز با لباس خون آلود
- ۲۳۹ ..... خوب شدن بعضی از زخم های بدن
- ۲۳۹ ..... حکم خون کمتر از یک درهم
- ۲۴۰ ..... اذان
- ۲۴۰ ..... تکبیره الاحرام
- ۲۴۰ ..... طهارت مکان
- ۲۴۱ ..... کیفیت نماز بیمار
- ۲۴۱ ..... نشستن در نماز
- ۲۴۲ ..... تأخیر برای ایستاده خواندن نماز
- ۲۴۲ ..... رکوع در نماز نشسته
- ۲۴۳ ..... آرامش بدن در حال رکوع
- ۲۴۳ ..... ناتوانی از رکوع
- ۲۴۴ ..... ناتوانی از سجده کامل
- ۲۴۴ ..... سجده کسی که در پیشانی، دمل دارد
- ۲۴۵ ..... ناتوانی از سجده

- ۲۴۵ ..... رعشه در سجده
- ۲۴۶ ..... سرفه، آروغ و آه در نماز
- ۲۴۶ ..... شرایط امام جماعت
- ۲۴۷ ..... احکام روزه بیماران
- ۲۴۷ ..... بی هوشی پس از نیت روزه
- ۲۴۷ ..... خوب شدن بیمار قبل از ظهر
- ۲۴۷ ..... استعمال آمپول برای روزه دار
- ۲۴۷ ..... فرو بردن اخلاط برای روزه دار
- ۲۴۸ ..... اماله کردن و استفاده از شیاف
- ۲۴۸ ..... قی کردن در حال روزه
- ۲۴۸ ..... آروغ زدن در حال روزه
- ۲۴۹ ..... ضرر داشتن روزه
- ۲۵۰ ..... قضا و کفاره روزه بیمار
- ۲۵۰ ..... از بین رفتن روزه به سبب مستی
- ۲۵۱ ..... عدم وجوب قضاء روزه
- ۲۵۱ ..... ادامه بیماری تا ماه رمضان سال بعد
- ۲۵۲ ..... طول کشیدن بیماری به مدت چند سال
- ۲۵۲ ..... روزه و تشنگی زیاد
- ۲۵۲ ..... روزه زنی که زایمان او نزدیک است
- ۲۵۳ ..... روزه زن شیرده
- ۲۵۳ ..... استعمال اسپری در هنگام روزه
- ۲۵۳ ..... کسی که به خاطر پیری روزه نمی گیرد
- ۲۵۴ ..... خونریزی لثه و روزه
- ۲۵۴ ..... زکات فطره
- ۲۵۵ ..... حج
- ۲۵۵ ..... معاملات



# احکام پزشکان و بیماران: مطابق با فتوای آیه الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی

## مشخصات کتاب

سرشناسه: فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ۱۳۱۰ -

عنوان و نام پدیدآور: احکام پزشکان و بیماران: مطابق با فتوای مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی مدظله العالی/تالیف غلامحسین خدادادی، بخش پژوهش مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.

مشخصات نشر: قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۷۰۹-۴۷-۱

موضوع: پزشکی -- فتواها.

موضوع: فتوهای شیعه -- قرن ۱۴.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه.

شناسه افزوده: خدادادی، غلامحسین، گردآورنده.

شناسه افزوده: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.

رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹/ف۱۸الف۳۲ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۳۵۴۱

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

احكام پزشكان و بيماران: مطابق با فتواى مرجع عاليقدر حضرت آيه الله العظمى حاج شيخ محمد فاضل لنكرانى مدظله العالى

تاليف غلامحسين خدادادى

ص: ۳

در بینش اسلامی، خداوند، خالق و محور هستی و صاحب اختیار تمام موجودات است. او که انسان را آفرید و از نعمت عقل و اختیار برخوردارش نمود و سپس بایدها و نبایدها و تکالیف و قوانینی را برای او مشخص کرد که تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت اوست و مراعات آنها را برای رسیدن به این سعادت بر او لازم گردانید و در صورت نافرمانی او را مورد بازخواست نیز قرار خواهد داد. راه شناخت اشیاء و کسب معارف لازم را نیز از دو طریق وحی و عقل در اختیار او قرار داد و او را بر کسب دانش و اندوختن تجربه توانا ساخت تا بتواند زندگی مادی و معنوی خویش را بر پایه های استوار و معیارهای صحیح پی ریزی نماید. فراوی انسان دانش های متعددی وجود دارد هر چند ممکن است برای او لازم باشند، ولی همه در یک سطح از ارزش و شرافت قرار ندارند. در بین دانش های مختلف ارزشمندترین و شریف ترین آنها، علم دین

است که سلامتی روح آدمی را تأمین می کند و زندگی معنوی او را شکل می دهد. در سفارش های امام جعفر صادق علیه السلام به جابر جعفی آمده است:

«و اعلم أنه لا علم كطلب السّلامه، و لا سلامه كسلامه القلب» (۱) بدان، هیچ دانشی همانند آن نیست که جویای سلامتی است؛ و هیچ سلامتی همانند سلامتی دل و روح آدمی نیست. بعد از دانش دین، علم پزشکی در رتبه دوم قرار دارد که طیب جسم و بدن انسان است. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «العلم علمان، علم الأبدان و علم الأبدان». دانش دو نوع است: دانش دین و دانش مربوط به بدن. (۲) سبب شرافت این دو علم بر سایر علوم بدان جهت است که این دو به حیات انسان ارتباط دارند. یکی حیات معنوی و دیگری حیات مادی و جسمانی او را مورد توجه قرار می دهد. پزشک کسی است که با حیات جسمانی انسان سر و کار دارد و در پی کاهش آلام و رنج های اوست و کاری بس والا و ارزشمند دارد و پزشک مسلمان، بنا بر آموزش های دینی بر این باور است که او واسطه و وسیله است و شفا از خداوند متعال است یعنی در حقیقت طبابت کار خداوند است. «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (۳) و هنگامی که بیمار شوم او-خداوند-مرا شفا می دهد. و اوست که به گیاهان و اشیای موجود در طبیعت خواص

ص: ۵

---

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۷۸: ۱۶۴ ح ۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار ۱/ ۲۲۰ ح ۵۲.

۳- آیه ۸۰ سوره شعراء



درمانی بخشید و برای هر دردی دارویی قرار داد. به فرموده پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله: «تداووا فما انزل الله داءً الا انزل معه دواء الا السام- یعنی الموت- فانه لا دواء له...» (۱) مداوا کنید، زیرا خداوند دردی را نفرستاد، مگر این که همراه آن دارویی فرستاد- جز مرگ- که هیچ دارویی ندارد. پزشک نیز در پی کشف قوانین خداوند و به کارگیری آنها در درمان انسان است و لذا کار او مظهر کار خداوند است و او وسیله ای است برای تحقق قانون خدا، نه این که خود کار مستقلاً انجام دهد. ولی در عین حال پزشک یک وسیله برای درمان است. هیچ جامعه ای بی نیاز از پزشک نیست. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لا- يستغنى اهل كل بلد عن ثلاثة - يفرع الله [اليهم] في امور دنياهم و آخرتهم. فان عدموا ذلك كان همجاً - فقيه عالم ورع و اميرٌ خيرٌ مطاع و طيبٌ بصيرٌ ثقه...» (۲) «اهل هیچ شهری از سه چیز بی نیاز نیستند- که در کارهای دنیا و آخرتشان بدان [ها] پناه ببرند و اگر آن سه را از دست بدهند نادان و بی سرپناهند، فقیه و دین شناس که دانشمند و باتقوا باشد، فرمانروایی نیکوکار که دستوراتش اجرا شود و پزشکی که با بصیرت و مورد اطمینان باشد. همانطور که گذشت، پزشک و هر انسان دیگری در برابر خدا، خود و دیگران تکالیفی دارد که همه شئون زندگی را در بر می گیرد و از جمله آنها حرفه شریف پزشکی و حوزه کاری پزشک را نیز شامل می شود و او

ص: ۶

---

۱- (۱) -بحار الأنوار ۷۳/۶۲ ح ۲۹.

۲- (۲) -بحار الأنوار: ۷۸، ص ۲۳۵ ح ۵۹.

موظف به انجام آنهاست و اگر در انجام آنها کوتاهی کند یا آنها را مورد توجه قرار ندهد، در قیامت مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. حق و تکلیف، دو مفهومی هستند که وجود یکی، وجود دیگری را نیز به دنبال خواهد داشت. لذا اگر پزشک یا هر فرد دیگری در مقابل خدا یا انسانی تکلیفی داشته باشد، به این معناست که خداوند یا آن انسان بر او حقی دارد که قابل بازخواست و پی گیری است و اهمال یا تقصیر در انجام آن، مجازات دارد و بالأخره دیر یا زود، روزی فرا می رسد که باید هر فردی پاسخگوی همه اعمال و رفتار خویش باشد. متأسفانه سیطره فرهنگ مادی غرب، باعث شده که انسان عصر حاضر در مادیت و اقتصاد غرق شود و بسیاری از تکالیف و بایدها و نبایدهای شرعی را مورد غفلت قرار دهد و همین غفلت است که پیامدهای متعدد و تأسف باری را برای انسان عصر حاضر، خصوصاً جهان پیشرفته، به ارمغان آورده است؛ ولی پزشکان مسلمان و انسان های بیداری که فرهنگ انسانی و اسلامی خود را از دست نداده اند، می دانند که عمل به احکام نورانی اسلام چه تأثیر عمیقی بر زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد و از آنجا که پزشکان و کادر درمانی و... در هنگام معاینه، تجویز دارو و درمان با مسائل مختلفی روبرو هستند، چه این که متولیان امور درمانی بیماران از یک سو مواظبت بر این امر دارند که گرفتار انجام عملی که شرع مقدس به آن رضایت نمی دهد نشوند و از طرف دیگر تأکید دارند که بیمار بهبودی یابد و سلامتش تأمین شود و دچار عملی که خلاف دستورات دینی است، نگردد. انجام این مقصود در صورتی برای

پزشک، همکاران او و بیماران میسر می شود که نسبت به مسائل لازم و مورد احتیاج علم و آگاهی داشته و در مرحله بعد، متعهد به عمل کردن بر طبق این احکام باشند. روشن است که احکام و مسائل پزشکی در رساله ها و استفتائات مراجع معظم تقلید - ایدهم الله تعالی - در ابواب مختلف فقه و به مناسبت های گوناگون به طور پراکنده آورده شده است که دسترسی به آنها خالی از زحمت و سختی نیست؛ لذا به پیشنهاد مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، تصمیم گرفته شد که مجموعه «احکام پزشکی» یکجا گردآوری شده و در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. پس از مشورت و نظرخواهی از دوستان صاحب نظر و دعوت به همفکری و همکاری برای فراهم کردن چنین مجموعه ای، دوستان فاضل حجج اسلام شیخ مصطفی اسکندری و شیخ محسن حسینیان - دام عزهما - با همکاری و تلاش پی گیر و خستگی ناپذیر تا پایان راه ما را یاری فرمودند، تا مجموعه حاضر آماده شد. در اینجا بر خود لازم می دانم که از این دو برادر عزیز کمال تشکر را نموده و از خداوند متعال برای آنان آرزوی موفقیت بیشتر نمایم و همچنین از تمام فضلاء و صاحب نظران گرامی و اساتید محترم به ویژه استاد گرانقدر حضرت آیت الله مؤمن - مد ظله العالی - که با راهنمایی های سودمند خویش این جمع را در تهیه این مجموعه یاری کردند، نهایت تشکر و قدردانی را بنمایم. گفتنی است چون در مسائل فقهی، نظرات مختلفی مطرح است که گردآوری تمامی آنها در یک مجموعه کار را بر خواننده مشکل می کند،

تصمیم بر این شد که در مرحله نخست مجموعه به فتوای مرجع معینی مستند نباشد، بلکه از بین فتاوی مختلف، آنچه به قول مشهور نزدیک تر و با احتیاط سازگارتر است، جمع آوری شود تا پس از ارایه به محضر مراجع معظم تقلید، هر یک از ایشان بر آن حاشیه زده و یا متن آن را بر اساس فتوای خویش تغییر داده و در اختیار مقلدان قرار دهند. در این مجموعه سعی شده است احکام شرعی در زمینه های مختلف پزشکی جمع آوری گردد و به شیوه ای ساده و قابل فهم برای همه ارایه گردد تا علاقه مندان به راحتی بتوانند با احکام شرعی خود آشنا شوند. پس از پایان کار مجموعه حاضر در اختیار دفاتر مراجع عظام تقلید - حفظهم الله - قرار داده شد. مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی - مدّ ظلّه العالی - با بذل عنایت خود دستور فرمودند تا مطالب این کتاب با فتاوی معظم له تطبیق داده شود که این زحمت توسط هیئت استفتاء دفتر ایشان انجام پذیرفت. جا دارد که از صدیق ارجمند جناب حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی فرزند گرامی معظم له و حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمد عطائی تشکر کرده و از خداوند متعال برای همگان آرزوی موفقیت روزافزون و توفیق جلب رضایت امام عصر - روحی فداه - داشته باشم. بی شک کاری جز آنچه از خالق یکتا و معصومین علیهم السلام صادر شود بی عیب و نقص نخواهد بود لذا موجب امتنان است که ما را از

نظرات اصلاحی و تکمیلی خود بهره مند فرمائید. از خدای بزرگ می خواهیم که این سعی ناچیز را مورد قبول خود و ذخیره  
آخرت قرار دهد. حوزه مقدسه علمیه قم - غلامحسین خدادادی

ص: ۱۰









در فرهنگ اسلامی آموزش پزشکی از جایگاه ممتازی برخوردار است؛ زیرا به نجات جان بیماران، درمان و یا کاستن رنج آنان می انجامد.

آموزش پزشکی برای دستیابی به این هدف والا، برای دانشجویان گرایش های مختلف این رشته حیاتی و نیز رشته هایی که به گونه ای با پزشکی مرتبط هستند، با موضوعاتی همراه می شود که در قلمرو اخلاق اسلامی و فقه، احکام ویژه ای دارد. همانگونه که بیماران نیز در این ارتباط احکام خاصی دارند، پزشکان، دانشجویان، پرستاران و... از نظر شرعی در آموزش های خویش، موظف به فراگیری و به کار بستن احکام یادشده هستند. در این فصل به بیان مسائل و احکام شرعی در ارتباط با آموزش های پزشکی می پردازیم.

الف: آموزش پزشکی

۱- آموزش و فراگیری مسائل پزشکی در رشته های گوناگون مورد نیاز جامعه اسلامی و سبب نجات جان بیماران مسلمان باشد، واجب است

ص: ۱۴

و در این راستا بر مسئولان نظام اسلامی واجب می شود زمینه لازم برای پرورش پزشکان مرد و زن مورد نیاز جامعه اسلامی را فراهم سازند.

۲- دانشگاه ها و دانشکده های پزشکی باید برنامه های آموزشی خود را منطبق با نیازهای بهداشتی و درمانی جامعه اسلامی در راستای تأمین تخصص های لازم پایه ریزی کنند.

۳- فراگیری مسائل پزشکی، روان پزشکی، روان شناسی و... تا جائی که برای معالجه بیماران مسلمان لازم است-هرکدام نسبت به گرایش پزشکی خویش-واجب کفایی است.

۴- آموزش های تخصصی و فوق تخصصی هر یک از رشته ها و گرایش های پزشکی، پیراپزشکی، روان شناسی و... برای متخصصین رشته های فوق-قبل از مبادرت به معاینه و معالجه بیماران-واجب کفایی است.

۵- کسانی که به شغل پرستاری می پردازند، باید آموزش های لازم را-به ویژه آنچه در رابطه با حیات و مرگ بیماران می باشد-فراگیرند.

۶- بر زنان و دختران مسلمان لازم است تا با تحصیل کردن در رشته های مختلف پزشکی، خصوصاً زنان و زایمان، نیازهای زنان مسلمان را برآورده سازند؛ تا دیگر احتیاجی به دخالت مردان نباشد.

۷- اگر حفظ جان بیماران در آینده متوقف بر آموزش مسائل مربوط به زنان و زایمان باشد، فراگیری آنها توسط مردان اشکال ندارد.

### **احکام نگاه و معاینه پزشکی**

۸- نگاه به تصاویر عریان و نیمه عریان کتاب ها و فیلم های آموزشی

پزشکی در صورتی که صاحبان تصاویر ناشناخته باشند و از روی شهوت و لذت جویی نباشد و مفسده ای نیز بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد.

۹- نگاه استاد و دانشجویان به بدن نامحرم و عورتین میّت در موقع تشریح به مقدار لازم و ضرورت اشکال ندارد.

۱۰- معاینه بیماران غیر مجانس و نگاه و لمس بدن و عورت آنان توسط دانشجویان اگر جزء موارد ضروری-معالجه بیماران هرچند در آینده منحصرأً متوقف بر آن باشد- برای کسب تجربه و آگاهی از نحوه درمان و نجات جان بیماران باشد و این هدف، با معاینه بیماران همجنس تحقق نیابد، اشکال ندارد، ولی باید به مقدار ضرورت اکتفا نمایند.

۱۱- معاینه بیماران غیر مماثل و نگاه به بدن آنان برای انجام کارهای تحقیقاتی، اگر معالجه بیماران-هرچند در آینده-متوقف بر آن باشد اشکال ندارد، ولی لازم است به مقدار ضرورت اکتفا شود.

### کلاس های مختلط

۱۲- حضور مختلط دانشجویان دختر و پسر در کلاسهای آموزش و تشریح و صحبت کردن آنان با یکدیگر با رعایت حجاب شرعی و عفاف اشکال ندارد.

### ضمانت

۱۳- در معاینات و درمان هایی که توسط دانشجویان، انترن ها و رزیدنت ها صورت می گیرد اگر ضرر و خسارت مالی یا جانی متوجه بیمار

گردد، ضامن به عهده فردی است که معاینه یا درمان مستند به اوست و در صورت تعدد معاینه و درمان کنندگان، ضامن متوجه همه آنان خواهد بود.

۱۴- استفاده شخصی استادان و دانشجویان علوم پزشکی از امکانات دولتی و آنچه که هزینه آن از طرف بیماران تأمین می شود، جایز نیست.

و در صورت استفاده ضامن هستند.

ص: ۱۷





از دیرباز، تشریح علمی و عملی در آموزش های پزشکی جایگاه ویژه ای داشته است. شکی نیست که شناخت و درمان بسیاری از بیماری ها از رهگذر تشریح، میسر و آسان شده است. تشریح علمی بدن انسان هیچ اشکال شرعی ندارد، لیکن تشریح عملی بدن و اندام میت از دیدگاه شرع مقدس اسلام با احکام ویژه ای همراه است. در تشریح موضوعات متعددی وجود دارد که در این فصل، احکام هر یک از آنها خواهد آمد.

### **الف: تشریح جسد غیر مسلمان**

۱۵- تشریح جسد غیر مسلمان و قطع اعضای او برای آموزش و پیوند، مطلقاً جایز است، و اگر حیات مسلمانی بر این تشریح متوقف باشد واجب است، مگر این که اولیای او مخالفت کنند و فتنه و فساد به دنبال داشته باشد.

### **ب: تشریح جسد مسلمان**

۱۶- تشریح جسد مسلمان- از لحاظ حکم اولی- جایز نیست و اگر

ص: ۲۰

کسی مردهٔ مسلمانی را تشریح کند معصیت کرده و اگر سر او را قطع کند یا اعضای بدنش را جدا نماید به شرح و ترتیبی که در بحث دیات ذکر شده، دیه بر او واجب می شود.

۱۷- اگر تشریح جسد غیر مسلمان برای آموزش پزشکی ممکن باشد، تشریح جسد مسلمان جایز نیست گرچه حیات یک یا جمعی از مسلمانان متوقف بر این آموزش باشد و در صورت امکان تشریح غیر مسلمان، اگر کسی جسد مسلمان را تشریح کند گناه کرده است و به شرح و ترتیبی که در بحث دیات ذکر شده، دیه بر او واجب می شود.

۱۸- اگر حفظ جان مسلمانی بر تشریح متوقف باشد و تشریح کافر ممکن نباشد، تشریح جسد مسلمان جایز است، اما برای مجرد آموزش و در صورتی که جان مسلمانی بر آن متوقف نباشد جایز نیست.

۱۹- در مواردی که حاکم شرع، تشریح بدن مرده ای را لازم بداند، می تواند حکم به تشریح آن کند و در این فرض، تشریح جایز است.

۲۰- اگر اثبات حق متوقف بر نگهداری و یا تشریح جسد مسلمان باشد و طریق دیگری نباشد، نگهداری و تشریح آن اشکال ندارد و بهتر آن است که از حاکم شرع اجازه گرفته شود.

۲۱- در عدم جواز تشریح جسد مسلمان تفاوتی بین مسلمان شیعه و سنی وجود ندارد.

۲۲- تشریح جسد افراد به ظاهر مسلمان که به خاطر فساد اخلاقی و قاچاق مواد مخدر و... اعدام شده اند جایز نیست مگر اینکه ارتداد و کفرشان ثابت شده باشد.



۲۳- در صورتی که تشریح کننده نداند که میت مسلمان است یا غیر مسلمان، اگر در کشورهای مسلمان باشد محکوم به اسلام است و تشریح آن بدون ضرورت (۱) جایز نیست ولی اگر در کشورهای غیر مسلمان باشد حکم میت غیر مسلمان را دارد.

۲۴- هرگاه مسلمانی وصیت کند که جسد او را بعد از مرگ تشریح کنند، چنین وصیتی نافذ نیست؛ آری اگر بر تشریح یک امر اهمی مترتب شود از قبیل اینکه جسد این شخص دارای مرضی خاص بوده که غیر از راه تشریح نمی توانند به آن پی ببرند تا برای معالجه دیگران استفاده نمایند، در این صورت تشریح جایز است.

۲۵- در مواردی که تشریح جسد مسلمان جایز نیست، اگر اولیای او اجازه تشریح جسدش را بدهند، باز هم تشریح جسد حرام است.

### ج: تهیه جسد و استخوان

۲۶- اگر تهیه جسد غیر مسلمان برای آموزش و تشریح ممکن است باید تهیه کنند تا از تشریح جسد مسلمان جلوگیری شود، هرچند مستلزم تأمین بودجه و خرید از کشورهای دیگر باشد.

۲۷- نبش قبر مسلمانان برای تهیه استخوان جهت تشریح جایز نیست مگر این که نیاز فوری و ضروری پزشکی برای دستیابی به آنها وجود داشته باشد و دسترسی به استخوان میت غیر مسلمان هم ممکن نباشد.

ص: ۲۲

---

۱- (۱) - مقصود از کلمه «ضرورت» این است که حفظ جان مسلمان بر آن متوقف باشد.

## د: نگهداری و فروش استخوان

۲۸- اگر استخوان متعلق به کافر باشد نگهداری و استفاده از آنها مانعی ندارد، ولی استخوان مسلمان را نمی توان نگاه داشت و باید دفن کرد.

۲۹- خرید و فروش استخوان کافر جایز نیست، اما اگر استخوان کافر در اختیار کسی باشد، می تواند از شخص دیگری که مثلاً برای تشریح به آن احتیاج دارد، مبلغی بگیرد و استخوان را در اختیار او قرار دهد.

## ه: تماس با جسد

۳۰- اگر کسی به جسد انسان میت و یا استخوان و یا بعضی اعضای استخوان دار میت مسلمانانی که سه غسل او تمام شده دست بزند، یا با یکی از اعضای خود با آن تماس بگیرد، غسل مس میت بر او واجب نمی شود.

ولی اگر پیش از آن که غسل سوم تمام شود، با یکی از قسمت های بدن میت تماس پیدا کند، اگر چه غسل سوم آن قسمت تمام شده باشد، باید غسل مس میت نماید.

## و: دیه تشریح و قطع عضو میت

۳۱- دیه تشریح و یا قطع اعضای میت به شرح زیر است: الف: بریدن سر میت غیر مسلمان و سایر اعضای بدنش دیه ندارد، ولی بریدن سر میت مسلمان و اعضای دیگرش اگر در موردی باشد که تشریح آن برای آموزش پزشکی لازم باشد، به این معنی که حفظ جان

مسلمانان متوقف بر این آموزش باشد-در این صورت-دیه ای بر آن مترتب نیست و همچنین است در صورتی که شخص وصیت کرده باشد، بعد از مرگ، جسدش را تشریح نمایند. اما در مواردی که بریدن آنها جایز نباشد، دیه لازم است. ب: قطع کردن سر میت مسلمان حرّ صد دینار دیه دارد و دیه قطع اعضا و سایر جنایات وارده بر او مثل نسبت دیه قطع سر میت است به دیه انسان زنده یعنی یک دهم آن است. مثلاً- قطع یک دست پنجاه دینار و قطع دو دست صد دینار دیه دارد. و قطع یک انگشت ده دینار دیه دارد و همین طور نسبت به جراحات وارده بر سر و صورت. و دیه از اموال ورثه نیست بلکه به خود میت اختصاص دارد که باید در امور خیریه مصرف شود، البته ظاهراً قرض میت را می توان از آن پرداخت کرد و زن و مرد و کوچک و بزرگ در آن مساوی هستند. ج: در مواردی که حفظ جان مسلمانان متوقف بر تشریح جسد مسلمان است بنا بر احتیاط واجب باید دیه آن پرداخت شود تا صرف امور خیر برای متوفی شود.

### **ز: خارج کردن اشیای قیمتی از بدن میت**

۳۲- خارج کردن اشیای قیمتی مانند پلا-تین و... از بدن میت مسلمان به شرطی که بی احترامی به میت محسوب نشود جایز است.

### **ح: نگهداری جسد**

ص: ۲۴

۳۳- جسد مسلمان چه بالغ باشد و چه نابالغ و یا جنین سقطشده ملحق به مسلمان، مطلقاً باید دفن شود و نگهداری آن بنا بر حکم اولی جایز نیست.

ص: ۲۵







شکی نیست معاینه و تشخیص، نقش حیاتی و ضروری در معالجه دارد؛ به گونه ای که در عرف پزشکی شهرت یافته است «تشخیص نیمی از درمان است»، به ویژه امروزه که در اثر پیشرفت علم پزشکی، تخصص ها و گرایش های فراوانی در قلمرو این علم پدید آمده است. و چه بسیار بیماری های مختلفی که با علایم ظاهری مشترکی بروز و ظهور می یابند و تنها با معاینه و تشخیص می توان به کمک مؤثر و درمان پرداخت و چه بسا نادیده گرفتن آن موجب ضررهای جبران ناپذیر جانی برای بیماران خواهد شد. به دلیل اهمیتی که جان انسان ها از دیدگاه اسلام دارد، درمان بیماران از سوی پزشکان حاذق، پاداشی غیر قابل وصف دارد؛ بدین سان پزشکانی که برای خدا به معاینه و تشخیص درست و بایسته بیماری ها می پردازند، از ارزش ویژه ای نزد خداوند برخوردارند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...» ۱ هر کس انسانی را



احیاء کند - او را نجات دهد - گویا همه مردم را زنده کرده است. معاینه، تشخیص و درمان در آیین شریعت، هر کدام دارای احکام ویژه ای است که به گوشه ای از آنها نظر می افکنیم.

## الف: معاینه

### احکام نگاه و لمس

۳۴- نگاه مرد به بدن زن نامحرم و بالعکس حرام است چه با قصد لذت باشد و چه بدون آن.

۳۵- برای زن واجب است، تمام بدن خود به استثنای صورت و دست ها را از نامحرم بپوشاند.

۳۶- نگاه کردن به صورت و دست نامحرم اگر با قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط مستحب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکنند.

۳۷- نگاه کردن به صورت، بدن و موی دختر نابالغ و ممیز اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن، انسان نترسد که به گناه بیفتد، اشکال ندارد. ولی بنا بر احتیاط واجب باید به جاهایی که معمولاً می پوشانند مانند شکم و ران، نگاه نکند.

۳۸- مرد نباید با قصد لذت به صورت یا بدن مرد دیگر یا پسر بچه نگاه کند و نگاه کردن زن به بدن زن دیگر یا دختر بچه هم، اگر با قصد لذت باشد حرام است.

۳۹- مرد و زنی که با یکدیگر محرم اند اگر قصد لذت نداشته باشند می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند ولی نگاه کردن زن و شوهر به عورت یکدیگر نیز جایز است.

۴۰- نگاه به عضو جدا شده از نامحرم جایز نیست و احتیاط واجب آن است که به موی جدا شده از نامحرم نیز نگاه نکنند ولی نگاه کردن به دندان و ناخن جدا شده اشکال ندارد.

۴۱- لمس بدن نامحرم حرام است.

۴۲- در عدم جواز نگاه و لمس، ظاهراً فرقی بین اعضای ظاهر و داخل بدن نیست.

### **نگاه و لمس در معاینه و درمان**

۴۳- با توجه به حرمت لمس و نظر برای معاینه و درمان نامحرم، باید به حدّ ضرورت اکتفا شود. بنابراین اگر با نگاه در آینه و صفحه نمایش بتوان معاینه یا درمان کرد، نباید مستقیماً به بدن نامحرم نگاه کرد ولی اگر نگاه مستقیم ضرورت داشته باشد، اشکال ندارد. همچنین اگر معاینه یا درمان بدون لمس ممکن باشد، لمس کردن نامحرم اشکال دارد و در لمس نیز اگر لمس با واسطه مثل دستکش ممکن باشد نباید بدن لمس شود.

۴۴- در عدم جواز لمس و نظر فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.

۴۵- لمس بدن بیمار نامحرم توسط پزشک از روی لباس، اگر با قصد لذت نباشد و مفسده ای هم بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد چه در حال ضرورت باشد یا در غیر حال ضرورت.

### **نگاه به عورت و لمس آن**

ص: ۳۱

۴۶- نگاه کردن به عورت دیگری چه محرم باشد و یا نامحرم، حرام است و تنها نگاه کردن زن و شوهر به عورت یکدیگر اشکال ندارد.

۴۷- احتیاط واجب آن است که انسان به عورت بچه‌ ممیز (۱) هم نگاه نکند. ولی نگاه کردن به عورت بچه‌ غیر ممیز اگر با قصد لذت نباشد اشکال ندارد.

۴۸- اگر انسان برای معالجه‌ کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنا بر احتیاط واجب، در صورت امکان باید در آینه یا صفحه‌ نمایش نگاه کند. ولی اگر چاره‌ ای جز نگاه کردن به عورت نباشد، اشکال ندارد.

۴۹- اگر زن یا مرد در حال ضرورت، بخواهد غیر همسر خود را تنقیه یا معالجه کند و مجبور باشد با دست عورت را لمس کند، باید چیزی به دست کند که دست او به عورت اصابت نکند.

۵۰- گرفتن نبض و فشار خون و تزریق آمپول توسط جنس مخالف به شرط این که جنس موافق در دسترس نباشد و به مقدار ضرورت اکتفا شود، اشکال ندارد.

۵۱- در اتاق‌ های عمل که نیاز است محل عمل را سترون و ضد عفونی نمایند، لازم است این کار توسط جنس موافق صورت گیرد و یا قبل از عمل در بخش‌ ها این کار صورت گیرد تا دچار اشکال نشود.

۵۲- در اتاق‌ های عمل قبل از عمل جراحی لازم است تمام بدن بیمار به جز ناحیه مورد عمل توسط جنس موافق پوشانده شود به نحوی که فقط همان موضع عمل در معرض دید باشد.

### **نگاه به نامحرم برای انجام تحقیقات پزشکی**

ص: ۳۲

---

۱- (۱) - به خردسالی که خوب و بد را تشخیص می دهد، ممیز می گویند.

۵۳- معاینه بیمار نامحرم برای آموزش و یا تحقیقات پزشکی- اگر معالجه بیماران حتی در آینده منحصرأ بر آن توقف داشته باشد- اشکال ندارد ولی لازم است به مقدار ضرورت اکتفا شود.

### معاینات غیر درمانی

۵۴- نگاه به نامحرم و نگاه به عورت غیر همسر برای امور استخدامی و سربازی حرام است و ضرورتی که در مورد معاینه برای درمان ذکر شد در اینجا صدق نمی کند.

۵۵- معاینه عورت و نگاه یا لمس آن برای تشخیص مواردی که در زیر می آید، در صورتی که قاضی صالح لزوم آن را احراز نماید و دستور این کار را بدهد اشکال ندارد: الف: تشخیص ازالۀ بکارت؛ ب: تشخیص آسیب های وارد شده بر آلت تناسلی زن در اثر آمیزش؛ ج: اثبات ناتوانی جنسی؛ د: اثبات وجود مانع از قبیل استخوان، گوشت و غده در آلت تناسلی؛ ه: تعیین جنسیت واقعی خنثی؛ و: تعیین میزان خسارت وارده شده به عورت بر اثر ضربه و مانند آن؛ ز: معاینه بدن نامحرم و نگاه یا لمس آن به دستور قاضی صالح برای تعیین میزان خسارت وارده بر بدن در اثر ضربه و مانند آن. البته در همه موارد بالا باید به مقدار ضرورت از نگاه و لمس عورت اکتفا شود و اگر معاینه به صورت غیر مستقیم امکان دارد باید از معاینه مستقیم پرهیز نمود.

۵۶- نگاه به بدن مرده نامحرم و لمس آن و همچنین نگاه و لمس عورت میت در مواردی که برای تشخیص موضوعات احکام شرعی لازم باشد و قاضی صالح دستور آن را بدهد اشکال ندارد.

۵۷- در مواردی که نگاه کردن بر نگاه کننده حرام است بر زن یا مرد- بر حسب مورد- نیز حرام است اجازه دهد به مو، بدن یا عورت او نگاه شود یا مورد لمس قرار گیرند.

### مراجعه به پزشک غیر همجنس

۵۸- به طور کلی در صورت وجود پزشک همجنس، خوب است بیمار به پزشک غیر همجنس مراجعه نکند و اگر معاینه نیاز به نگاه کردن یا لمس جایی از بدن داشته باشد که نگاه به آن یا لمس آن حرام است، مراجعه به غیر همجنس حرام است مگر در موارد زیر: الف: تشخیص بیماری توسط پزشک همجنس ممکن نباشد؛ ب: مراجعه به پزشک همجنس موجب عسر و حرج باشد؛ ج: مراجعه به پزشک همجنس موجب تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی گردد؛ د: موارد اضطراری دیگر.

۵۹- در مواردی که مراجعه به پزشک غیر همجنس بر بیمار حرام است، معاینه و نگاه یا لمس بدن بیمار بر پزشک نیز حرام است. ولی در موارد فوق که مراجعه به پزشک غیر همجنس برای بیمار مانعی ندارد، اقدام به معاینه و معالجه برای پزشک نیز جایز و گاهی لازم است؛ لیکن بر پزشک لازم است در نگاه و لمس به مقدار ضرورت اکتفا کند.

۶۰- اگر پزشک محرم در دسترس باشد، لازم است بیمار در مواردی که معاینه احتیاج به نگاه و لمس دارد به او مراجعه کند.

۶۱- هرگاه در معاینه و درمان احتیاج به نگاه و لمس عورت باشد و همسر بیمار، پزشک و قادر بر معاینه و درمان و در دسترس باشد، جایز نیست بیمار به کسی غیر از همسر خود مراجعه نماید.

## ب: تشخیص

### اشاره

۶۲- حفظ جان مسلمان بر هر کسی که توان حفظ آن را داشته باشد واجب است و بنابراین مداوای بیمار مسلمان در هر شرایطی بر پزشک و مؤسسات پزشکی مانند بیمارستان ها واجب است و آنها نمی توانند از پذیرش یا مداوای بیمار خودداری نمایند مگر این که مداوای بیمار از عهده آنان خارج باشد که در این صورت باید به پزشک یا مرکز صالح ارجاع دهند.

۶۳- اگر بیماری مراجعه کننده در حدی نباشد که جان او در خطر باشد، و یا باعث تشدید بیماری شود و امکان دسترسی به پزشک یا بیمارستان دیگر وجود داشته باشد، عدم پذیرش بیمار اشکال ندارد.

۶۴- پزشک موظف است در محدوده تخصص و اطلاعاتش مداوا نماید و چنانچه نتواند بیماری فرد را تشخیص دهد یا درمان نماید، او را به افراد متخصص ارجاع دهد.

## لزوم به کارگیری روش های تشخیص

ص: ۳۵

۶۵- در صورتی که تشخیص بیماری متوقف بر انجام آزمایش یا عکس برداری و... باشد نباید بدون انجام آنها به درمان پرداخت مگر این که وقت کافی موجود نباشد. ولی اگر بیماری مریض تشخیص داده شد و روش های تشخیصی فوق برای اطمینان بیشتر باشد، انجام آنها لازم نیست.

۶۶- در صورتی که راه های تشخیصی و درمانی که ضرر و هزینه کمتری دارند ممکن باشد، انجام راه هایی که ضرر و هزینه بیشتری دارند - به بهانه تسریع در درمان و یا...- جایز نیست مگر این که به بیمار اعلام شود و خود او راضی باشد.

۶۷- کلیه آزمایش های تشخیصی و درمانی اگر مستلزم نگاه و لمس حرام یا کارهای حرام دیگر نباشد جایز است و اگر مستلزم نگاه یا لمس حرام باشد جایز نیست، مگر در موارد ضروری که باید به مقدار ضرورت اکتفا شود.

۶۸- نمونه گیری از افرادی که مشکوک به بیماری های مقاربتی هستند و باید حتماً برای نمونه گیری به عورت آنها نگاه کرد و یا آن را لمس نمود، در صورت ناچاری و ضرورت جایز است به شرط آن که به مقدار ضرورت اکتفا شود.

۶۹- گرفتن منی-اسپرم-افراد برای آزمایش، اگر از طریق استمناء باشد حرام است و بر فرض ضرورت باید از طریق مقاربت و یا ملاعبه با همسر گرفته شود و در افراد مجرد نیز باید از طریق ازدواج موقت، تهیه منی-اسپرم-به صورت حلال صورت گیرد.

۷۰- در صورتی که حفظ جان بیمار یا معالجه او مستلزم آن باشد که

یک سری آزمایش های طبی و دارویی انجام شود، آزمایش های مزبور جایز است هر چند برای مریض ضرر داشته باشد، اما این ضرر باید کمتر از ضرری باشد که در صورت عدم انجام آزمایش ها، متوجه بیمار می شود.

۷۱- اگر در حین انجام آزمایش های تشخیصی، معلوم شود که ادامه آزمایش برای بیمار ضرر جانی دارد باید آزمایش متوقف گردد.

۷۲- اگر در انجام آزمایش های تشخیص طبی، صدمه ای متوجه بیمار گردد، چنانچه نمونه گیرنده کوتاهی کرده باشد، ضامن خواهد بود و اگر اقدامات انجام شده با اذن بیمار و در حد معمول بوده و کوتاهی در کار نبوده، کسی ضامن نیست.

۷۳- اگر آزمایشگاه در تشخیص آزمایش اشتباه کند و پزشک معالج نیز به جهت اعتماد به این تشخیص خطا نماید، مسئول آزمایشگاه و پزشک معالج هر دو ضامن خواهند بود.

۷۴- در مسأله قبل در صورتی پزشک معالج ضامن نیست که در فهم آزمایش کوتاهی نکرده باشد و از مواردی نباشد که معمولاً پزشک با کمی دقت می تواند متوجه اشتباه آزمایشگاه گردد.

۷۵- اگر به جهت استفاده از دانشجویان آموزشی و غیر متبحر، در هنگام آزمایش ضرری متوجه بیمار گردد، دانشجویان آموزشی و مسئول آنان، علاوه بر این که گناهکارند، ضامن نیز هستند.

۷۶- در انجام آزمایش های تشخیصی همانند گرفتن خون و... نیاز به گرفتن براثت ذمه نیست و علم به رضایت بیمار و عدم اعتراض وی کفایت می کند ولی اگر نمونه گیرنده خطا کند، در صورتی که براثت نگرفته باشد، ضامن است.



۷۷- اگر پزشک بعد از دقت کامل، بعضی از آزمایش‌ها یا طرق تشخیصی دیگر را برای بیمار لازم بداند که مطمئناً برای او ضررهایی دارند-مانند...سی تی اسکن، نمونه برداری از کبد و کلیه و نظایر آن-در صورتی که پزشک، بیمار یا ولی او را از عوارض احتمالی آن آگاه سازد و شرط عدم ضمان کند، ضامن نخواهد بود.

### آزمایش‌های تحقیقاتی

۷۸- آزمایش‌های تحقیقاتی از هر نوعی که باشند، تا اندازه‌ای که خطر جانی و ضرر مهم یا ارتکاب حرامی را به همراه نداشته باشد در صورت رضایت آزمایش‌شونده، اشکال ندارد.

۷۹- رضایت بیمار و اجازه او برای آزمایش‌های تحقیقاتی لازم است، هر چند آن آزمایش برای بیمار کاملاً بی‌ضرر یا کم‌ضرر باشد و در این جهت فرقی بین مسلمان و کافر و اسیران و محکومان به اعدام و... نیست.

۸۰- آزمایش کردن داروها بر روی انسان و بررسی آنها اگر موجب ضرر شود جایز نیست مگر در دو صورت: الف: آن که خطر جانی و ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و شخص نیز به انجام آن آزمایش راضی باشد؛ ب: آن که حفظ جان یا سلامت مسلمانان-هر چند در آینده-متوقف بر این آزمایش باشد و با اجازه مجتهد جامع الشرائط انجام گیرد.

۸۱- اگر در ضمن آزمایش معلوم شود که تحقیقات برای داوطلب ضرر جانی دارد و یا سلامت او را به خطر می‌اندازد، باید بلافاصله آزمایش متوقف گردد.

۸۲- انجام آزمایش هایی که موجب پیشرفت علم پزشکی می شود، بر روی حیوانات اشکال ندارد هرچند باعث از بین رفتن آنها شود. البته اگر حیوان ملک کسی باشد، بدون اجازه مالک جایز نیست و ضامن قیمت آن خواهد بود.

### رادیولوژی

۸۳- کسی که اقدام به تصویربرداری پزشکی می کند باید صلاحیت، مهارت و مجوز لازم را برای این کار داشته باشد و گرنه حق اقدام به این کار را ندارد و حتی الامکان باید مرد از مرد و همچنین زن از زن تصویربرداری نماید و تمام احکامی که در رابطه با نگاه و لمس گذشت باید مراعات شود.

۸۴- اگر تصویربردار پزشکی در گرفتن تصویر کوتاهی نماید به نحوی که لازم باشد مجدداً تصویربرداری نماید و از این جهت به بیمار ضرر جانی یا مالی برسد، تصویربردار ضامن است.

۸۵- اگر در دستگاه های تصویربرداری پزشکی نقصی وجود داشته باشد، چنانچه مسئول رادیولوژی یا شخص تصویربردار متوجه نقص آن باشند و در عین حال اقدام به تصویربرداری کنند و از این جهت ضرری متوجه بیمار گردد، ضامن خواهند بود.

۸۶- همانگونه که در مسائل قبلی گذشت، در تمام مراحل آزمایشی و تصویربرداری پزشکی، مسائل محرم و نامحرم در رابطه با نگاه و لمس باید کاملاً مراعات شود.

۸۷- به طور کلی در صورتی که با روش های مشروع و حلال امکان

تشخیص بیماری و یا درمان آن وجود داشته باشد، انجام روش های غیر مشروع و حرام جایز نیست. اما اگر چاره ای جز انجام روش های غیر مشروع و حرام نباشد، انجام آنها در حدّ ضرورت اشکال ندارد.

## ج: درمان

### اشاره

۸۸- معالجه با چیزهای حرام مانند شراب و الکل جایز نیست، مگر آن که معالجه منحصر به آنها باشد که در این صورت نیز باید به مقدار ضرورت اکتفا شود.

۸۹- معالجه با چیزهایی که یقین به نجاست آنها داشته باشد-مانند بعضی از داروهایی که از چیزهای نجس تهیه می شود- جایز نیست، مگر در مواردی که راه درمان منحصر به آن باشد و درمان بیماری نیز لازم باشد.

۹۰- معالجه با چیزهایی که مصرف آنها برای بدن ضرر دارد-مانند داروهایی که موجب سقط جنین می شود یا قوای بدن را مختل می کند و امثال آن-حکم معالجه با حرام را دارد و جایز نیست.

۹۱- ملاک در این که چیزی برای بدن ضرر دارد علم یا ظنّ یا احتمال عقلایی است.

۹۲- خوردن خاک حرام است، ولی خوردن کمی از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام برای شفا و خوردن گل داغستان و گل ارمنی برای معالجه، اگر معالجه منحصر به خوردن اینها باشد، اشکال ندارد.

۹۳- اگر پزشک می داند یا اطمینان دارد که عوارض جانبی دارویی شدید و خطرناک است، حق مداوا با آن را ندارد و اگر مداوا کند مسئول است و شرط عدم ضمان نیز رفع مسئولیت نمی کند هر چند امکان ارجاع بیمار به پزشکان متخصص و آگاه دیگری وجود نداشته باشد.

۹۴- در صورتی که پزشک برای درمان دو راه بیشتر نداشته باشد: الف: این که از دارویی قوی و مؤثر و کم هزینه ولی دارای ضرر شدید استفاده کند؛ ب: این که از داروی کم تأثیر و پرهزینه ولی کم ضرر استفاده کند، پزشک می تواند بنا بر تشخیص خود هر یک از دو راه را که به نظرش بهتر است و به نفع بیمار است، تجویز نماید.

۹۵- در صورت ضرورت و منحصر بودن معالجه به مواد مخدر، پزشک می تواند مواد مخدر را تجویز نماید ولی نباید در حدی تجویز نماید و یا نوع خاصی را تجویز کند که سبب اعتیاد شود؛ و تجویز این نوع داروها اگر موجب اعتیاد شود، تنها در صورت ضرورت مجاز است.

۹۶- استفاده از مواد مخدر رقیق شده در صنایع داروسازی به شرط آن که موجب اعتیاد بیمار نشود اشکالی ندارد.

۹۷- استفاده از روش های درمانی پرهزینه و پرعارضه-مانند شیمی درمانی و برخی جراحی ها- اگر تنها راه نجات جان بیمار باشد اشکال ندارد اما پزشک باید قبلاً از بیمار یا ولی او براثت بگیرد. ولی اقدام به این نوع درمان ها به صرف احتمال، جایز نیست مگر آن که به بیمار اعلام شود و خود او به ضرر آن راضی باشد.

۹۸- استفاده از روش های درمانی غیر متعارف مانند هیپنوتیزم و نظایر

آن اگر اطمینان به تأثیر آنها باشد و یا برای مریض ضرری نداشته باشد، اشکال ندارد.

۹۹- اگر داروی مؤثر بر درمان بیماری در دسترس نباشد و یا به جهت گران بودن، بیمار قادر به تهیه آن نباشد در صورتی که جان بیمار در خطر باشد پزشک و دیگران که در توان دارند، به صورت واجب کفایی مسئول هستند که داروی مورد نیاز را به هر طریق تهیه نمایند و جان بیمار را نجات دهند؛ یا باید از طریق بیت المال هزینه های لازم تأمین شود.

۱۰۰- بر مسئولان بهداشت و درمان کشور و بیمارستان ها، هر کدام نسبت به مسئولیت خویش، واجب است ابزار، وسایل و داروهای ضروری و حیاتی مورد نیاز بیماران را فراهم آورند.

۱۰۱- پزشک در صورتی می تواند اجازه ترک بعضی اعمال واجب شرعی همانند روزه را بدهد که برایش مسلم شده باشد برای بیمار ضرر دارد، ولی در صورتی که برایش مسلم نشده باشد، دادن چنین اجازه هایی جایز نیست.

### افشای سرّ بیماران

۱۰۲- افشای سرّ (۱) و عیوب بیماران جایز نیست مگر در موارد خاص که در مسائل بعد می آید.

۱۰۳- اگر پزشک متوجه شود در شخص یک نوع بیماری وجود دارد

ص: ۴۲

---

۱- (۱) - مقصود از سرّ بیمار، مرض یا ناراحتی بیمار است که مردم با دیدن او از آن اطلاع پیدا نمی کنند.

که به دیگران سرایت می کند و کتمان آن مفسده اجتماعی مهمی خواهد داشت، نباید آن را کتمان نماید بلکه باید به مراجع مربوطه اطلاع دهد.

۱۰۴- در آزمایش هایی که قبل از ازدواج صورت می گیرد، اگر پزشک یا مسئول آزمایشگاه متوجه شود که شخص معتاد است، گفتن آن به اولیای دختر و یا اگر دختر معتاد است گفتن آن به پسر لازم است. همچنین اگر متوجه شوند شخص دارای مرضی است که موجب بحران های خانوادگی و یا اجتماعی می شود- مانند تالاسمی، سفلیس، ایدز و...- اطلاع آن به طرف مقابل و مراجع ذی صلاح لازم است.

۱۰۵- در صورتی که مداوای بیمار متوقف بر افشای سرّ او باشد، پزشک می تواند به نزدیکان او اطلاع دهد ولی باید به مقدار ضرورت اکتفا نماید.

۱۰۶- در صورتی که برای شخص فاش شدن بیماری مخفی اش مهم نباشد کتمان آن واجب نیست، اما اگر گفتن آن غیبت محسوب شود، حرام است.

۱۰۷- هرگاه مطلع شدن بیمار از نوع بیماری خویش موجب وحشت و در نتیجه تشدید بیماری و صعوبت علاج یا تسریع در مرگ وی شود، مطلع ساختن او جایز نیست و همچنین است اگر عدم اطلاع وی موجب تسریع در درمان شود.

۱۰۸- هرگاه آگاه نکردن بیمار از نوع بیماری اش موجب بی توجهی وی نسبت به درمان بیماری شود و ضرری از این جهت به او برسد، آگاه ساختن بیمار از نوع بیماری اش لازم است.

## اجرت پزشکی

۱۰۹- دریافت حق طبابت قبل از طبابت یا بهبودی بیمار چنانچه مرسوم است، در صورتی که مورد رضایت بیمار باشد اشکال ندارد.

۱۱۰- اگر پزشک و بیمار بر سر مبلغی به عنوان اجرت یا حق ویزیت توافق کرده باشند، بیمار باید مقدار توافق شده راپردازد، مگر این که مغبون شده باشد. ولی اگر توافقی نشده باشد باید اجرت متعارف را پردازد.

۱۱۱- اگر پزشک سعی خود را در مداوای بیمار انجام دهد ولی بیمار بهبود نیابد، در صورتی که پزشک وعده مداوا و بهبودی داده و پول را در مقابل آن اخذ کرده باشد، در این صورت هر چه را اخذ کرده باید برگرداند، ولی اگر بنا بر این بوده که معاینه کند و طبق تشخیص نسخه بنویسد و حق ویزیت را در مقابل معاینه و نوشتن نسخه گرفته باشد، مدیون نیست. که قاعدتاً بین پزشکان فرض دوم متعارف است.

۱۱۲- اگر بیمار قدرت پرداخت هزینه معاینه را دارد اما نتواند هزینه های درمانی دیگر را پرداخت کند و جان او هم در خطر باشد و پزشک یا بیمارستان و... قدرت تأمین آنها را داشته باشند، بر آنها واجب است هزینه های درمانی او را پردازند و عدم پرداخت وجه، مجوز خودداری از درمان نیست.

۱۱۳- هرگاه پزشک یا بیمارستان یا... به بهانه های واهی مانند: عدم پیش پرداخت هزینه و... از مداوای بیمار خودداری نمایند و در اثر آن بیمار بمیرد یا ضرری متوجه او گردد، هر یک از آنان مرتکب گناه شده اند و هرگاه این عمل مستند به آنان باشد، شرعاً ضامن هستند.

۱۱۴- مسئولان وزارت بهداشت و درمان در صورت امکان ترتیبی

اتخاذ نمایند که هزینه درمان افراد بی بضاعت که توان پرداخت هزینه های درمانی خود را ندارند، از طریق بیت المال تأمین شود.

۱۱۵- گرفتن وجه اضافی از بیمار به هر عنوانی که بر خلاف ضوابط و مقررات باشد، شرعاً جایز نیست.

۱۱۶- مراعات نوبت بر بیماران، پزشک و دستیار او لازم است و دریافت وجه اضافی بر پزشک یا دستیار او برای مقدم کردن شخصی بر دیگران شرعاً جایز نیست، زیرا تضييع حقوق دیگران است.

۱۱۷- سوء استفاده مالی بیماران، پزشکان و کادر درمانی، مؤسسات پزشکی از قبیل درمانگاه ها، بیمارستان ها، آزمایشگاه ها، مراکز رادیولوژی و... از دفترچه های بیمه درمانی جایز نیست.

## خاتمه

## احکام محتضر

۱۱۸- مسلمانی را که محتضر است، یعنی در حال جان دادن می باشد، مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، باید به پشت خوابانید؛ به طوری که کف پاهایش رو به قبله باشد و اگر خواباندن او کاملاً به این نحو ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب تا اندازه ای که ممکن است باید به این دستور عمل کند و چنانچه خواباندن او به هیچ قسم ممکن نباشد به قصد احتیاط او را رو به قبله بنشانند و اگر آن هم نشود باز به قصد احتیاط او را به پهلوئی راست یا به پهلوئی چپ، رو به قبله بخوابانند.

۱۱۹- احتیاط واجب آن است که تا وقتی او را از محل احتضار حرکت



نداده اند، رو به قبله باشد و بعد از حرکت دادن، این احتیاط واجب نیست.

۱۲۰- رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمان واجب است و اجازه گرفتن از ولی او لازم نیست.

۱۲۱- بنا بر آنچه در مسائل قبلی گذشت، پرستاران و مسئولان بخش های بیمارستان ها موظف هستند اگر احساس می کنند بیماری در حال جان دادن است، او را به نحو مذکور در مسائل قبل رو به قبله کنند.

۱۲۲- اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسلش نداده اند، مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مسّ میّت نماید؛ چه در خواب مس کند یا بیداری، با اختیار مس کند یا بی اختیار، حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میّت برسد باید غسل کند.

۱۲۳- برای مسّ مرده ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست، اگر چه جایی را که سرد شده مس نماید.

۱۲۴- برای مسّ موی میّت یا رساندن موی خود به بدن میّت غسل مسّ میّت واجب نیست.

۱۲۵- برای مسّ بچه مرده حتی بچه سقط شده ای که چهار ماه او تمام شده باشد، غسل مسّ میّت واجب است.

۱۲۶- مسّ بدن میّت با دستکش موجب غسل مسّ میّت نمی شود.





دهان و دندان، هم از نظر بهداشت تن و روان و هم از نظر زیبایی و حسن جمال انسان، نقش تعیین کننده دارد؛ به همین جهت در فرهنگ اسلام بر مواظبت و حفظ بهداشت دهان و دندان تأکید فراوان شده است، به گونه ای که مسواک زدن، یکی از شاخص های شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و از اسلام به دیگر ملل انتقال یافته است. دندانپزشک لایق و کاردان با ترمیم دندان مراجعه کننده، هم در نقش عامل بازدارنده از ابتلا به بیماری های گوناگون انجام وظیفه می کند و هم بر حفظ زیبایی چهره تأثیرگذار است. بنابراین کار او در حفظ سلامتی بدن و زیبایی صورت حایز اهمیت فراوانی است. امروزه بسیاری از مردم کشور ما و کشورهای جهان سوم از ناراحتی های معده، سوء هاضمه و... رنج می برند. گرچه مشکل عمده بسیاری از این جوامع، عدم تأمین درست ویتامین ها و پروتئین ها و گروه های اصلی غذایی مورد نیاز بافت ها و سلول های بدن است، اما ریشه اصلی این کاستی ها را باید در دهان و دندان نامناسب نیز جستجو کرد. بدینسان

دندانپزشکی از رشته های مادر و حیاتی پزشکی به حساب می آید. در این فصل بر آنیم که احکام شریعت مقدس را در رابطه با این رشته پزشکی مورد نظر قرار دهیم.

### حکم نگاه و لمس در دندانپزشکی

۱۲۷- در تمام موارد دندانپزشکی، باید احکام شرعی نسبت به نظر و لمس بدن نامحرم-مذکور در فصل معاینه و درمان-مراعات شود و در صورت نیاز به معالجه و عدم دسترسی به محرم و همجنس، رجوع بیمار زن به دندانپزشک مرد و بالعکس اشکال ندارد و حتی المقدور از دستکش استفاده شود.

### طهارت و نجاست

۱۲۸- دندان جدا شده از انسان زنده، اگر خون و گوشت همراه آن نباشد، پاک است و مس آن موجب غسل مس میت نیست.

۱۲۹- دفن دندانی که از شخص زنده جدا شده، هر چند مقدار کمی گوشت با آن باشد، مستحب است.

۱۳۰- اگر هنگام کشیدن دندان، مقداری از گوشت لته همراه دندان جدا شود، نجس است و اگر مقدار گوشت جدا شده خیلی کم باشد، بنا بر احتیاط اجتناب شود.

۱۳۱- اگر هنگام پر کردن دندان و یا جرم گیری و جراحی های لته و فک و امثال آنها، دهان انسان خونی بشود، بنا بر احتیاط مستحب دهان را

آب بکشد.

۱۳۲- وسایلی که پزشک هنگام معاینه و درمان، داخل دهان بیمار می‌کند، در صورتی که نجس باشد و یا آن که هنگام درمان، نجس شود و دوباره داخل دهان شود، دهان را نجس می‌کند و بعد از اتمام کار باید لب‌ها را تطهیر کرد و بنا بر احتیاط مستحب دهان را آب کشید.

۱۳۳- در هنگام کار دندانپزشک بر روی دندان، ترشحاتی که از دهان بیمار بر لباس و بدن دندانپزشک یا بیمار برخورد می‌کند، اگر خون آلود باشد، نجس است.

### **خون لای دندان**

۱۳۴- خونی که از لای دندان‌ها می‌آید نجس و خوردن آن حرام است.

ولی اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد.

### **استفاده از دندان ساخته شده توسط غیر مسلمان**

۱۳۵- استفاده مسلمان از دندان ساخته شده توسط غیر مسلمان جایز است ولی ظاهر آن را باید تطهیر کرد و اگر باطن آن نجس باشد، نماز را باطل نمی‌کند.

### **طهارت دندان مصنوعی**

۱۳۶- اگر دندان مصنوعی -اعم از ثابت و متحرک- و نیز موادی که با آن

ص: ۵۱

دندان را پر می کنند، با نجاست ملاقات نمود، بنا بر احتیاط مستحب، ظاهر آن تطهیر شود و چون جزء باطن محسوب می شود احتیاج به تطهیر ندارد.

### استفاده از طلا

۱۳۷- گذاشتن دندان طلا یا روکش طلا برای مرد اگر زینت نباشد یا ضرورت داشته باشد، اشکال ندارد و برای زن، مطلقاً مانعی ندارد. استفاده از پلاتین برای زن و مرد مانعی ندارد.

۱۳۸- گذاشتن دندان طلا- برای مرد با قصد زینت جایز نیست ولی اگر به خاطر ندانستن مسأله اقدام به این کار بنماید و برداشتن آن سبب خرابی همان دندان یا دندان های دیگر بشود، باقی گذاشتن آن اشکال ندارد.

۱۳۹- برای دندانپزشک جایز نیست بدون ضرورت، به گذاشتن دندان طلا برای مردان اقدام کند.

۱۴۰- اگر از طلا و فلزی دیگر، آلیاژی درست کنند که نسبت طلا در آن آلیاژ، کم باشد، استعمال چنین آلیاژی برای مردان اگر صدق طلا بر آن نکند، مانع ندارد.

۱۴۱- بیرون آوردن دندان های طلای میت جایز است.

### روزه داری و کشیدن دندان

۱۴۲- یکی از مکروهات ایام روزه داری، کشیدن دندان و هر کار دیگری است که به واسطه آن از دهان خون بیاید. و شخص بیمار با اجازه

دادن این اعمال به پزشک، مرتکب عمل مکروه شده است، اما برای دندانپزشک کراهت ندارد.

۱۴۳- تزریق آمپول بی حسی در دندانپزشکی، روزه را باطل نمی کند.

### اجرت دندانپزشکی

۱۴۴- توافق نهایی راجع به هزینه های درمان دندانپزشکی قبل از شروع معالجات لازم نیست و در صورت عدم تعیین اجرت، پزشک تنها استحقاق اجره المثل عمل خود را خواهد داشت.

### اذن بیمار

۱۴۵- دندانپزشک برای کشیدن دندان، اگر چه لُق باشد، باید از بیمار اجازه بگیرد و اگر بدون اجازه او دندانش را بکشد و بیمار راضی نباشد، ضامن خواهد بود و باید دیه بپردازد.

۱۴۶- پر کردن، جرم گیری و هرگونه درمان و... بر روی دندان بیمار باید با اجازه او باشد.

### ضمان در دندانپزشکی

۱۴۷- اگر بیمار قادر به پرداخت هزینه درمان دندان نباشد و یا این که تحمل درد دندان را نداشته باشد، کشیدن دندان او با علم به این که می توان چنین دندانی را درمان نمود، مانعی ندارد و با رضایت بیمار، پزشک ضامن نیست.



ولی اگر غرض عرفی و عقلایی متعارف، در کشیدن دندان نباشد، با تمکن از تحمل هزینه بیشتر و یا امکان معالجه با دارو، جواز کشیدن دندان سالم با پیشنهاد صاحب آن، محل اشکال است، هر چند در صورتی که شرط عدم ضمان کرده باشد دندانپزشک ضامن دیه نیست.

۱۴۸- اگر دندانپزشک به دندان آسیب برساند، ضامن است و هزینه ترمیم و دیه آن را باید بپردازد و در مقدار دیه، أحوط، تصالح است.

۱۴۹- گاهی بیمار به دلیل کاهش هزینه درمانی و یا صرفاً زیبایی ظاهری دندان، راه های درمانی خاصی را به پزشک پیشنهاد می کند که نهایتاً ممکن است باعث کشیدن و یا کاهش عمر دندان ها گردد. دندانپزشک گرچه با علم به این مسأله شرعاً مجاز به پیروی از نظر بیمار نمی باشد، ولی در صورت پیروی، ضامن نیست.

۱۵۰- اگر دندانپزشک، اشتبهاً به جای دندان خراب، دندان سالم را بکشد، باید دیه آن را بپردازد.

۱۵۱- اگر دندانپزشک و دندان ساز در کار خود مهارت داشته و مطابق قرارداد عمل نمایند، حق دریافت اجرت و هزینه مواد را دارند. اما اگر متخصص نبوده و یا در صرف مواد لازم کوتاهی کرده باشند، باید تدارک و جبران کنند.

۱۵۲- هرگاه ابزار و لوازم دندانپزشکی به ویروس بیماری های مسری، آلوده باشد، دندانپزشک حق ندارد قبل از استریل کردن و رفع آلودگی، آنها را مورد استفاده قرار دهد و در صورتی که با علم و اطلاع از آلودگی، اقدام به استفاده از آنها بنماید و موجب سرایت بیماری گردد، ضامن است.





اسلام برای سلامتی فرد و جامعه اهمیت ویژه ای قائل است و خواستار انسان هایی سالم، با نشاط و نیرومند است. چون تن سالم مرکب روح است و او را در تقرب به خدا کمک می کند. اساس سلامت هر فرد نیز از دوران جنینی تأمین می گردد و آن نیز در گرو سلامت مادر می باشد. پزشکان متخصص زنان و زایمان، نقش مهمی در حفظ و سلامت مادر و جنین دارند و بدین جهت کار آنان در فرهنگ اسلامی از ارزش و ثواب بالایی برخوردار است. اما از آن جهت که نگاه پزشک غیر همجنس و نامحرم به بدن و عورت یا لمس آنها حرام است، از منظر فقه اسلامی، مراجعه زن به پزشک مرد یا زن برای معاینه، درمان، زایمان و... و اقدام پزشک به انجام امور مذکور، دارای احکامی است که یادگیری و عمل به آن بر آنان لازم است. (۱)

## نگاه پزشک و ماما

ص: ۵۷

---

۱- (۱) - مسائل کلی نگاه و لمس پزشک غیر همجنس و نامحرم در فصل معاینه و درمان آمده است.

۱۵۳- پزشک یا ماما هر چند همجنس باشد، در نگاه کردن به اندام تناسلی زن هنگام معاینه و زایمان باید مراعات مقدار ضرورت را بنماید، زیرا هرگونه نگاه در غیر مورد ضرورت حرام است.

۱۵۴- با وجود پزشک متخصص زن در رشته زنان و زایمان بر پزشکان مرد، مبادرت به معاینه و زایمان حرام است.

۱۵۵- انجام سونوگرافی و یا آزمایشات دیگر زنان در دوران حاملگی و غیر آن در صورتی که مستلزم نگاه و لمس باشد فقط در موارد ضرورت - لازم بودن سونوگرافی و آزمایش و نبودن متخصص محرم یا همجنس - برای مردان جایز است و باید به حد اقل اکتفا شود.

### **مراجعه به پزشک در دوران بارداری**

۱۵۶- چون حفظ مادر و جنین، بیش از هر کس بر عهده مادر است، اگر مستلزم مراجعه به پزشک حاذق باشد، بر مادر واجب است اقدام کند.

۱۵۷- زن در دوران حاملگی با وجود پزشک زن نباید به پزشک مرد نامحرم مراجعه کند، مگر در صورتی که معاینه توسط پزشک مرد احتیاج به نگاه و لمس نداشته باشد.

۱۵۸- اگر همسر زن پزشک است و از تخصیص لازم برای معاینه، درمان و عمل زایمان برخوردار باشد و انجام آن هم امکان دارد، جایز نیست زن به دیگری رجوع کند.

۱۵۹- اگر همسر زن، پزشک باشد، در صورتی زن می تواند برای معاینه، درمان یا زایمان به پزشکان دیگر مراجعه کند که سلامتی وی یا کودک به آن توقف داشته باشد و در این صورت باید به پزشک محرم مراجعه و زن

را بر مرد مقدم بدارد.

### **ارجاع پزشک به دیگران**

۱۶۰- اگر زن به پزشک مرد مراجعه کند و معاینه نیاز به نگاه و لمس داشته باشد، در صورتی که ارجاع به پزشک زن امکان داشته باشد، پزشک مرد وظیفه دارد بیمار را به او ارجاع دهد.

۱۶۱- پزشک حق ندارد زن بیمار یا باردار را به پزشک مرد ارجاع دهد، مگر در صورتی که ضرورت داشته باشد. مانند این که پزشک زن نباشد و یا اگر هست، از تخصص لازم برخوردار نیست و...

### **عدم جواز درمان برای پزشک زن**

۱۶۲- در صورتی که معاینه و درمان توقف بر نگاه به عورت یا لمس آن داشته باشد و همچنین در انجام عمل زایمان، اگر همسر زن باردار از تخصص لازم برخوردار است و استفاده از او هم امکان دارد، بر پزشک زن هم جایز نیست دخالت کند.

### **تجویز دارو در دوران حاملگی**

۱۶۳- پزشک در هنگام تجویز دارو برای زنان باردار باید علم به مضر نبودن دارو برای مادر و جنین او داشته باشد و در صورتی که دارویی تجویز کند که به مادر و یا جنین ضرر وارد کند، ضامن است.

### **دخالت مردان در امور زایمان**

ص: ۵۹

۱۶۴- واجب است در هنگام معاینه، درمان و زایمان -غیر از موردی که پزشک معالج، همسر زن باشد- فقط زنان دخالت داشته باشند، مگر در صورتی که زن نباشد و یا وجود پزشک مرد ضرورت داشته باشد.

۱۶۵- دخالت شوهر در امر زایمان همسرش اگر ضرورت هم نداشته باشد، اشکال ندارد.

۱۶۶- مواردی که پزشک مرد امور مربوط به زایمان را انجام می دهد- و دخالت او ضرورت دارد- باید از دستکش استفاده نماید تا از تماس مستقیم با بدن زن اجتناب شود، اما اگر استفاده از دستکش ممکن نبود، در تماس با بدن زن باید به مقدار ضرورت اکتفا کند. همچنین در صورت امکان از نگاه مستقیم به بدن زن پرهیز کند. مثلاً با نگاه در آینه، صفحه نمایشگر و...

ببیند و اگر این هم ممکن نبود به حد اقل نگاه مستقیم اکتفا کند.

۱۶۷- در صورتی که زنی یافت نشود که زانو را کمک نماید، مردانی که به زن محرم هستند بر مردان نامحرم مقدم می باشند.

### **ممنوعیت ورود افراد متفرقه به اتاق زایمان**

۱۶۸- زن زانو در اتاق زایمان باید در معرض دید نامحرم قرار نگیرد و لازم است از ورود نامحرم به آن اتاق جلوگیری شود، مگر کسانی که ورودشان ضرورت دارد.

### **نگاه زنان دیگر**

۱۶۹- زنان دیگر که در اتاق زایمان و عمل کار می کنند نمی توانند نگاه یا لمس به عورت زن زانو داشته باشند مگر آن که برای معالجه زانو- چنانچه

در مسائل نگاه پزشک زن گذشت- ضرورت داشته باشد.

### **مواردی که می توان به پزشک مرد مراجعه کرد**

۱۷۰- با وجود پزشک زن اگر مراجعه به پزشک مردی که از تخصص بیشتر برخوردار است ضرورت داشته باشد، باید به پزشک متخصص مرد مراجعه نمود.

۱۷۱- اگر مراجعه زن باردار برای وضع حمل به پزشک زن موجب تأخیر در معالجه و در نتیجه خطر جانی برای زن یا فرزند داشته باشد، باید به پزشک مرد که در دسترس است مراجعه کند.

۱۷۲- در صورتی که پیدا کردن پزشک زن مشقت دارد و موجب عسر و حرج باشد می توان به پزشک مرد مراجعه کرد.

۱۷۳- در تشخیص ضرورت و یا تخصص پزشک، اگر بین زن و همسرش اختلاف باشد، مرد نمی تواند زن را مجبور کند که به پزشک خاص- پزشک مرد یا زن معین- مراجعه کند، بلکه ملاک تصمیم خود زن است.

### **آموزش و فراگیری علوم پزشکی زنان**

۱۷۴- اگر در منطقه ای به اندازه کافی پزشک زن و ماما نباشد و زنان بیمار و زائو به مردان مراجعه می کنند، واجب است زنانی که می توانند در این امور تخصص پیدا کنند، اقدام نمایند تا این احتیاج مرتفع گردد.

۱۷۵- در صورت ضرورت و نبودن پزشک زن، آموزش و فراگیری



علوم پزشکی مربوط به زنان توسط مردان-اگر دانشجویان زن و دختر اقدام به فراگیری این علوم نکنند و یا امکان نداشته باشد-اشکال ندارد.

### آموزش عملی

۱۷۶- پزشکان عمومی و پرستاران و... که دوران آموزش عمومی را می گذرانند، در صورتی می توانند آموزش های عملی- که مستلزم نظر و لمس بدن و عورت زن زائوست- را فراگیرند که بدانند در آینده نجات جان مادر یا فرزند او به این آموزش بستگی دارد. (۱)

### سقط جنین

۱۷۷- اگر بیماری مادر به حدی است که درد غیر قابل تحمل دارد و معالجه، لازم و ضروری است ولی در ضمن معالجه جنین طبعاً سقط می شود، اقدام و معالجه، چه قبل از دمیده شدن روح باشد یا بعد از آن، جایز است.

۱۷۸- اگر ادامه حاملگی در آینده برای مادر خطر جانی دارد، هرچند در حال حاضر درد غیر قابل تحملی ندارد، سقط جنین جایز است.

۱۷۹- اگر پزشکان متخصص بگویند: «در صورتی که زن کورتاژ نکند، در هنگام تولد یا زن می میرد یا بچه»، و از گفته آنان اطمینان حاصل شود، کورتاژ جایز است.

۱۸۰- اگر عمل جراحی برای مادر ضرورت دارد و در اثر جراحی

ص: ۶۲

---

۱- (۱) - برای اطلاعات کافی از مسائل مربوطه، به فصل آموزش پزشکی مراجعه شود.

احتمال دارد بچه بمیرد، در صورتی که مادر با عمل جراحی حتماً نجات می یابد، جراحی اشکال ندارد.

۱۸۱- اگر زنی نیاز به عمل جراحی پیدا کند که عمل جراحی، مستلزم بی هوشی است و با بی هوش کردن مادر، بچه می میرد، باید در صورت امکان مادر را به وسیله بی حسی موضعی یا بدون بی هوشی عمل کرد. امّا اگر بی هوش کردن او ضرورت دارد، مانعی ندارد.

۱۸۲- در صورتی که زنده ماندن مادر متوقف به سقط کردن جنین باشد، سقط جایز است و باید دیه آن پرداخت شود.

### حکم سزارین

۱۸۳- سزارین زن بارداری که امکان زایمان طبیعی او وجود دارد، جایز است با رعایت احکامی که در نگاه و لمس وجود دارد.

۱۸۴- اگر در اثر تأخیر سزارین، جنین بمیرد یا آسیبی به مادر وارد شود و به همین علت نقصی بر مادر یا جنین وارد شود، در صورتی که مرگ و آسیب مستند به کسی نباشد، کسی ضامن نیست. امّا اگر مستند به کسی باشد، او ضامن است مگر آن که شرط عدم ضمان کرده باشد و کوتاهی در عمل هم نکرده باشد.

۱۸۵- زنی که انجام عمل سزارین برایش ضرورت دارد، نمی تواند آن را بهانه قرار داده و اقدام به بستن لوله های خود نماید، مگر این که بستن لوله ها برای او نیز ضرورت داشته باشد. (۱)

ص: ۶۳

---

۱- (۱) - برای آشنایی بیشتر به فصل جلوگیری از بارداری مراجعه شود.

۱۸۶- پزشکی که عمل سزارین انجام می دهد، در صورتی می تواند لوله های زن را ببندد که برای او ضرورت داشته باشد و این کار باید با اجازه زن و همسر او انجام شود.

۱۸۷- اگر جنین در رحم مادر بمیرد، باید به آسان ترین راه او را بیرون آورند، هرچند ناچار شوند او را قطعه قطعه نمایند.

### استفاده از باقیمانده های زایمان

۱۸۸- استفاده از باقیمانده های زایمان، مثل جفت و... متعلق به زائوست ولی اگر او از آنها اعراض نماید یا به صورت مجانی یا در مقابل دریافت عوض، آن را واگذار نماید، استفاده از آن برای مصارف پزشکی جایز است.

### احکام جنین سقط شده

۱۸۹- جنین سقط شده در صورتی که مرده به دنیا بیاید، نجس است.

۱۹۰- جنین سقط شده، در صورتی که کمتر از چهار ماه دارد، باید در پارچه ای پیچیده شده و بدون غسل دفن شود.

۱۹۱- بچه سقط شده، در صورتی که چهار ماه تمام یا بیشتر داشته باشد، لازم است به طور متعارف غسل دهند و کفن نمایند و سپس دفن شود و خواندن نماز میت لازم نیست.

۱۹۲- کسانی از قبیل مادر، ماما و... که با بدن بچه سقط شده ای که چهار ماه تمام یا بیشتر دارد، تماس مستقیم پیدا کرده اند، لازم است غسل مسّ

میّت انجام دهند و اگر تماس توسط دستکش و مانند آن- غیر مستقیم - باشد، غسل لازم نیست.

### **فرزند متولد شده از مادر مرده**

۱۹۳- بچه ای که بعد از مردن مادر و سرد شدن بدن او به دنیا می آید و بدن او با بدن مادر تماس پیدا می کند، وقتی بالغ شد، غسل مسّ میّت بر او واجب است.

### **بیرون آوردن طفل از شکم مادری که از دنیا رفته**

۱۹۴- هرگاه مادر از دنیا برود و جنین زنده باشد، واجب است طفل را بیرون بیاورند- اگر چه امید به زنده ماندن جنین هم نداشته باشند- و برای انجام این عمل- در صورتی که برای سالم ماندن بچه فرقی نداشته باشد - احتیاط واجب این است که طرف چپ را بشکافند و در غیر این صورت قسمتی را که احتمال سالم ماندن طفل بیشتر است بشکافند و پس از بیرون آوردن طفل، محل را بخیه نمایند.

### **دقت در نسبت فرزند به مادر**

۱۹۵- به دلیل اهمیّت فراوان حفظ انساب و لزوم توجه به عدم الحاق فرزندی به غیر پدر و مادر، بر کسانی که در اتاق عمل زایمان کار می کنند لازم است نهایت دقت را بنمایند که در تحویل نوزادان به پدر و مادر، اشتباهی رخ ندهد.

۱۹۶- تجزیه خون جهت تشخیص فرزند و الحاق آن به پدر و مادر، از

لحاظ شرعی، حجیت ندارد مگر اینکه موجب علم و قطع شود.

## احکام بعد از ولادت

۱۹۷- مستحبات بعد از ولادت عبارتند از:

۱- شستن نوزاد در صورتی که برای او ضرر نداشته باشد؛

۲- گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او؛

۳- برداشتن کام او با آب فرات و تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام؛

۴- انتخاب نام نیکو برای نوزاد، حتی اگر سقط باشد؛

۵- تراشیدن سر او در روز هفتم و صدقه دادن طلا و یا نقره هم وزن موی او؛ تذکر: تراشیدن سر نوزاد بدین صورت که قسمتی را تراشیده و قسمتی را باقی بگذارند، مکروه است.

۶- دادن ولیمه بعد از تولد یا چند روز بعد از آن و هنگام ختنه؛ البته دادن یک ولیمه به عنوان تولد و ختنه اشکال ندارد؛

۷- عقیقه کردن برای نوزاد، چه پسر باشد و چه دختر.

۱۹۸- عقیقه یعنی قربانی کردن یک شتر یا گاو یا گوسفند-میش باشد یا بز- و مستحب است. در عقیقه امور زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- نمی توان به جای قربانی کردن حیوان، پول آن را صدقه داد؛

۲- مستحب است برای پسر حیوان نر و برای دختر حیوان ماده عقیقه کنند؛

۳- مستحب است عقیقه در روز هفتم تولد فرزند باشد، ولی اگر در آن روز انجام نشد، هر زمان دیگری می توان آن را انجام داد؛

ص: ۶۶

۴- مستحب است یک ران حیوان، بلکه یک چهارم آن را به قابله-ماما - هدیه دهند؛

۵- گوشت عقیقه را می توان قسمت کرد و صدقه داد و یا آن را پخت و مؤمنان را اطعام کرد، البته بهتر است دعوت شدگان کمتر از ده نفر نباشند؛

۶- مستحب است دعوت شدگان بعد از صرف عقیقه برای فرزند دعا کنند.

۱۹۹- ختنه کردن پسر بر اولیای او واجب است و مستحب است این عمل در روز هفتم تولد انجام شود.

۲۰۰- اگر اولیای پسر او را ختنه نکنند، بعد از بلوغ بر خودش واجب است انجام دهد.

۲۰۱- اگر پسری ختنه شده به دنیا آمد، لازم نیست مجدداً او را ختنه نمایند.

۲۰۲- ختنه کننده لازم نیست مسلمان باشد و انجام ختنه توسط هر فرد ماهری گرچه کافر باشد، اشکال ندارد.

۲۰۳- واجب نیست مادر خودش به بچه شیر دهد، گرچه استحباب دارد.









امروزه جلوگیری از بارداری و فرزنددار شدن در کشورهای جهان سوم و جوامعی که از رشد جمعیت، رنج می برند مسئله رایجی است لیکن از دیدگاه فرهنگ دینی که بر فراوانی نسل مسلمان و شیعیان تأکید فراوان می ورزد، به گونه ای که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را موجب مباهات خویش شمرده است، قابل توجه نیست و خودداری از تکثیر نسل، ناپسند و ناستوده است. بهانه های واهی مانند مشکلات اقتصادی و تربیتی و نابهنجاری های اخلاقی و روانی در این ارتباط، علمی و منطبق با واقع نیست. گناه برنامه ریزی ها و سیاست های غلط در اداره صحیح و گسترده جامعه و نیز ستم مستکبران و مستبدان در تقسیم ناعادلانه ثروت های عمومی را نباید به گردن ازدیاد نسل گذاشت. هرگز بعید نمی نماید اگر احتمال دهیم این شعارها از سوی استعمارگران برای تقلیل و کاستن نسل فرزندان اسلام است و این در حالی است که امروزه از سیاست های اعمال شده در جوامع پیشرفته در راستای

جلوگیری از فرزنددار شدن، شدیداً از سوی خود آنان انتقاد می شود؛ چه این که سیاست های غلط به مشکل جمعیت و عدم تناسب آن انجامیده است؛ تا جایی که امروزه جوامع پیشرفته مجبور به پذیرش مهاجران فراوان و تشویق گسترده به ازدیاد نسل شده اند. ما معتقدیم اگر تقسیم ثروت و امکانات جامعه با برنامه ریزی صحیح و بر اساس عدل راستین و فراگیر اسلامی صورت گیرد، امکانات و منابع فعلی پاسخ گوی کامل نیازهای جمعیت جهان و بیشتر از آن هم خواهد بود و هر کس مطابق با شئون خویش از حقوق لازم برخوردار خواهد شد. لازمه تحقق چنین مطلوبی، تدبیر شایسته و درست و برگرفته از متن شریعت اسلامی است، نه برخورد انفعالی در برابر فرضیه ها و انگاره های نظریه پردازان علم زده و بیگانه. البته اسلام با نگرش خویش نسبت به جلوگیری از بارداری به عنوان ثانوی در هنگام پدید آمدن مشکلاتی برای این امر، راه هایی را قرار داده است که در مسائل این فصل آمده است.

### حکم عقیم شدن دائمی

۲۰۴- بستن لوله ها در مردان یا زنان و یا راه های دیگر، اگر موجب عقیم شدن دائمی گردد از آن جهت که نقص عضو می شود جایز نیست و زن یا مرد نمی توانند خود را به طور دائم عقیم کنند و پزشک نیز نمی تواند آنان را برای همیشه عقیم نماید.

۲۰۵- اگر پزشک متخصص تشخیص دهد که حاملگی برای زن خطر جانی یا مشقت غیر قابل تحمل دارد و از گفته پزشک اطمینان حاصل شود

و راه دیگری برای جلوگیری از حاملگی وجود نداشته باشد، زن می تواند به طور دائمی خود را عقیم نماید.

۲۰۶- هیچ یک از موارد زیر نمی تواند مجوز عقیم سازی دائمی زن یا مرد گردد: الف: ناتوانی از تربیت صحیح اولاد یا ناتوانی از تأمین زندگی آنان؛ ب: مبتلا بودن به بیماری روانی؛ ج: مسائلی از قبیل تنظیم خانواده؛ د: داشتن فرزند زیاد و نخواستن فرزند بیشتر؛ ه: اگر انجام عمل سزارین برای زن ضرورت داشته باشد به این بهانه که چون عمل سزارین انجام می دهد و نامحرم به بدن من نگاه می کند، پس خود را عقیم نمایم، نمی تواند مجوز اقدام به عقیم سازی دائمی گردد؛ و: انجام مکرر عمل سزارین به نحوی که اگر زن مجدداً حامله شود، دیگر نتواند عمل سزارین انجام دهد؛ ز: داشتن سن بالاتر از ۳۵ سال و یا داشتن بیش از پنج مرتبه زایمان و مانند آن.

۲۰۷- در مواردی که عقیم شدن دائمی برای مرد یا زن جایز نیست، بر پزشک نیز حرام است به این عمل اقدام نماید و رضایت و عدم رضایت زن و شوهر و یا اصرار آنان موجب جواز آن نمی شود.

۲۰۸- شوهر حق ندارد همسر خود را به جلوگیری از حاملگی به صورت دائم یا موقت وادار نماید.

۲۰۹- در مواردی که عقیم شدن برای زن جایز است، اگر زن بخواهد به طور دائم خود را عقیم نماید باید با اجازه شوهر باشد.

۲۱۰- مرد یا زن اگر خود را عقیم کرد و بعداً متوجه شد که این کار حرام بوده، احتیاط این است که در صورت امکان معالجه نماید و خود را از عقیم بودن خارج سازد، زیرا باقی ماندن بر حرام نیز حرام است.

### جلوگیری موقت

۲۱۱- جلوگیری از بارداری به وسیلهٔ عزل-بیرون ریختن منی-و استعمال دارو و مانند آن که موجب عقیم شدن هیچ یک از طرفین نمی شود، جایز است اما باید از کارهای حرام دیگر اجتناب شود.

۲۱۲- جلوگیری موقت از بارداری که مستلزم نگاه و لمس نامحرم نیز نباشد در صورتی که با توافق شوهر انجام گیرد، هیچ گونه اشکالی ندارد.

۲۱۳- هرگاه جلوگیری از ناحیهٔ زن انجام شود باید با اجازه شوهر باشد و گرنه پیشگیری بدون رضایت شوهر گناه است. و جلوگیری مرد بدون رضایت همسر اشکالی ندارد.

۲۱۴- هدف از جلوگیری ممکن است صرفاً به جهت علاقهٔ زن و شوهر به آن باشد و ممکن است هدف عقلایی یا شرعی دیگری باشد، مانند این که چون تربیت فرزند به طور شایسته برای آنان مشکل است، به همین جهت جلوگیری می نمایند. در هر صورت پیشگیری موقت، به هر هدفی که باشد، شرعاً جایز است.

### عزل و احکام آن

۲۱۵- عزل برای مرد در هر صورت جایز است اما در موارد زیر کراهتی

هم ندارد: الف: همسر غیر دائمی در ازدواج موقت؛ ب: همسری که آزاد نباشد؛ ج: همسر نازا؛ د: همسر مسنّ؛ ه: همسر بدزبان؛ و: همسری که اگر بچه دار شود، فرزندش را شیر نمی دهد؛ ز: همسری که با عزل، موافق است. ولی در مورد همسر دائمی که جزء گروه های بالا نیست، عزل، مکروه است.

۲۱۶- انواع دیگر جلوگیری موقت از باروری همسر اگر از ناحیه شوهر انجام شود برای مرد جایز است و کراهتی هم ندارد.

### دیهٔ عزل

۲۱۷- اگر شوهر خودش عزل کند دیهٔ از بین بردن نطفه بر او نیست هر چند گفته شود، عزل بر شوهر حرام است.

۲۱۸- اگر عزل از ناحیه زن انجام گیرد و بدون رضایت شوهر باشد، چون این عمل حرام است، دیهٔ از بین بردن نطفه بر او واجب می شود.

۲۱۹- اگر شخصی کاری کند که زن و شوهری که در حال آمیزش هستند، بترسند و عزل صورت گیرد، دیهٔ از بین بردن نطفه بر آن شخص واجب می شود.

### دیهٔ از بین بردن نطفه

ص: ۷۵

۲۲۰- دیه از بین بردن نطفه، ده دینار است.

### استفاده از دستگاه «آی، یو، دی»

۲۲۱- استفاده از دستگاه «آی، یو، دی» با شرایط زیر اشکال ندارد: الف: قرار دادن آن دستگاه در داخل رحم تنها قابلیت رحم را برای بارداری از بین ببرد ولی اگر سبب شود که نطفه بعد از انعقاد از بین برود، استفاده از آن اشکال دارد؛ ب: قرار دادن آن در داخل رحم مستلزم نظر و لمس نامحرم و یا نگاه به عورت هرچند توسط پزشک زن نباشد، بلکه توسط همسر زن در داخل رحم قرار گیرد؛ ج: شوهر به این کار راضی باشد.

۲۲۲- بهانه هایی از قبیل داشتن فرزند زیاد و یا سختی تأمین مخارج و یا تربیت و نگهداری آنان، مجوز قرار دادن دستگاه «آی، یو، دی» نیست.

۲۲۳- اگر زنی که نمی داند کار گذاشتن دستگاه «آی، یو، دی» در صورتی که مستلزم حرامی باشد، حرام است و با این فرض اقدام به این کار کرد و بعد متوجه حرمت آن شد لازم نیست آن را بیرون آورد. اما اگر باقی ماندن دستگاه در داخل رحم موجب نگاه و لمس مجدد نامحرم و یا نگاه به عورت او هرچند توسط زن باشد، بیرون آوردن دستگاه لازم است.

### الزام بر جلوگیری

۲۲۴- جلوگیری کلی و دائمی از تولید نسل جایز نیست و وادار کردن دیگران به آن نیز جایز نمی باشد.

## اسلام و مسأله رشد جمعیت

۲۲۵- رشد جمعیت مسلمانان و بالا رفتن آمار آنان مطلوب اسلام است و ادلّه متعددی، مطلوبیت آن را اثبات می کند ولی امکان دارد در شرایط خاصی به دلیل عوارضی، اسلام با کنترل جمعیت موافق باشد.

## حکومت اسلامی و کنترل جمعیت

۲۲۶- در شرایطی که حکومت اسلامی مصلحت جامعه را در کنترل جمعیت و تنظیم خانواده تشخیص دهد فقط می تواند جامعه را به کنترل جمعیت از راه های حلال تشویق نماید، ولی نمی تواند از راه های حرام مانند سقط جنین استفاده کند و یا مردم را ملزم به جلوگیری نماید.

۲۲۷- اگر ولی امر مسلمین محدود کردن نسل را به طریق الزام افراد بر آن، لازم بدانند و بر آن حکم کنند، در همان محدوده ای که ولی امر حکم می کند، الزام به جلوگیری جایز، بلکه واجب می باشد.

## وظیفه پزشک و عقیم سازی

۲۲۸- نگاه به بدن نامحرم و لمس آن و نگاه به عورت غیر همسر و همین طور عقیم کردن دائم زن یا مرد، حرام است و لذا بر پزشک لازم است که از موارد مذکور خودداری کند مگر در مواردی که ضرورت عقیم سازی بیمار برای پزشک محرز گردد که در آن صورت هم عقیم سازی جایز می شود و هم لمس و نگاه به نامحرم یا عورت دیگری جایز است به شرط



این که بدون نگاه یا لمس نتواند آن کار را انجام دهد و پزشک محرم و یا مماثل هم نباشد.

۲۲۹- اگر عقیم سازی برای مرد یا زن ضرورت نداشته باشد ولی پزشک اقدام به این عمل نماید، علاوه بر این که فعل حرامی را مرتکب شده، دیه آن را نیز باید بپردازد و دیه عقیم سازی هر چند در شرع مشخص نشده ولی باید از طریق حکومت و آرش (۱) تعیین شود.

۲۳۰- اگر عقیم سازی برای زن یا مرد ضرورت داشته باشد، پزشک باید با رضایت بیمار این کار را انجام دهد.

۲۳۱- اگر پزشک تشخیص داد که عقیم سازی برای فردی ضرورت دارد و بر اساس این تشخیص او را عقیم ساخت ولی بعداً متوجه شد که اشتباه کرده است، در صورتی که قصور کرده باشد، ضامن است.

ص: ۷۸

---

۱- (۱) - در مواردی که مقدار دیه جنایت معین نشده، به نظر حاکم شرع مشخص می شود که از آن تعبیر به حکومت و آرش می کنند.





تلقیح و باروری مصنوعی در مباحث پزشکی جدید از دیدگاه ممتازی برخوردار است و هماهنگ با پیشرفت علم پزشکی و دستاوردهای شگفت انگیز آن، گام های بلند و مؤثری را برداشته است. این رشته در قلمرو نازایی مرد یا زن یا هر دو و بلکه در ایجاد نطفه های قابل باروری از طبیعت و از همه بالاتر، کشت و تکثیر سلول های انسانی یا حیوانی در پدید آوردن موجود انسانی کاربرد دارد. بدیهی است تلقیح و باروری با این گستره دارای اشکال و شیوه های متنوع و متکثری است که از دیدگاه شرع مقدس اسلام، هر کدام حکم جداگانه ای دارد. مثلاً مردی که عقیم و نازاست، آیا از نظر اسلام می تواند با اسپرم مرد دیگری، همسرش را بارور ساخت؟ همین طور در مورد زنان، و یا این که آیا شرعاً می شود در بیرون از رحم، اسپرم و تخمک آن دو را بارور کرد و سپس داخل رحم زن و یا رحم دیگری، آن را کاشت و پرورش داد؟ اگر چنین مسائلی از نظر شرع امکان داشته باشد، فرزندی که به وجود

می آید به کدامیک از دو مرد منسوب است؟ همچنین در مورد مادر فرزند، آیا مادر او زنی است که تخمک از آن او بوده و یا آن که او را زاییده است؟ و... و بعد از آن مسائل محرّمیت و ازدواج و ارث و...

مطرح می شود. این فصل به بررسی این موضوع و مسائل پیرامون آن و بیان احکام آنها از دیدگاه فقهای بزرگوار اختصاص دارد.

## الف: بارورسازی با اسپرم شوهر

### اشاره

۲۳۲- اگر اسپرم شوهر را به صورت مصنوعی در رحم همسرش وارد کنند و زن حامله شود، این عمل جایز است، خواه این کار بعد از تقویت اسپرم باشد و خواه به صورت دیگر. اما باید از مقدمات حرام اجتناب کنند و فرزندی که از این طریق متولد می شود، فرزند همان زن و شوهر و همانند فرزندی است که از طریق آمیزش طبیعی آنان به وجود می آید.

۲۳۳- اگر اسپرم شوهر و تخمک زن در بیرون رحم یعنی در دستگاه مصنوعی به هم آمیخته و نطفه ای منعقد گردد، وارد کردن این نطفه - به هر یک از مراحل جنین که رسیده باشد در رحم این همسر جایز است، اما باید از مقدمات حرام اجتناب کنند و فرزندی که از این طریق متولد می شود، فرزند همان زن و شوهر است و همه احکام شرعی فرزندان عادی را دارد.

۲۳۴- اگر اسپرم مرد را گرفته و پس از درگذشت او به همسرش تلقیح نمایند، جایز نیست، ولی اگر این کار صورت گرفت، فرزند مزبور

حلال زاده است و احکام محرمیت را دارد و از مادر ارث می برد، اما از پدر ارث نمی برد.

۲۳۵- اگر اسپرم شوهر و تخمک همسرش را در بیرون رحم به هم بیامیزند و تا آخر در دستگاه مصنوعی پرورش یابد، این عمل نیز جایز است و بچه، فرزند همان زن و شوهر می باشد، لکن باید از مقدمات حرام اجتناب نمایند.

۲۳۶- اگر اسپرم شوهر و تخمک همسرش را بگیرند و به صورت مصنوعی وارد رحم همسر دیگر همان شوهر نمایند، چه قبل از ترکیب و آمیخته شدن اسپرم و تخمک باشد و چه بعد از آن، جایز است. چه همسر دائمی او باشد و یا موقت، ولی باید از مقدمات حرام اجتناب کنند و بچه، فرزند شوهر و همسر صاحب تخمک است.

۲۳۷- هرگاه زن به صورت طبیعی یا مصنوعی از شوهرش حامله شود، خارج ساختن این حمل و قرار دادنش در رحم همسر دیگر آن شوهر جایز است ولی باید از مقدمات حرام اجتناب نمایند و بچه، فرزند شوهر و همسر صاحب تخمک است.

### **کشت جنین در رحم زن بیگانه**

۲۳۸- قرار دادن نطفه منعقد شده زن و شوهر در رحم زن بیگانه، جایز نیست، چه نطفه به صورت طبیعی منعقد شده باشد و یا به صورت مصنوعی ولی چنانچه این عمل حرام انجام شود، فرزند به مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک تعلق دارد.

### **باروری با ارتکاب مقدمات حرام**

ص: ۸۳

۲۳۹- اگر بارور شدن تخمک زن با اسپرم شوهرش، جز با ارتکاب مقدمات حرام ممکن نباشد، در صورت ضرورت اشکال ندارد و منظور از ضرورت این است که مثلاً- اگر این کار انجام نشود، زندگی زناشویی آنها مختل می شود و یا زن گرفتار بیماری می گردد.

### مقصود از مقدمات حرام

۲۴۰- مقصود از مقدمات حرام که در مسائل گذشته ذکر شد، نگاه مرد نامحرم به بدن زن یا لمس آن است و همچنین انجام عمل استمناء توسط مرد برای تهیه اسپرم و یا تحمیل بارورسازی مصنوعی به مرد یا زن.

۲۴۱- اگر از ارتکاب اعمال حرام اجتناب نشد و به یکی از صورت های مذکور در مسائل قبلی، بچه ای متولد شد، حکمش همان است که در مسائل قبلی گفته شد، اگر چه کسانی که مرتکب اعمال حرام شده اند گناهکار محسوب می شوند.

### نسبت فرزند با رحم پرورش دهنده

۲۴۲- بچه ای که در رحم غیر از زن صاحب تخمک پرورش می یابد، اگر چه همانگونه که در مسائل قبل گذشت حرام است، و لکن در صورت تحقق فرزند زن صاحب تخمک است، ولی نسبتش با زنی که در رحم او پرورش یافته، نسبت فرزند عرفی است و همه احکام فرزند عرفی از قبیل محرم بودن و غیره را دارد.

### کشت جنین در رحم حیوان

۲۴۳- اگر اسپرم مرد و تخمک همسرش را در خارج از رحم با هم بیامیزند و در صورت امکان در رحم حیوانی قرار دهند تا در آنجا رشد نماید، در صورتی که مستلزم عوارض منفی جنسی مانند معلولیت های جسمی، ذهنی، روانی و عقلانی نباشد، اشکال ندارد و فرزند متعلق به همان زن و شوهر است.

## ب: بارورسازی با اسپرم مرد بیگانه

### اشاره

۲۴۴- کشت اسپرم مرد در رحم زنی که همسر او نیست حرام است، خواه این زن از بستگان مرد یا محارم او باشد یا نباشد و خواه شوهر داشته باشد یا نه و خواه شوهرش به این کار راضی باشد یا نباشد.

۲۴۵- مسائلی از قبیل اختلال در زندگی زن و شوهر و یا گرفتار شدن زن به بیماری مجوّز نمی شود تا زن با اسپرم غیر همسرش بارور گردد، زیرا حفظ انساب و عدم الحاق فرزند به غیر از اهمّ امور شرعی است و راضی بودن یا راضی نبودن شوهر نیز هیچ تأثیری در مسأله ندارد.

۲۴۶- ترکیب اسپرم مرد با تخمک غیر همسرش در بیرون رحم و کشت آن در رحم همسر وی، جایز نیست؛ همچنین کشت آن در رحم همان زن بیگانه صاحب تخمک و یا زن بیگانه دیگر جایز نیست. و زن صاحب رحم نمی تواند کرایه رحمش را از مرد صاحب اسپرم بگیرد و بچه، متعلق به مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک می باشد و نسبتش با زن صاحب رحم، نسبت فرزند عرفی است ولی در هر دو صورت باید از مقدمات حرام اجتناب شود.

۲۴۷- ترکیب اسپرم با تخمک زن بیگانه در بیرون رحم و پرورش آن در



رحم مصنوعی جایز نیست و لکن در صورت تحقق، فرزند متعلق به مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک است.

۲۴۸- اگر مردی اسپرم نداشته باشد و زنش از او طلاق گیرد و به عقد مرد دیگری در آید و اسپرم شوهر دوم را بگیرند و نگهداری نمایند تا آن زن از او طلاق گیرد و مجدداً به عقد شوهر اول در آید و در این زمان با اسپرم شوهر دوم، زن را بارور نمایند، این عمل جایز نیست، زیرا اسپرم مربوط به مرد بیگانه است. و اگر اسپرم شوهر دوم را در زمان زوجیت با آن زن، با تخمک او ترکیب کنند و سپس در زمان زندگی مجدد با شوهر اول در رحم او کشت نمایند، در این صورت هم اشکال دارد.

### نسبت فرزند باروری مصنوعی حرام با صاحبان اسپرم و

#### تخمک

۲۴۹- هرگاه اسپرم مرد به طریق مصنوعی در رحم غیر همسرش کشت شود، گرچه همانطور که گذشت، این کار حرام است، لکن فرزندی که از این طریق به وجود می آید، فرزند آن مرد و زن است و گرچه اقدام اولی به این کار حرام است ولی بعد از انجام آن، حفظ جنین لازم است.

۲۵۰- اگر اسپرم مرد از طریق مساحقه همسرش با زن بیگانه به رحم او انتقال یابد، گرچه این عمل حرام است، ولی فرزند به مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک-زنی که باردار شده است- تعلق دارد.

۲۵۱- اگر زن به صورت مصنوعی با اسپرم غیر شوهر بارور شود، آن فرزند به شوهر ملحق نمی شود، چه این کار اشتباهی صورت گیرد یا از روی عمد. لکن چون فرزند زن اوست، با شوهر محرم است.

۲۵۲- فرزندى كه از طريق كشت اشتباهى اسپرم مرد بيگانه در رحم زن به وجود مى آيد، به مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمك ملحق مى شود و از آنان ارث مى برد. چون مانند فرزندى است كه از طريق آميزش اشتباهى مرد با غير همسرش به وجود آمده باشد-ولى اگر از طريق كشت عمدى اسپرم مرد بيگانه در رحم زن بيگانه به وجود آمده باشد، گرچه حرام است اما عنوان ولد الزنا را ندارد و ارث مى برد.

### از بين بردن جنين هاى اضافه

۲۵۳- جنين هاى اضافى كه از طريق تركيب اسپرم مرد و تخمك زن، در بيرون رحم به وجود مى آيند، به شرط اين كه ابتدائى تشكيل آنها باشد، حكم جنين طبيعى را ندارند و رها كردن و از بين بردن آنها موجب ديه نخواهد بود.

### احكام تولد يافتگان از بارورى مصنوعى در محرميت و ازدواج

۲۵۴- فرزندى كه از طريق بارورى مصنوعى تخمك زن با اسپرم مرد بيگانه به وجود مى آيد، از لحاظ محرميت و عدم جواز ازدواج با محارم، حكم فرزند طبيعى را دارد، چه اين بارورى به شكل حرام يا به يكي از روش هاى حلال انجام پذيرد.

۲۵۵- در موارد بارورى مصنوعى، نگاه فرزند متولد شده به محارمش بعد از بلوغ و نيز نگاه محارم به او شرعاً جايز است، گرچه بهتر آن است كه اگر بارورى از راه هاى حرام صورت گيرد، هر دو طرف از نگاه به يكدیگر

اجتناب کنند و خود را به منزله نامحرم به حساب آورند، ولی در مواردی که باروری اشتباهاً از راه های حرام صورت گرفته باشد، نگاه آنان به یکدیگر، بدون اشکال جایز است.

۲۵۶- دادن جنین های اضافی یا اسپرم های لقاح یافته به زن بیگانه، اجازه صاحبان جنین را لازم دارد و لکن نمی توانند در ازای اهدای آن به غیر و برای رفع ید از آن و به جهت کارهای مشروع یا تحقیقاتی وجهی دریافت کنند و چون فرزندی که به وجود می آید متعلق به آنان است، لازم است هویت فرزند ثبت شود.

۲۵۷- اصل نگهداری اسپرم مرد و تخمک زن در دستگاه های جدید، شرعاً جایز است، لکن در تهیه آن باید از مقدمات حرام اجتناب شود و استفاده از آن تنها در مواردی که جواز آن ذکر شد جایز است، اما استفاده مطالعاتی و تحقیقاتی از آن اشکال ندارد.

### ج: بارورسازی مصنوعی از نباتات

۲۵۸- بارورسازی مصنوعی از نباتات به صورت های مختلف امکان تحقق دارد: الف: اسپرم را از دانه ها و محصولات نباتی بگیرند و به زن تلقیح کنند و از ترکیب آن با تخمک زن او را بارور سازند؛ که در این صورت، کودک تنها به مادر ملحق می شود و همچنین است اگر اسپرم نباتی را با تخمکی که از زن می گیرند در خارج رحم و در دستگاه مصنوعی ترکیب کنند و نوزادی به وجود آید. ب: اسپرم مرد را بگیرند و با تخمکی که از نباتات گرفته شده ترکیب

کنند و آن را در دستگاه مصنوعی پرورش دهند و یا به رحم زنی وارد نمایند و نوزادی به وجود آید. در این صورت نوزاد تنها به پدر ملحق می شود و در حالت دوم، زن صاحب رحم، حکم مادر عرفی فرزند را دارد؛ و در صورتی که شوهر داشته باشد باید با اجازه او این کار را انجام دهد. ج: اسپرم نباتی را با تخمک نباتی در خارج رحم ترکیب کنند و در دستگاه، پرورش دهند یا در رحم زنی قرار دهند. در هر دو حال، فرزندی که متولد می شود، فاقد پدر و مادر است و در حالت دوم، زن صاحب رحم حکم مادر عرفی او را دارد. نکته در صورت اول و سوم این عمل شرعاً جایز است، ولی باید از مقدمات حرام اجتناب شود.

### **د: تولید فرزند از طریق پرورش اسپرم**

۲۵۹- اگر به فرض امکان، اسپرم مرد را بگیرند و در دستگاه، پرورش دهند و تبدیل به انسان گردد، شرعاً جایز است و فرزند به صاحب اسپرم ملحق می گردد. نکته باید توجه داشت که از جمع بین اسپرم و تخمک انسان و حیوان و اسپرم و تخمک نباتی، صور مختلفی به وجود می آید که از حوصله این

## ه- باروری و انعقاد نطفه از غیر اسپرم مرد و تخمک زن

### اشاره

۲۶۰- اگر با پیشرفت علوم بتوانند غیر از اسپرم و تخمک، اجزای دیگری از بدن-چه مرد و چه زن-را بگیرند که کارایی اسپرم و تخمک را داشته باشد، خواه به خودی خود چنین باشد و خواه با تغییرات علمی انجام گیرد، بارور کردن این اجزا با یکدیگر و به وجود آوردن نوزاد از این راه جایز است.

### نسبت کودکان یک طرفه و مصنوعی

۲۶۱- کودکان یک طرفه و مصنوعی مذکور، نسبتشان با پدر و مادر و با یکدیگر به شرح زیر است: الف: اگر از اسپرم مرد به تنهایی یک پسر و دختر به وجود آیند، ملحق به آن مرد بوده و فاقد مادر می باشند و آن دو برادر و خواهر می باشند و نمی توانند با یکدیگر و با کسانی که از جانب پدر با آنان محرمند، ازدواج نمایند. ب: اگر اسپرم مردی با تخمک مصنوعی ترکیب شود و در رحم مصنوعی پرورش یابد و یک دختر و یک پسر متولد شوند، آن دو، خواهر و برادر پدری بوده و بدون مادرند و نمی توانند با یکدیگر یا با کسانی که از جانب پدر با آنان محرمند، ازدواج کنند و همچنین است اگر این مجموعه در رحم زنی قرار داده شود، اما در این صورت، زن، مادر

رضاعی آنان خواهد بود و با او محرمند و سایر احکام فرزند رضاعی بر آنان بار می شود. ج: اگر با اسپرم مصنوعی، تخمک زنی بارور گردد و در رحم او کشت شود و دو کودک پسر و دختر به دنیا بیاید، آنان فاقد پدر بوده ولی برادر و خواهر مادری هستند و لذا ازدواج آنان با یکدیگر و با محارم مادری جایز نیست و همچنین است اگر آن مجموعه در رحم مصنوعی پرورش یابد. د: اگر تخمک مصنوعی با اسپرم مصنوعی بارور گردد و در رحم زنی کشت شود و یک پسر و دختر به دنیا بیایند، آن زن، مادر رضاعی آنان است و آن دو حکم خواهر و برادر رضاعی را دارند ولی فاقد پدر و مادر نسبی هستند. ولی اگر آن مجموعه در رحم مصنوعی پرورش یابد و دختر و پسری متولد شوند، هیچ گونه نسبتی بین آن دو با یکدیگر و با فرد دیگری نخواهد بود، گرچه اسپرم و تخمک مصنوعی از یک ماده به دست آمده باشند.

### **ملحقات مباحث باروری مصنوعی**

#### **کاهش دوران حاملگی**

۲۶۲- اگر با مصرف دارو و یا روش های دیگر بتوان مدت حاملگی را کاهش داد، شرعاً جایز است به شرط این که مستلزم ضرر مهمی نباشد.

#### **فرزندان زایمان های زودرس و دیررس**

ص: ۹۱

۲۶۳- فرزندی که از طریق زایمان زودرس یا دیررس به دنیا بیاید به پدر و مادرِ صاحب اسپرم و تخمک ملحق می شود، خواه زایمان را با کمک روش های علمی سرعت ببخشند یا کندتر کنند و خواه به صورت طبیعی چنین شود. و در صورت شک نیز فرزند به آن پدر و مادر ملحق می شود، زیرا ملاک در الحاق فرزند به پدر و مادر، زوجیت شرعی است.

### **برداشتن تخمدان و پیوند آن**

۲۶۴- برداشتن تخمدان اگر موجب عقیم شدن زن گردد، جایز نیست و اما اگر برداشتن آن ضرورت داشته باشد، گرچه موجب عقیم شدن بشود جایز است ولی باید از مقدمات حرام اجتناب شود.

۲۶۵- پیوند زدن تخمدان زنی به زن دیگر شرعاً جایز است و بعد از آن که جزء بدن او شد، تخمدان او می باشد و فرزندی که از او متولد شود، فرزند خود اوست و با زنی که تخمدان را برای پیوند از او برداشته اند، هیچ نسبتی ندارد، ولی باید در همه مراحل پیوند و جراحی، از ارتکاب حرام اجتناب شود.

### **برداشتن بیضه و پیوند آن**

۲۶۶- برداشتن بیضه مرد اگر موجب عقیم شدن گردد، اشکال دارد، مگر در موارد ضروری که در آن صورت هم باید از مقدمات حرام اجتناب شود.

۲۶۷- پیوند زدن بیضه مردی به مرد دیگر شرعاً جایز است و پس از آن

که جزء بدن شد، بیضه او محسوب می شود و فرزندى که از نطفه او متولد شود، فرزند خود اوست و با مردى که بیضه او را برای پیوند برداشته اند، هیچ نسبتى ندارد، ولى باید در همه مراحل پیوند و جراحى از ارتکاب حرام اجتناب شود.

ص: ۹۳







جایگاه حقوقی انسان در فرهنگ اسلامی بر آشنایان به آن پوشیده نیست؛ به گونه ای که از نطفه آغازین و حتی یک روزه انسان دارای ارزش و حق است و بر دیگران لازم است آن را رعایت کنند و گرنه موجب ضمان است. از دیدگاه اسلام فرزند انسان در بعد تربیتی حتی پیش از تکوین و به هنگام انتخاب همسر دارای حق است. اساساً در بُعد حقوق انسانی، جان، آبرو و مال، سه عنصر اساسی و بنیادین است و رعایت این سه، برای همگان ضرورت دارد. از این رو کسی بر بازداری و منع از پدید آمدن نطفه آدمی مجاز نیست و حتی برای چنین کاری در شریعت مقدس اسلام، دیه مشخص وضع شده است تا چه رسد به نطفه پدید آمده که در مراحل مختلف، اقدام به سقط یا فراهم آوردن موجبات آن، افزون بر معصیت موجب ضمان و دیه است. مراحل یادشده که احکام جداگانه آن خواهد آمد به قبل از دمیده شدن روح در جنین محدود می شود، اما بعد از چهارماهگی، جنین در حکم انسان کامل است و حرمت سقط آن شدیدتر و دیه آن، دیه انسان کامل است.

علی رغم دیدگاه های اومانستی- که انسان را حیوانی هوشمند می شمارد و متأسفانه امروزه آبخور رشته های علوم جدید شده است - انسان حتی از نظر فیزیکی با دیگر موجودات عالم آفرینش قابل مقایسه نیست تا چه رسد به ابعاد روحی و معنوی وی. گوشه ای از این توجه را به خوبی از احکام حقوقی اسلام درباره انسان-مانند آنچه در این فصل به آن پرداخته ایم-می بینیم. دقت در برآیند و بازتاب اجتماعی و تربیتی و حقوقی هر یک از احکام خرد و کلان در این قلمرو مبین اتصال شریعت مبین اسلام به وحی آسمانی است.

### حرمت سقط جنین و پیامدهای شرعی آن

۲۶۸- سقط جنین حرام است، پس بر زن حامله جایز نیست چیزی بخورد یا کاری انجام دهد که موجب سقط جنین او بشود، حتی اگر زنی از زنا باردار شود، جایز نیست بچه اش را سقط کند.

۲۶۹- از آن جهت که سقط جنین جایز نیست، پزشک یا شخص دیگری که چنین عملی را انجام دهد علاوه بر ارتکاب گناهی بزرگ، باید بداند: الف: دیه سقط جنین بر او واجب است؛ ب: وجهی که بابت اجرت اسقاط جنین دریافت می کند حرام است؛ ج: در بعضی موارد کفاره هم بر او واجب می شود که شرح آن در مسائل آینده خواهد آمد.

۲۷۰- حرمت سقط جنین و دیه آن در صورتی است که بدانیم جنین زنده است هر چند با شهادت دو نفر از اهل خبره و به مجرد این که حرکت

دارد نمی توان گفت که جنین زنده است مگر این که حرکت اختیاری باشد و زنده بودن جنین را برساند.

### **استفاده از قرص جلوگیری**

۲۷۱- استفاده از قرص های جلوگیری بعد از آمیزش در صورتی جایز است که زن یقین به حامله بودن خود نداشته باشد، مگر اینکه ضرر مهمی برای زن داشته باشد.

### **استفاده از دستگاه «آی،یو،دی»**

۲۷۲- استفاده از دستگاه «آی،یو،دی» و مانند آن به خودی خود اشکال ندارد ولی اگر موجب تلف شدن نطفه بعد از انعقاد آن بشود استفاده از آن حرام و پرداخت دیه هم واجب است.

### **عدم جواز سقط جنین های اضافی**

۲۷۳- در بعضی از روش های جدید، برای مقابله با نازایی زنان، گاهی حاملگی های چندقلو صورت می گیرد و اکثراً با زایمان زودرس همراه است و جنین ها قبل از تکامل، از بین می روند. در این گونه موارد پزشکان مجاز هستند در ماه های اول بارداری، تعدادی از جنین ها را از بین ببرند تا بقیه بتوانند رشد کنند و کامل شوند.

### **وجوب حفاظت مادر از جنین**

ص: ۹۸

۲۷۴- بر مادر واجب است که برای سلامتی نوزادی که در رحم دارد، تا وقتی که خوف جانی برای خود نداشته باشد، شرایط متعارف و معمول را و هرچه برای حفظ جنین لازم است، رعایت کند.

۲۷۵- اگر پزشک برای مادر باردار دارویی تجویز کند تا با استفاده از آن نوزاد سالم بماند و سقط نشود- در صورتی که اگر استفاده نکند به جنین آسیب رسیده یا سقط می شود-وظیفه مادر است که در استفاده از دارو کوتاهی نکند.

۲۷۶- مادر بارداری که برای سقط شدن جنین خود، عملی را انجام نداده، لیکن با عدم رعایت نکات لازم و مهتا نکردن شرایط و مقتضیات حفظ جنین، مقدمات سقط جنین را فراهم می سازد، در صورتی که بگویند سقط جنین مستند به مادر است، کار حرامی را مرتکب شده و دیه جنین بر او واجب می شود. اما اگر به اندازه متعارف رعایت کرده، مسئولیتی ندارد.

### **لزوم حفظ جنین با دستگاه انکوباتور**

۲۷۷- اگر پزشک معالج تشخیص داد که فرزند داخل رحم زنده نمی ماند مگر این که از رحم بیرون آورده شود و در دستگاه مخصوص-انکوباتور- گذاشته شود، در این صورت لازم است برای حفظ آن این عمل انجام شود، خصوصاً اگر بعد از چهارماهگی باشد.

### **موارد جواز سقط جنین**

ص: ۹۹

۲۷۸- مواردی که سقط جنین جایز است به شرح ذیل می باشد: الف: با تشخیص پزشک متخصص و مورد اطمینان، بقای حمل برای مادر خطر جانی داشته باشد؛ در این صورت سقط جنین جایز است هر چند پرداخت دیه لازم می شود. ب: در صورتی که مادر درد غیر قابل تحمل فعلی دارد، (۱) در چنین صورتی معالجه مادر لازم و ضروری است هر چند در ضمن معالجه جنین - چه روح به آن دمیده شده باشد و چه هنوز دمیده نشده باشد- سقط شود. ج: اگر بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین- هر دو- بشود. (۲)

### سقط جنین بعد از چهار ماهگی

۲۷۹- سقط جنین مطلقاً جایز نیست چه قبل و چه بعد از چهار ماهگی و فقط در صورتی که خوف خطر جانی برای مادر داشته باشد این امر تجویز می شود.

### حکم سقط جنین کافر

۲۸۰- پزشک مسلمان می تواند جنین زن کافری را که پدر آن- جنین - هم کافر است، سقط کند. اما اگر یکی از پدر و مادر جنین مسلمان باشد، چون حرمت مسلمان را دارد، دیگر سقط جنین جایز نمی باشد.

ص: ۱۰۰

---

۱- (۱) - مقصود از درد فعلی، دردی است که هم اکنون مادر را آزار می دهد، نه دردی که در آینده به آن مبتلا می شود.

۲- (۲) - تفصیل این صورت در مسائل آینده آمده است.

## احکام زنی که سقط جنین کرده

۲۸۱- زن اگر جنین خود را که از زنا باردار شده سقط کند مرتکب گناه کبیره شده است و اموری را باید انجام دهد: الف: باید فوراً توبه کند؛ ب: دیه جنین سقط شده را پرداخت کند؛ ج: اگر جنین به چهارماهگی رسیده، کفاره جمع نیز بر عهده او می آید. باید توجه داشت که بنا بر مشهور بین فقها، دیه ولد الزنا به مقدار دیه حلال زاده است ولی احوط آن است که با حاکم شرع مصالحه کند و دیه آن، حکم ترکه شخص بدون وارث را دارد که وارث آن، امام علیه السلام است و در زمان غیبت، باید به مجتهد جامع الشرایط پرداخت شود.

۲۸۲- تنها با این احتمال که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می شود، نمی توان جنین را سقط کرد، آیا اگر پزشک متخصص تشخیص داد و مادر نیز از گفته او یا از راه دیگری اطمینان حاصل کرد که ماندن جنین برای حیات یا سلامت او خطر جدی دارد، سقط جنین برای نجات جان خود مانعی ندارد.

## موارد ضرورت سقط جنین

۲۸۳- زن بارداری که در اثر تصادف برای درمان نیاز به عمل جراحی فوری دارد و لازمه عمل این است که مادر بی هوش شود و در اثر بی هوشی مادر، یقین داریم یا احتمال می دهیم که جنین - که بعد از دوران چهارماهگی و دمیده شدن روح به اوست - سقط می شود، در این فرض باید کوشش شود حتی الامکان با بی حس کردن موضعی یا بدون



بی هوشی، عمل انجام گیرد اما اگر اینگونه ممکن نبود، بی هوش کردن مادر برای عمل جراحی، اشکال ندارد، هر چند فرزندش سقط شود.

۲۸۴- مادر بارداری که ادامه حاملگی با حیات او مغایرت دارد و پرورش جنین خارج رحم ممکن نباشد و بعد از مرگ مادر هم زنده نمی ماند، در صورتی می توان به منظور نجات جان مادر به حاملگی خاتمه داد که تا آخرین زمان امکان ادامه حیات آن دو صبر شود- لعل الله یحدث بعد ذلک امرأ (۱)- و پس از آن با احراز یقین به این که جنین در هر حال فوت خواهد کرد، اسقاط آن به منظور حفظ جان مادر توسط مادر مانعی ندارد.

۲۸۵- خانمی که بر اثر وضع حمل زیاد گرفتار امراض گوناگون از قبیل استخوان درد، ضعف اعصاب شدید و ناراحتی قلبی شده، در صورتی که مجدداً حامله شود، خودش یا پزشک نمی توانند جنین را سقط کنند بلکه در چنین فرضی باید مادر از بارداری جلوگیری کند، حتی با عقیم کردن خود (۲)، اما اگر حامله شد و بقای حمل موجب ضرر غیر قابل تحمل بود، سقط جنین جایز است و چگونگی آن در مسائل بعد می آید.

### عدم جواز سقط جنین بیمار و عقب مانده

۲۸۶- اگر بدانیم جنین مبتلا به بیماری خاصی است که بعد از تولد، خواهد مُرد و یا به بیماری های ژنتیک و یا به ناهنجاری های نوزادان گرفتار خواهد شد، این امور مجوز سقط جنین نیست، بلکه حرمت آن در

ص: ۱۰۲

---

۱- (۱) - شاید خداوند بعد از آن راه نجاتی را به وجود آورد.

۲- (۲) - موارد جواز عقیم کردن در بحث جلوگیری از بارداری آمده است.

موارد فوق باقی است.

۲۸۷- اگر پزشکان به خانمی بگویند: فرزندى که در رحم داری از لحاظ ذهنی عقب مانده است، و یا از لحاظ بدنی نقص عضو دارد، زن نمی تواند کاری کند که جنین ساقط شود و نیز نمی تواند خود را برای اسقاط جنین آماده کند و در صورت تحقق چنین امری توسط مادر یا پزشک، علاوه بر آن که مرتکب گناه کبیره شده اند، دیه بر مباشر واجب است.

### **عدم جواز سقط جنین بر غیر مادر**

۲۸۸- در مواردی که اسقاط جنین جایز است، لازم است مادر شخصاً - در صورت امکان- فرزند خود را اسقاط کند و در صورتی که خودش بتواند، جایز نیست دیگری این کار را انجام دهد.

۲۸۹- اگر مادر نتوانست شخصاً اقدام به اسقاط جنین کند، پزشک یا شخص دیگر می تواند اقدام به این کار کند و حرمتی بر او نیست. اما اگر از وارثان جنین براءت نگرفته، ضامن دیه می باشد.

### **سقوط عده زن باردار، با سقط جنین وی**

۲۹۰- زن بارداری که پایان عده او به وضع حمل می باشد، با سقط جنین وی -چه به عمد و چه به غیر عمد- عده اش تمام می شود.

### **لزوم تأخیر مجازات اعدام برای زن باردار**

ص: ۱۰۳

۲۹۱- زن بارداری که به خاطر ارتکاب جنایت مستحق اعدام است، نمی توان او را مجازات کرد و باید تا زمان وضع حمل وی، اجرای حکم را به تأخیر انداخت.

### لزوم تجهیز جنین مرده

۲۹۲- اگر جنین سقط شده، چهار ماه یا بیشتر از چهار ماه داشته باشد، باید جنین را غسل میت داد و کفن کرد و دفن نمود و کسی که با بدن او تماس داشته است -مانند پزشک، مادر، پرستار و...- باید غسل مس میت انجام دهد و در صورتی که جنین کمتر از چهار ماه داشته باشد باید او را در پارچه ای پیچیده و بدون غسل، دفن کنند. (۱)

### وجوب دیه سقط جنین

۲۹۳- در مواردی که سقط جنین حرام است، پرداخت دیه آن واجب می شود، بلکه در مواردی هم که سقط جنین جایز است دیه آن ساقط نمی شود و بر عهده کسی می باشد که جنین را سقط کرده است. بنابراین اگر پزشک با جراحی و یا تزریق آمپول این عمل را انجام دهد ضامن دیه خواهد بود.

۲۹۴- اگر شخصی دارای چند فرزند باشد و به علت ضعف و ناتوانی جسمی و سختی معاش، بچه بعدی را سقط کند و بعد متوجه شود که این کار گناه بوده، می بایست سریعاً توبه کند، زیرا گناه بزرگی را مرتکب شده

ص: ۱۰۴

و دیه سقط جنین نیز بر او واجب است. (۱)

### وجوب دیه سقط جنین، بر مباشر

۲۹۵- دیه سقط جنین بر عهده مباشر- کسی که مستقیماً جنین را سقط کرده است- می باشد، مگر این که مباشر نداند آمپول یا دارو و... سبب سقط جنین است که در این صورت دیه سقط جنین بر عهده دستور دهنده آن است.

۲۹۶- اگر مرد به همسر خود بگوید: جنین خود را ساقط کن؛ و او این عمل را انجام دهد، دیه سقط بر عهده زن می باشد و اگر پزشک، این کار را انجام دهد، دیه بر او واجب می شود.

۲۹۷- اگر پزشک یا شخص دیگر مستقیماً جنین را سقط کند و بعد متوجه شود که این کار حرام بوده، می بایست ابتدا توبه کند، چون گناه بزرگی را مرتکب شده و بعد دیه جنین را به پدر و مادرش بدهد و اگر آنها را نمی شناسد باید دیه را از طرف آنان به فقیر صدقه دهد و احتیاط این است که پرداخت صدقه با اجازه حاکم شرع باشد.

۲۹۸- اگر سقط جنین بدون اذن پدر و مادر، توسط پزشک و یا... انجام

ص: ۱۰۵

---

۱- (۱) -نکته: در همین رابطه خداوند متعال در قرآن، سوره اسراء، آیه ۳۱ فرموده است: «و فرزندانتان را از ترس فقر نکشید، ما آنها و شما را روزی می دهیم، مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.» و چه بسا همین فرزندانی که شخص به فکر سقط آن افتاده، موجب وسعت رزق و رفع مشکلات زندگی و سعادت دنیا و آخرت پدر و مادر شود. امر رزق و روزی با خداوند متعال است. خداوند در قرآن آیات ۲۲ و ۲۳ از سوره ذاریات می فرماید: «و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود، سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است، همانگونه که شما سخن می گوید.»

گرفت، باید مباشر، دیه آن را به پدر و مادر بدهد اما اگر فقط اذن پدر بود، باید دیه را به مادر بدهد و در صورت عکس، دیه را باید به پدر بدهد و در صورتی که با اذن پدر و مادر، پزشک و یا... جنین را سقط کرد باید مباشر در سقط، دیه را به وارثان طبقه بعد بدهد اما احتیاط این است که با اذن پدر و مادر باشد.

۲۹۹- اگر مباشر در سقط جنین یکی از پدر و مادر باشد، دیه را باید به دیگری که مباشرت در سقط نداشته است، داد و اگر پدر و مادر هر دو مجتمعاً جنین را سقط کنند، دیه را باید به وارث های طبقه بعد بدهند، و به طور کلی کسی که دخالت مستقیم در سقط داشته از دیه جنین ارث نمی برد.

۳۰۰- اگر پزشک معالج تشخیص دهد که مادر فوت کرده ولی فرزندش در رحم زنده است، باید با عمل جراحی آن را بیرون آورد، ولی اگر نزدیکان زن یا کسی دیگر مانع شوند و جنین از دنیا برود، در این صورت پزشک هیچ مسئولیتی ندارد و دیه جنین بر عهده شخص یا اشخاصی است که مانع شده اند، چنانچه عرفاً قتل مستند به آنان باشد.

۳۰۱- در فرض سابق اگر شخصی مانع شد و نگذاشت که جنین زنده را از داخل رحم بیرون آورند، اما از قوه قهریه استفاده نکرد و جنین از دنیا رفت، در این صورت کسی ضامن دیه نیست، گرچه معصیت کرده اند.

### **اطلاع رسانی پزشک به والدین درباره چگونگی جنین**

۳۰۲- اگر پزشک معالج متوجه شد که جنین ناقص العضو است و والدین در مورد صحت و سلامت فرزندشان سؤال کردند، وظیفه پزشک است

که خلاف واقع را نگوید. اما اگر سؤال نکردند، واجب نیست پزشک آنان را مطلع سازد.

۳۰۳- در فرض فوق اگر پزشک معالج دانست که اطلاع او به والدین چه بسا باعث شود که آنان اقدام به سقط جنین کنند، هر چند احتمال هم دارد که برای درمان و بهبودی جنین نیز اقدام کنند، در چنین موردی پزشک می تواند آنان را از حالت فرزندشان با خبر سازد و اگر والدین بعد از اطلاع یافتن مرتکب سقط جنین بشوند، خودشان مسئول خواهند بود.

۳۰۴- اگر پزشک تشخیص دهد با داروهای مسکن قوی، می توان زن باردار را که از درد خود رنج می برد، تسکین داد ولی احتمال می دهد که این داروها بر جنین تأثیر منفی-هرچند در آینده-بگذارد، در چنین صورتی پزشک می تواند دارو را برای بیمار تجویز کند ولی باید او را از عوارض و پیامدهای احتمالی با خبر سازد تا زن، خود در مورد استفاده از دارو تصمیم گیرد.

### وجوب کفاره

۳۰۵- با تحقق شرایط ذیل، علاوه بر دیه، کفاره جمع (۱) نیز بر کسی که سقط جنین می کند، واجب می شود: الف: سقط به صورت عمدی باشد؛ ب: مباشرتاً صورت گرفته باشد؛

ص: ۱۰۷

---

۱- (۱) - کفاره جمع، یعنی این که شخصی که اسقاط جنین کرده باید ۱- بنده ای را آزاد کند ۲- دو ماه روزه پی در پی - که در مبحث کفارات مفصلاً مطرح شده است- بگیرد ۳- شصت مسکین را اطعام کند.

ج:سقط بعد از چهارماهگی و دمیده شدن روح به جنین باشد.

۳۰۶- در صورتی که سقط از روی خطای محض و یا شبه عمد باشد و جنین در مرحله بعد از دمیده شدن روح قرار داشته باشد، علاوه بر وجوب دیه، کفاره مرتبه، واجب می شود. یعنی می بایست اول بنده ای را آزاد کند و اگر ممکن نشد نوبت به دو ماه روزه پی در پی می رسد و اگر این هم برای او ممکن نشد باید شصت مسکین را طعام دهد.

۳۰۷- مواردی که برای سقط جنین کفاره-مرتبه یا جمع-واجب می شود، اگر بیشتر از یک نفر در اسقاط جنین شرکت داشته باشند بر هر کدام، به طور جداگانه کفاره واجب است.

### مواردی که سقط جنین کفاره ندارد

۳۰۸- سقط جنین در موارد زیر تنها دیه دارد و کفاره ندارد: الف: سقط جنین قبل از چهارماهگی باشد، چه در صورت عمد و یا غیر عمد؛ ب: جنین بعد از گذشت چهارماهگی و دمیدن روح در آن باشد، لیکن مستقیماً-بالمباشره-به سقط عمدی اقدام نکرده باشد، بلکه بالتسبیب باشد، یعنی کاری کند که به وسیله آن سقط، محقق شود، مثلاً چاهی بکند که با افتادن زن باردار در آن، جنین وی سقط شود.

۳۰۹- گرچه سقط جنین حرام است و دیه و در بعضی موارد، کفاره هم دارد، ولی موجب قصاص از سقطکننده نمی شود.

### اخذ برائت پزشک قبل از اسقاط جنین

ص: ۱۰۸

۳۱۰- در مواردی که سقط جنین جایز است، پزشک می تواند با اخذ براثت از ورثه جنین، ذمه خود را بری سازد.

### تعیین مقدار دیه جنین بر حسب مراحل رشد

۳۱۱- دیه جنین در مراحل مختلف رشد، متفاوت است که ذیلاً می آید: الف: اگر جنین چهار ماه تمام داشته باشد یعنی زمانی که روح در آن دمیده می شود، در حکم مسلمان آزاد است و دیه او به مقدار یک انسان کامل- هزار مثقال- است و دیه جنین دختر نصف دیه جنین پسر- پانصد مثقال- می باشد؛ ب: اگر در مراحل قبل از پایان چهارماهگی و دمیدن روح به جنین باشد: نطفه: اسپرم مرد وقتی که با تخمک زن ترکیب می شود تا مدت چهل روز، نطفه است و دیه آن بیست مثقال می باشد؛ علقه- خون بسته-: که در چهل روز دوم تشکیل می شود و دیه آن چهل مثقال می باشد؛ مضغه- پاره گوشت -: که در چهل روز سوم تشکیل می شود و دیه آن شصت مثقال است؛ استخوان: که دیه آن هشتاد مثقال است؛ روییده شدن گوشت: هنگامی که روی استخوان گوشت می روید و دیه آن یکصد مثقال است؛ ج- در کلیه مراحل فوق، تا قبل از دمیده شدن روح به جنین، بین پسر

ص: ۱۰۹



بودن و دختر بودن آن در مقدار دیه تفاوتی نیست؛ د- به فاصله رسیدن جنین از یک مرحله تا مرحله دیگر، دیه خاصی تعلق نمی‌گیرد.

### زمان دمیده شدن روح به جنین

۳۱۲- معمولاً در پایان ماه چهارم و آغاز ماه پنجم، روح به جنین دمیده می‌شود ولی اختلاف زمان و مکان و جهات دیگر، در استعداد جنین برای دمیده شدن روح به آن تأثیر دارد. بنابراین تعیین زمان آن به طور دقیق و کامل ممکن نیست و در هر موردی که تشخیص آن ممکن نباشد و در زمان دمیده شدن روح، تردید حاصل شود، حکم به دمیده نشدن روح می‌شود.

### موارد دیه اسقاط جنین در صورت تحقق عزل

۳۱۳- الف: اگر شخصی کاری کند تا زن و شوهری که در حال آمیزش هستند، بترسند و عزل (۱) تحقق بگیرد، پرداخت دیه اسقاط نطفه، یعنی ده مثقال، بر او واجب می‌شود. ب- در صورتی که شوهر خودش عزل کند، دیه اسقاط نطفه بر او واجب نمی‌شود، حتی اگر گفته شود که عزل بر شوهر حرام است. ج- اگر عزل از طرف زن انجام گیرد و بدون رضایت شوهر باشد، حرام است و بر زن دیه از بین بردن نطفه نیز واجب می‌باشد.

ص: ۱۱۰

---

۱- (۱) - عزل، همان جدا شدن در آمیزش است که سبب می‌شود، منی بیرون از رحم ریخته شود.

## موردی که جنین بودن معلوم نیست

۳۱۴- اگر اهل خیره مثل پزشک متخصص و... ندانند آنچه که سقط شده انسان از آن به وجود می آمده یا نه و ساقطکننده معلوم باشد، در صورتی که با سقط آن جنایتی بر مادر وارد شود که دیه معین دارد، پرداخت دیه جنایت بر ساقطکننده واجب است، اما اگر سبب نقص عضوی شود که دیه مشخص ندارد، حکومت و ارش (۱) لازم می آید که باید پرداخت شود.

## دیه سقط جنینی که معلوم نیست پسر است یا دختر

۳۱۵- اگر شخصی جنین را بعد از آن که روح در او دمیده شد، سقط کند و معلوم نشود، جنین پسر بوده یا دختر، پرداخت نصف دیه پسر و نصف دیه دختر، یعنی هفتصد و پنجاه مثقال، بر کسی که این کار را انجام داده است، واجب می شود.

## دیه سقط جنین دوقلو و بیشتر

۳۱۶- اگر پزشک و یا کسی دیگر جنین را سقط کند، سپس معلوم شود جنین دوقلو یا سه قلو و یا بیشتر بوده، دیه هر یک به طور جداگانه باید پرداخت شود.

## لزوم پرداخت دیه مادر و جنین

ص: ۱۱۱

---

۱- (۱) - در مواردی که مقدار دیه جنایت معین نشده، با نظر حاکم شرع مشخص می شود، که از آن تعبیر به حکومت و ارش می کنند.

۳۱۷- اگر پزشک و یا شخص دیگری، در اثر سهل انگاری و...، سبب شد زن بارداری جان خود را از دست بدهد و جنین او نیز از بین برود، علاوه بر این که پرداخت دیه مادر بر عهده اش می باشد، باید دیه جنین را نیز بپردازد. همچنین اگر به لحاظ سهل انگاری، جنین را ساقط کرده و در اثر آن مادر نیز از دنیا برود.

### **دیه جراحات وارده بر جنین**

۳۱۸- اگر با انجام کاری، جنین سقط نشد اما باعث وارد آمدن جراحت و یا قطع عضو جنین گردید، بر شخصی که چنین عملی را انجام داده، دیه آن جراحت و یا نقص عضو واجب می شود و مقدار دیه با کل مقدار دیه جنین بر حسب هر مرحله ای که شرح آن گذشت، حساب می شود. یعنی اگر روح به جنین دمیده شده، بر اساس هزار مثقال- دیه انسان کامل- و اگر روح در آن دمیده نشده، نسبت به هر مرحله ای که در آن است، حساب می شود.

ص: ۱۱۲



فصل نهم: ازدواج

اشاره

ص: ۱۱۴



بقاء نوع انسان تنها از طریق توالد و تناسل ممکن است که آن نیز با آمیزش دو جنس مخالف میسر می شود. به همین جهت خداوند متعال در هر یک از زن و مرد کششی را نسبت به هم قرار داده که به یکدیگر احساس نیاز می کنند و جز از طریق ایجاد یک زندگی مشترک با یکدیگر، به آرامش نمی رسند. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» ۱ و از نشانه های خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان دوستی و مهربانی قرار داد، به راستی که در این، نشانه هایی است برای آنان که تفکر می کنند. در سایه همین تشکیل خانواده و زندگی مشترک است که توالد و تناسل و در نتیجه، بقاء نوع آدمی شکل می گیرد. اما این زندگی مشترک و جامعه کوچک که هسته اصلی جامعه بزرگ انسانی را تشکیل می دهد، در صورتی می تواند دوام یافته و آرامش زن و مرد را تأمین

نماید و نسل سالمی را از خود بر جا بگذارد که بر اساس قوانین الهی صورت گیرد که منطبق با فطرت و ساختارهای وجودی انسان تدوین شده است. بر همین اساس در فقه اسلامی، ازدواج و روابط زن و مرد با یکدیگر، موضوع احکامی است که در این فصل به پاره ای از آنها پرداخته می شود.

### آزمایش های قبل از ازدواج

۳۱۹- معاینات و آزمایش های قبل از ازدواج اگر مستلزم نظر و لمس نامحرم باشد در صورتی جایز است که ضرورت داشته باشد و تمام مسائل شرعی که در مبحث معاینه و درمان، در مورد نظر و لمس آمده، باید مراعات شود.

### معاینه عروس برای بررسی بکارت

۳۲۰- معاینه عروس برای بررسی بکارت در صورت ضرورت توسط پزشک زن و در صورت نبودن، توسط پزشک مرد جایز است ولی تحقق ضرورت نسبت به چنین امری بسیار نادر و مشکل است.

### حکم ترمیم پرده بکارت

۳۲۱- ترمیم پرده بکارت که به هر دلیل زایل شده باشد اگر مستلزم فعل حرامی از قبیل لمس و نظر اجنبی نباشد، مانعی ندارد.

۳۲۲- ترمیم پرده بکارت تدلیس (۱) است و تدلیس در ازدواج جایز

ص: ۱۱۷

---

۱- (۱) - پنهان کردن عیب و غیر واقع را واقع نشان دادن.



نیست.

۳۲۳- ترمیم پرده بکارت در صورت ضرورت و توقف حفظ آبرو و حیثیت بر آن، ولو مستلزم حرامی از قبیل لمس و نظر اجنبی باشد، مانعی ندارد.

### ارش ازاله بکارت

۳۲۴- هرگاه کسی غیر از زوج، بکارت زنی را از بین ببرد، ضامن است و مقدار ارش ازاله بکارت، مهر المثل باکره است.

۳۲۵- اگر بعد از عقد معلوم شود زن باکره نیست، مرد نمی تواند عقد نکاح را فسخ کند مگر این که از اول شرط بکارت کرده باشد.

۳۲۶- اگر مرد با این شرط با زن ازدواج کند که او باکره باشد، ولی زن باکره نباشد، مرد می تواند عقد را فسخ کند یا این که مقدار تفاوت مهر زن باکره و غیر باکره را از او بگیرد. همچنین است اگر زن بکارت نداشته و پرده بکارت را ترمیم کرده باشد.

### عیب هایی که موجب فسخ عقد می شوند

الف: عیب های مخصوص زن:

۳۲۷- اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد، می تواند عقد را به هم بزند: ۱- دیوانگی؛

ص: ۱۱۸

۲- مرض خوره؛۳- مرض بَرَص؛۴- کوری؛۵- شل بودن به طوری که معلوم باشد؛۶- آن که افضا شده باشد یعنی راه بول و حیض و یا حیض و غائط او یکی شده باشد، ولی اگر راه حیض و غائط او یکی شده باشد، به هم زدن عقد اشکال دارد و باید احتیاط شود؛۷- آن که گوشت یا استخوان یا غده ای در فرج او باشد که مانع نزدیکی شود. ب: عیب های مخصوص مرد:

۳۲۸- اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او قبل از عقد، دیوانه بوده یا بعداً دیوانه شده است یا قبل از عقد، آلت مردی نداشته یا قبل از عقد عنین بوده است و نمی توانسته نزدیکی نماید یا بعد از عقد بدون آن که نزدیکی کرده باشد، عنین شده یا بیضه های او را قبل از عقد کشیده اند، می تواند عقد را به هم بزند.

۳۲۹- اگر مرد یا زن، به واسطه یکی از عیب هایی که در مسأله پیش گفته شد، عقد را به هم بزند، باید بدون طلاق از هم جدا شوند.

۳۳۰- اگر زن به علت این که مرد عنین است - نمی تواند نزدیکی کند - عقد را به هم بزند، شوهر باید نصف مهر را بپردازد.

۳۳۱- در صورتی که زن یا شوهر به علت یکی از عیب های گفته شده غیر از عنین بودن مرد، عقد را به هم بزند، چنانچه آمیزش صورت گرفته باشد، باید شوهر تمام مهر را بپردازد و اگر قبل از آمیزش باشد، چیزی بر عهده

### عیب هایی که موجب اختیار فسخ عقد نمی شوند

۳۳۲- بیماری پوستی و عفونی مجوز فسخ عقد نکاح نمی شود.

۳۳۳- بیماری سیفلیس و ایدز و امثال آن موجب بطلان عقد یا مجوز فسخ آن نمی باشد، مگر این که قبل از عقد شرط شده باشد که زن یا مرد از این بیماری ها سالم باشند.

### حجّت قول پزشک در اثبات عیب

۳۳۴- وجود عیوب موجب فسخ ازدواج با نظر پزشک متخصص در صورتی که سبب اطمینان شود، ثابت می شود.

### معاینه زن برای تشخیص عیب

۳۳۵- معاینه زن برای تشخیص عیب هایی که موجب فسخ عقد می شود، در صورتی که ضرورت داشته باشد توسط پزشک زن و در صورت نبودن آن، توسط پزشک مرد جایز است.

### حکم آمیزش زوجین در صورت بیماری واگیردار

۳۳۶- آمیزش زوجین در صورتی که هرکدام از آنها دچار بیماری مسری مثل سیفلیس یا ایدز و امثال آنها باشند، اگر موجب ضرر به دیگری باشد، جایز نیست.

۳۳۷- اگر زن مرضی داشته باشد که آمیزش برای او ضرر قابل توجهی

داشته باشد، جایز نیست شوهر با او آمیزش کند.

۳۳۸- اگر مرد مرضی داشته باشد که آمیزش برای او ضرر داشته باشد، زن نمی تواند شوهر خود را وادار به آمیزش کند، اما اگر در همین صورت مرد، خود اقدام به نزدیکی کند، بر زن چیزی نیست.

### جراحی پوست به جهت زیبایی

۳۳۹- جراحی پوست به منظور تأمین زیبایی یا مقاصد عقلایی دیگر، جایز است (۱).

### حکم ازدواج بعد از تغییر جنسیت

۳۴۰- هر یک از زوجین اگر تغییر جنسیت دهند، اگر غیر مقارن باشد، از هنگام تغییر جنسیت، عقد باطل می شود.

۳۴۱- اگر تغییر جنسیت زوجین مقارن باشد، بعید نیست بقای زوجیت اگر چه احکام تغییر می کند. پس بر مرد فعلی نفقه دادن واجب می شود و بر زن فعلی اطاعت کردن واجب است، اگر چه احتیاط واجب در تجدید عقد نکاح است. (۲)

### حکم مهر بعد از تغییر جنسیت

۳۴۲- هر کدام از زوجین، اگر تغییر جنسیت بدهند، ازدواج آنها باطل

ص: ۱۲۱

---

۱- (۱) - در ارتباط با مسائل وضو، غسل و... به فصل پیوند مراجعه شود.

۲- (۲) - مسائل مختلف تغییر جنسیت به طور مشروح در فصل مربوط به آن آمده است.

می شود و در صورت آمیزش قبل از تغییر جنسیت، تمام مهر باید پرداخت شود و در صورت عدم آمیزش نیز علی الاقوی تمام مهر را باید بدهد و احتیاط آن است که مصالحه کنند.

ص: ۱۲۲









در مکتب نورانی اسلام، انسان موجودی نیست که زاده حیوان و فرآیند تکامل زیستی موجودات دیگر باشد؛ بلکه نوع خاصی از مخلوقات الهی است که بر اساس اراده و مشیت خداوندی و با اهداف خاصی آفریده شده و به برکت برخورداری از عقل و اختیار، مفتخر به مکلف شدن به تکلیف الهی و مزین به زینت خلیفه خدا و مسجود فرشتگان گردیده است. یکی از فرق ها و امتیازات ویژه انسان این است که نمی توان با او رفتاری کرد که با دیگر موجودات جاندار می شود. موجودات دیگر را می توان به بند کشید و در آزمایش های مختلف از آنان استفاده کرد، اما انسان را نمی توان به موجودی آزمایشگاهی تبدیل کرد. بر این اساس هر انسانی نه خود مجاز است که در مورد خود دست به هر اقدامی بزند و نه دیگران مجاز به چنین عملی هستند. از جمله این اقدامات، ایجاد تغییر و تحول در جنسیت انسان است که از منظر فقهی دارای احکامی است که در این بخش مورد بحث قرار می گیرند.

ص: ۱۲۶

## حکم تغییر و مشخص کردن جنسیت

۳۴۳- تغییر جنسیت دو صورت دارد: الف: گاهی صرفاً ظاهری و صوری است، یعنی مثلاً طبیعت بدن مؤنث است و در واقع اثری از آلت انوئیت نیست بلکه فقط یک جراحی صوری انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت مذکر ظاهر می‌گردد، این کار حرام است و باید به شدت از آن پرهیز نمود و اگر ازدواجی بر اساس آن صورت بگیرد، حرام و باطل است. ب: ولی گاهی تغییر جنسیت واقعی است، یعنی با جراحی کردن، عضو تناسلی واقعی که بر اثر مانعی پوشیده بوده ظاهر می‌گردد، این کار ذاتاً جایز است، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در شخص باشد.

اما چون این جراحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در موارد ضرورت جایز است.

## وجوب تغییر و مشخص کردن جنسیت

۳۴۴- در موارد زیر تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسیت واقعی واجب می‌شود: الف: اگر افراد دوجنسی در انجام اعمال و وظایف شرعی خود مانند:

محرمت، ازدواج، ارث، نماز و... دچار مشکل شوند و تنها راه خروج از این مشکل، تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسیت واقعی باشد؛ ب: اگر دوجنسی بودن موجب ابتلا به بیماری‌های شدید جسمی یا روانی و یا اختلال در زندگی خانوادگی شود و پزشک متخصص، تنها راه

ص: ۱۲۷

علاج را در تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسیت واقعی بداند؛ ج: اگر در شخص آثار یا تمایلات جنس مخالف باشد و عدم تغییر جنسیت باعث ارتکاب حرام شرعی یا قبیح عرفی گردد. البته در همه موارد سه گانه باید حتی المقدور از ارتکاب اعمال حرام خودداری شود و در صورت لزوم به مقدار ضرورت اکتفا گردد.

### اقدام به تغییر جنسیت توسط پزشک

۳۴۵- چون انجام عمل جراحی برای تغییر دادن جنسیت، مستلزم نگاه و لمس است، در صورتی پزشک می تواند به این کار اقدام نماید که تغییر جنسیت برای شخص ضرورت داشته باشد یا بدون ارتکاب نگاه و لمس حرام مثل تجویز دارو بتواند به این کار اقدام نماید. در این دو صورت بر اساس آنچه که در بحث نگاه و لمس نامحرم گذشت، (۱) اقدام پزشک، شرعاً اشکال ندارد.

### تغییر جنسیت دوجنسی حقیقی

۳۴۶- دوجنسی حقیقی که آن را خنثای مشکل می نامند، اگر امکان داشته باشد با عمل جراحی از دوجنسی بودن خارج شود، اقدام به عمل جراحی اشکال ندارد، و ضرورت معالجه درباره او در برخی از صورتها محقق و ثابت است.

### اذن شوهر در تغییر جنسیت

ص: ۱۲۸

۳۴۷- اگر زن جزء کسانی باشد که تغییر جنسیت برای آنان واجب است، در این صورت تغییر جنسیت زن نیاز به اذن شوهر ندارد.

### مواردی که موجب ضرورت اقدام به تغییر جنسیت نیست

۳۴۸- مسائلی از قبیل وجود تمایلات و روحیات جنس مخالف و همچنین تهدید به خودکشی و یا ترس از خودکشی-در صورت عدم تغییر جنسیت-هیچ یک دلیل بر ضرورت تغییر جنسیت نمی باشد.

### احکام دوجنسی ها

۳۴۹- دوجنسی کاذب که طبیعتش بر خلاف ظاهر اوست، مکلف است بر اساس جنسیت ظاهری خویش عمل نماید، یعنی اگر ظاهرش زنانه است، خود را از نامحرم بپوشاند و می تواند شوهر نماید و اگر ظاهرش مردانه است به نامحرم نگاه نکند و می تواند با زن ازدواج نماید.

### احکام شرعی بعد از تغییر جنسیت

۳۵۰- شخصی که تغییر جنسیت داد، همه احکام او تغییر می کند و باید احکام جنسیت پس از تغییر-از قبیل محرمیت، ازدواج و...-را مراعات نماید.

### تکلیف همسران، بعد از تغییر جنسیت

۳۵۱- تغییر جنسیت در دو همسر به چند صورت ممکن است:

ص: ۱۲۹

الف: اگر تنها یکی از آنها تغییر جنسیت دهد، عقد زوجیت آن دو باطل می گردد؛ ب: اگر هر دو همسر تغییر جنسیت دهند ولی یکی جلوتر و دیگری در زمان بعد، در این صورت نیز عقد نکاح باطل می شود؛ ج: اگر تغییر جنسیت در دو همسر همزمان صورت گیرد، زوجیت آن دو بلافاصله فسخ می گردد، ولی می توانند مجدداً در شکل جدید-بعد از تغییر جنسیت-عقد ازدواج بخوانند و احتیاط مستحب آن است که صبر کنند تا زمان عده بگذرد.

### حکم مهر بعد از تغییر جنسیت

۳۵۲- اگر تغییر جنسیت از طرف زن و با اذن شوهر انجام شود در صورت عدم آمیزش قبل از تغییر، مهر زن باید بطور کامل پرداخت شود و احتیاط آن است که مصالحه کنند.

۳۵۳- اگر زن بدون اجازه شوهر، اقدام به تغییر جنسیت کرده باشد، در صورتی که باید با اذن شوهر اقدام به این کار می کرد، مرتکب گناه شده است، ولی از مهر محروم نمی شود و طبق حکم شرعی، تمام مهر به او می رسد.

### تغییر جنسیت زن در زمان عده

۳۵۴- اگر زن هنگامی که در عده است، تغییر جنسیت دهد، باقیمانده عده اش ساقط می شود و دیگر لازم نیست بقیه عده را نگهدارد، حتی اگر در عده وفات باشد.

## حکم ولایت فرزندان، بعد از تغییر جنسیت

۳۵۵- اگر مرد تغییر جنسیت داد و زن شد، دیگر بر کودکانش ولایت ندارد، همچنین اگر زن تغییر جنسیت داد و مرد شد، بر کودکانش ولایت پیدا نمی کند، بلکه ولایت آنان با پدر، و در صورت نبودن او با جدّ پدری است و اگر او هم نباشد، ولایت اولاد به ولیّ امر می رسد.

## احکام ارث، بعد از تغییر جنسیت

۳۵۶- فردی که تغییر جنسیت دهد، نسبتش با نزدیکان قطع نمی شود، بلکه عنوان نسبت، عوض می شود، مثلاً برادر، خواهر می شود و... و ارث بردن آنان نیز تابع جنسیت بعد از تغییر است.

۳۵۷- پدر، مادر، جدّ و جدّه اگر تغییر جنسیت دهند، در ارث بردن ایشان حالت قبل از تغییر جنسیت لحاظ می شود، هر چند احتیاط این است که در مقدار ارث با یکدیگر مصالحه نمایند.

## محرّمیت بعد از تغییر جنسیت

۳۵۸- همانطور که گذشت، تغییر جنسیت موجب از بین رفتن نسبت شخص با نزدیکان نمی شود و فقط عنوان نسبت عوض می شود، لذا حکم محرّمیت با محارم نیز باقی است و تغییر نمی کند.

۳۵۹- کسی که تغییر جنسیت بدهد نسبت به همجنسان پیشین خود نامحرم می شود، چه پسر باشد و چه دختر؛ چه از بستگان سببی یا نسبی

باشد و تنها نسبت به محارم پیشین خود محرم است، مگر زن و شوهر که با تغییر جنسیت یکی از آنان، ازدواج آنها باطل می شود.

ص: ۱۳۲







از دیدگاه اسلامی، انسان در بین سایر موجودات از جایگاه والا و ارزش ویژه ای برخوردار است. حفظ حیات انسان مورد توجه اکید اسلام قرار گرفته و حفظ جان هر فرد را بر دیگران واجب کرده و آن را یکی از مهم ترین واجبات شمرده است. «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»<sup>۱</sup> و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. به خطر انداختن حیات انسان ها و گرفتن جان آنان، از گناهان کبیره و موجب دوری از رحمت خدا و گرفتار شدن به عذاب جانکاه و ابدی الهی است و تا زمانی که فردی زنده باشد، هیچ کس حق ندارد حیات او را به خطر اندازد. به جز مواردی که شخص با ارتکاب بعضی اعمال موجبات سلب احترام از حیات خود را به وجود آورده و مجوز کشته شدن خویش را فراهم سازد. از سوی دیگر از دیدگاه اسلام، انسان زنده کسی را می گویند که روح

از بدنش جدا نشده، گرچه مشاعر خود را از دست داده باشد. بر همین اساس کسانی که به اصطلاح پزشکی دچار مرگ مغزی شده اند، انسان زنده به حساب می آیند و از همان احترام قبلی برخوردار می باشند و هرگونه اقدامی در مورد این افراد از دیدگاه فقه اسلامی حکم ویژه ای دارد که در این فصل به ذکر پاره ای از آنها می پردازیم.

### مرگ از دیدگاه فقهی و پزشکی

۳۶۰- مرگ از دیدگاه فقهی طبق آنچه در قرآن آمده عبارت است از «جدایی روح از بدن»، در نتیجه می توان گفت: حیات نیز همراهی روح با بدن است.

۳۶۱- از دیدگاه پزشکی جدید، مرگ انسان، همان مرگ مغزی است.

### مرگ مغزی و احکام آن

۳۶۲- مرگ مغزی حالتی است که همه فعالیت های شناخته شده مغز متوقف شود. ولی قلب و بعضی ارگان های دیگر بدن به کار خود ادامه دهند. تنفس در این بیماران متوقف شده و با استفاده از دستگاه های تنفس دهنده-اسپیراتور-می توان تنفس را برقرار کرد. اینگونه بیماران در فواصل زمانی چند ساعت تا چند ماه نهایتاً دچار ایست قلبی شده و خواهند مرد.

۳۶۳- در صدق عنوان میت که موضوع بخشی از احکام شرعی است، آنچه معتبر است نظر عرف است، یعنی عرف او را مرده به حساب آورد و

ص: ۱۳۶

عرف، بیمار مبتلا به مرگ مغزی را مرده به حساب نمی آورد.

۳۶۴- همانگونه که گذشت در صدق عنوان مرگ، نظر عرف معتبر است و چون عرف بیمار مبتلا به مرگ مغزی را زنده به حساب می آورد، همه احکام حیات شرعاً بر او بار می شود حتی دیه و قصاص. بله اگر در نظر عرف، مرگ ثابت و مسلم باشد ولی پزشک احتمال حیات او را بدهد، هر عملی که موجب قتل او شود نسبت به او جایز نیست. ولی در این فرض اگر کسی مرتکب قتل شود حکم به قصاص نمی شود.

۳۶۵- اقدام در مورد معالجه بیماران مبتلا به مرگ مغزی همانند وصل کردن دستگاه تنفس دهنده به آنان تا حد امکان واجب است.

۳۶۶- قطع معالجه بیماران مبتلا به مرگ مغزی مانند جدا کردن از دستگاه تنفس دهنده جایز نیست.

۳۶۷- در مورد فرد مبتلا به مرگ مغزی اگر صدق کند که انسان زنده مریض است، کشتن او جایز نیست و دیه کامل دارد و اگر صدق کند که مرده است، حکم سایر اموات را دارد.

۳۶۸- در صورتی که پرداخت دیه کامل واجب باشد، دیه به ورثه تعلق می گیرد.

۳۶۹- در صورتی که صدق کند که عضوی از میت جدا شده است، دیه آن عضو به مصرف خیرات برای میت می رسد و ورثه از آن ارث نمی برند.

۳۷۰- اگر پزشک مباشر در قتل یا قطع عضو باشد، دیه کامل بر او واجب است، لکن می تواند با بیمار

گیرنده عضو قرار بگذارد که دیه را از طرف پزشک بپردازد. (۱)

۳۷۱- قبل از شروع معالجه می توان بعضی از بیماران مبتلا به مرگ مغزی را به لحاظ اهمیت بر بعضی دیگر ترجیح داد. ولی بعد از شروع معالجه قطع آن اشکال دارد و جایی برای ترجیح بیماری بر بیمار دیگر نیست.

### استفاده از اعضای بیماران مبتلا به مرگ مغزی

۳۷۲- اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که مبتلا به مرگ مغزی شده اند برای معالجه بیماران دیگر باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست. (۲)

### مرگ ترخمی و تجویز مرگ

۳۷۳- کشتن بیماری که مبتلا به مرض غیر قابل علاج شده است و از درد رنج می برد، چه با موافقت بیمار یا بستگانش یا بدون اطلاع و موافقت آنها، قتل نفس محسوب می شود و حرام است و تمام احکام قتل عمد را دارد.

۳۷۴- تسریع در مرگ بیمار به دو صورت ممکن است انجام شود: الف: با متوقف کردن درمان توسط پزشک یا خود بیمار یا بستگان او تا در نتیجه بیماری پیشرفت کند و بیمار بمیرد. - آتانازی غیر فعال -

ص: ۱۳۸

---

۱- (۱) مسائل مربوط به جواز قطع عضو و دیه آن، در فصل پیوند اعضا به تفصیل آمده است.

۲- (۲) مسائل مربوط به جواز قطع عضو و دیه آن، در فصل پیوند اعضا به تفصیل آمده است.

ب: با تزریق آمپول یا تجویز دارویی که موجب تسریع مرگ بیمار شود. صورت دوم قطعاً جایز نیست و در صورت اول نیز چون حفظ جان مسلمان در حدّ امکان واجب است متوقف کردن درمان اشکال دارد.

ص: ۱۳۹









ترمیم عضو قطع شده یک انسان و حیات مجدد بخشیدن بدان، همان قدر که زندگی را برای صاحب عضو، شیرین می کند، برای پزشک لذت بخش است و در درگاه خداوند از اجر و پاداش فوق العاده ای برخوردار خواهد بود؛ ولی مسئله مهم، طریقه تهیه و تأمین عضو است که باید مدّ نظر قرار گیرد. آیا پزشک و یا هر فرد دیگری به بهانه احیای عضو یک انسان، مجاز است عضو فرد دیگری را - گرچه مرده باشد - در هر شرایطی قطع کند؟ یا این که این کار تابع قواعد و قوانین خاصی است؟ ممکن است بین پزشکان، عده ای باشند که خود را فارغ از همه قوانین و مقررات حاکم بر این عمل فرض کنند و تنها در فکر ترمیم عضو باشند، اما از منظر فقه اسلامی چنین نیست. پزشک یا هر فرد دیگر، آزاد نیست که از هر طریق ممکن به تأمین عضو مورد نیاز بپردازد، بلکه تهیه و تأمین و پیوند آن، احکام ویژه ای دارد که در این فصل به آن پرداخته شده است.

## قطع عضو از شخص زنده و پیوند آن به دیگری

۳۷۵- قطع کردن عضوی از اعضای شخص مسلمان زنده برای پیوند به دیگری در صورتی که سه شرط زیر حاصل باشد مسلماً جایز است: الف: حیات بیمار، متوقف بر پیوند آن عضو باشد. ب: تأمین این عضو از غیر مسلمان ممکن نباشد. ج: پس از قطع عضو، خطر جانی و یا ضرر غیر قابل تحمل متوجه اعطاکننده نشود. بنابراین قطع عضو برای پیوند به اعضای بدن با وجود شرایط فوق قطعاً جایز است.

۳۷۶- هرگاه به عضو شخص کافر زنده ای نیاز باشد که با پیوند آن سلامت عضو شخص دیگری و یا حیات وی تأمین شود، قطع این عضو کافر با اجازه وی جایز است.

۳۷۷- هرگاه شخص مسلمان زنده به قطع عضو خود برای استفاده از آن در پیوند، راضی باشد و قطع آن خطر جانی برای او نداشته باشد، قطع این عضو جایز است، خواه تأمین این عضو از غیر مسلمان ممکن باشد و خواه نباشد و خواه حیات شخص پیوند گیرنده متوقف بر این پیوند باشد و یا این که برای تأمین سلامت و یا استفاده عقلایی دیگر به کار گرفته شود.

۳۷۸- عمل پیوند پس از فراهم شدن عضو مورد نیاز با احتمال مفید بودن برای گیرنده عضو، از سوی پزشک جایز است.

## جواز اهداء و خرید و فروش عضو

ص: ۱۴۴

۳۷۹- اهداء و خريد و فروش عضو با شرايط مذکور در مسأله ۳۷۸ بلامانع است.

۳۸۰- در مواردی که قطع عضو از شخص زنده مسلمان یا کافر جایز است، آن شخص می تواند عضو خود را به صورت هدیه واگذار کند و می تواند آن را به مبلغی بفروشد و اگر او هدیه کرد، گیرنده عضو و یا دیگری می تواند به وی جایزه و هدیه ای بدهد.

### **حکم پیوند با علم به مفید نبودن**

۳۸۱- اگر پزشک مطمئن باشد و یا احتمال عقلانی بدهد که بدون گیرنده، عضو پیوندی را قبول نخواهد کرد، مجاز نیست از بدن فرد زنده یا مرده، عضوی را جدا کند و به بیمار پیوند بزند.

### **وصیت به اهدا و فروش عضو بعد از مرگ**

۳۸۲- شخص می تواند در زمان حیات عضو یا اعضاء خود را بفروشد و وصیت کند که بعد از مرگش از اعضای او برای پیوند شخص یا اشخاص مخصوصی استفاده شود و در این صورت باید حدود وصیت او مورد توجه قرار گیرد و تنها اعضای مورد وصیت در صورتی که حیات فرد مسلمان دیگری متوقف بر آن باشد، قطع و پیوند زده می شود.

۳۸۳- هرگاه شخصی وصیت کند بعد از مرگش یک یا چند عضو را برای پیوند در اختیار مراکز جراحی قرار دهند، قطع عضو مورد وصیت در فرض ضرورت جایز است و چون مفروض این است که شخص مرده

است، بنا بر این فرقی بین اعضای او نیست.

۳۸۴- اگر اعضای بدن میت طبق وصیت او قطع شد احتیاط آن است که دیه آن صرف امور خیر برای متوفی شود.

۳۸۵- دیه ای که در اثر قطع عضو متوفی دریافت می شود باید خرج میت شود مثلاً در خیرات صرف کنند و ورثه از این مال ارث نمی برند.

### **اذن اولیاء برای قطع عضو میت**

۳۸۶- در صورتی می توان عضو یا اعضاء میت را برای پیوند به دیگری قطع کرد که در زمان حیات فروخته شده باشد تا پس از مرگ قطع کنند و به دیگری پیوند بزنند و یا حیات مسلمانی متوقف بر قطع این عضو برای پیوند باشد و رضایت ولی یا اولیاء میت شرط نیست.

### **اذن ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرائط برای قطع عضو**

۳۸۷- در تمام موارد، هرگاه ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرائط یا کسی که از جانب او نمایندگی دارد، به قطع عضو شخص زنده یا مرده ای برای پیوند حکم کند، قطع عضو برای این منظور جایز، بلکه واجب است.

### **قطع عضو میت مسلمان برای نجات جان مسلمان**

۳۸۸- اگر حفظ زندگی مسلمانی متوقف بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمان به بدن او باشد، قطع این عضو و پیوند آن جایز است.

### **تشویق برای اقدام به دادن عضو**

ص: ۱۴۶

۳۸۹- تشویق مردم برای اقدام به اهدای اعضاء جهت پیوند و تبلیغ آن در رسانه های گروهی به شرط آن که حدود و موارد مشروع کاملاً تبیین گردد، شرعاً مانعی ندارد.

### **قطع عضو میت غیر مسلمان**

۳۹۰- قطع عضو از جسد غیر مسلمان برای پیوند جایز است و بعد از جان گرفتن حکم به طهارت آن می شود و دیه ندارد و اگر رضایت اولیای میت تحصیل گردد رفع هرگونه شبهه ای شده است.

### **پیوند عضو مسلمان به غیر مسلمان**

۳۹۱- تزریق خون و همچنین پیوند استخوان و یا عضو دیگر مسلمان به غیر مسلمان با رعایت شرایط مذکور در پیوند جایز است.

### **قطع عضو میت برای حفظ عضو مسلمان زنده**

۳۹۲- در صورتی که زندگی عضوی از اعضای مسلمان زنده، بر قطع عضوی از بدن میت مسلمان متوقف باشد قطع آن عضو جایز است و ملاک ضرورت است.

۳۹۳- در مواردی که قطع عضوی از اعضای میت مسلمان جایز نیست، اگر آن را قطع کنند، بر شخصی که آن را قطع کرده پرداخت دیه به شرحی که در مسائل تشریح گفته شده، واجب است.

ص: ۱۴۷

## قطع عضو بیمار برای معالجه

۳۹۴- معالجه با چیزی که ضرر دارد و ضرر آن قطعی و فوری است مانند قطع بعضی از اعضای بدن، در صورتی که از ضرر بزرگتر و شدیدتر-مانند مرگ-جلوگیری کند جایز است.

## شرایط جواز عمل جراحی

۳۹۵- معالجه با عمل جراحی، سوزاندن عضو، قطع عضو، در صورتی جایز است که پزشکان حاذق ضرورت آن را تشخیص دهند و جراح، محتاط و با تجربه باشد و شخصی سهل انگار و متهور نباشد.

## پیوند جزئی از بدن انسان به خودش

۳۹۶- پیوند زدن جزئی از بدن انسان مانند پوست، رگ و استخوان به جزء دیگر از بدن خود او اشکال ندارد و در صورتی که ظاهر باشد وضو و غسل هم صحیح است.

## قطع عضو انسان مشرف به موت

۳۹۷- اگر بنا بر تشخیص پزشکان مرگ انسانی مسلم باشد جایز نیست بدون مراعات شرایط ذکر شده عضوی از اعضای او را از بدنش جدا کنند، مثلاً کلیه را برای پیوند از بدنش درآورند.

## پیوند تخمدان زن اجنبی

۳۹۸- با توجه به شرایط ذکر شده در پیوند اعضاء، پیوند تخمدان

اشکالی ندارد و اگر بعد از پیوند، جزء بدن گیرنده شود و پس از آن تلقیح صورت گیرد، فرزند ملحق به صاحب اسپرم و زنی است که به بدن او پیوند زده شده است و زن اجنبی حکم مادر را ندارد.

### **پیوند باقیمانده های زایمان**

۳۹۹- باقیمانده های زایمان متعلق به زائو است و در صورت اذن وی و با اعراض او، استفاده از آنها برای اعمال جراحی و پیوند به دیگران جایز است. و شخص زائو می تواند آن را مجاناً به دیگری واگذار کند و یا در برابر آن وجهی دریافت کند.

### **محرم و نامحرم بودن در پیوند**

۴۰۰- در مواردی که اصل پیوند با توجه به شرایط آن جایز باشد زن و مرد و محرم و نامحرم بودن گیرنده و دهنده عضو فرقی نمی کند ولی در هر مورد، لازم است مسائل شرعی مخصوص به آن مراعات شود.

### **پیوند عضو قطع شده در اجرای حدّ**

۴۰۱- عضوی را که برای اجرای حدّ قطع می کنند نمی توان مجدداً به صاحب آن پیوند زد، اما این عضو در اختیار شخصی است که از او قطع شده است و پیوند زدن آن به دیگری با اذن صاحب آن جایز است، همچنین اختیار این که بتواند به طور رایگان و یا در برابر مبلغی واگذار کند با صاحب آن است.

### **پیوند عضو قطع شده برای قصاص**

ص: ۱۴۹



۴۰۲- عضوی که برای قصاص قطع می شود چند صورت دارد: الف: هرگاه شخص جانی عضوی را که قطع نموده از قابلیت پیوند زدن خارج کرده باشد مثل آنکه آن را کوبیده ریز کرده باشد و یا آنکه آن را به حیوان گوشت خواری خورانده و یا اینکه از دسترسی صاحبش دور نگه داشته تا فاسد شده باشد و... در این صورت اختیار عضو وی در دست قصاص کننده است که می تواند همانند وی آن را از قابلیت پیوند زدن خارج کند. البته قصاص کننده نمی تواند این عضو را بفروشد و یا رایگان به شخص سومی برای پیوند واگذار نماید، ولی می تواند بعد از قصاص از حق خود بگذرد و آن را از بین نبرد و سالم در اختیار صاحبش قرار دهد، در این صورت اگر قصاص کننده اذن دهد، صاحب عضو می تواند آن را به بدن خود پیوند بزند، و اگر اذن پیوند زدن ندهد صاحب عضو می تواند آن را مجانی یا در برابر گرفتن مبلغی به دیگری واگذار کند. ب: هرگاه جنایت او به مجرد قطع عضو خاتمه یافته و امکان پیوند مجدد آن برای صاحب عضو فراهم بوده است، اما صاحب عضو خود اقدام به پیوند ننموده باشد در این صورت قصاص کننده نیز تنها حق قطع کردن عضو او را دارد و بعد از آن اختیار عضو با صاحب آن- یعنی قصاص شونده- است و می تواند اقدام به پیوند آن بنماید و یا آن که برای استفاده به صورت رایگان یا در برابر مبلغی به دیگری واگذار کند. ج: در صورتی که جانی، عضو را قطع نموده است و امکان پیوند مجدد آن نیست و یا آنکه صاحب عضو امکان مالی پیوند زدن را نداشته باشد و یا از پیوند غافل شود به گونه ای که عرفاً از دست رفتن عضو او، تنها

مستند به عمل جانی باشد، در این موارد نیز حکم بند الف را دارد، یعنی اختیار عضو با قصاص کننده است ولی نمی تواند بفروشد و یا به دیگری اهدا کند.

### **برداشتن عضو محکوم به اعدام**

۴۰۳- در صورتی که شخصی به دلیلی غیر از قصاص توسط قاضی جامع الشرائط محکوم به اعدام شده باشد و شرع مقدس نوع اعدام را مشخص ننموده باشد، جایز است با رضایت محکوم به اعدام، در زمان حیات او پس از بی هوشی، عضو یا اعضای او را جهت پیوند به دیگری بردارند به شرط آن که پس از بی هوشی بمیرد و این خود نوعی اعدام تلقی خواهد شد.

### **تخفیف در نوع مجازات به شرط واگذاری عضو**

۴۰۴- در مواردی که مانند مفسد فی الارض و محارب یکی از شقوق مجازات شخص مجرم اعدام است به شرط آنکه از نظر قانون منعی نباشد هرگاه قاضی مصلحت بداند می تواند محکومیت مجرم را از اعدام تنزل دهد، مشروط به اینکه مجرم عضوی از اعضای خود را برای پیوند نیازمندان واگذار کند.

### **پیوند اعضای حیوانات به بدن انسان**

۴۰۵- پیوند اعضای حیوانات-حتی اگر نجس العین باشند مانند سگ و

خوک- به انسان در صورتی که جان بگیرد و عضو زنده شمرده شود، جایز است و حکم به طهارت آن می شود.

### **واگذار نمودن عضو برای پیوند به جای تعزیر**

۴۰۶- در موارد تعزیر به شرط آنکه از نظر قانونی منعی نباشد، قاضی می تواند در صورت توافق مجرم تعزیر مجرم را اهدای عضوی از وی و یا واگذار نمودن آن در برابر اخذ مبلغی قرار دهد که در پیوند از آن استفاده شود، لکن قاضی باید مراقب باشد که این تعزیر سبک تر از حدّ باشد.

### **اهدای عضو در برابر عفو از قصاص**

۴۰۷- در مورد افرادی که محکوم به قصاص شده اند، اولیای دم می توانند در برابر اهدای عضوی از طرف محکوم، برای پیوند، از اعدام وی صرف نظر کنند.

### **حکم به قطع و اهدای عضو برای تخفیف مجازات**

۴۰۸- در مواردی که اصل تخفیف مجازات محکومین برای حاکم شرع، شرعاً مجاز باشد هرگاه حاکم شرع به مصلحت جامعه اسلامی بداند می تواند تخفیف مجازات محکومی را موکول به اهداء و یا واگذاری عضوی از اعضای وی برای پیوند نماید.

### **پیوند زدن و کاشتن مو**

ص: ۱۵۲

۴۰۹- موارد کاشت مو و احکام آن: الف: جایز است انسان موی دیگری را به موی خود پیوند زند یا در سر خود مو بکارد به شرط آنکه موی پیوندزده یا کاشته شده جان بگیرد و جزء بدن او محسوب شود. ب: اگر پیوند و کاشتن مو با فعل حرامی همراه باشد جایز نیست، مگر در صورت ضرورت.

### **وضو و غسل با موی کاشته شده و پیوندی**

۴۱۰- مواردی که از موی غیر استفاده شده است چند صورت دارد: الف: در صورتی که موی کاشته شده، به بدن متصل شود و رشد کند، وضو و غسل صحیح است. ب: موی مصنوعی اگر به صورت کلاه گیس باشد واجب است برای غسل و وضو برداشته شود. ج: چسباندن مو یا چیزی که مو روی آن بافته شده به بدن- که مانع رسیدن آب به پوست بدن می شود- جایز نیست. د: در فرض بالا- در هنگام وضو و غسل اگر امکان ندارد که موی چسبیده شده را بردارد، باید علاوه بر وضو و غسل جیره ای، تیمم بدل از غسل یا وضو بنماید.

### **طهارت و نجاست موی مصنوعی**

۴۱۱- موی مصنوعی که جهت ترمیم استفاده می شود چنانچه از خارج وارد شود و جنس آن مشکوک باشد محکوم به طهارت است.

ص: ۱۵۳

## رنگ کردن مو

۴۱۲- رنگ کردن مو و ابرو جایز است و اگر از رنگهای رایج و رنگهای گیاهی که جرم ندارند استفاده شود وضو و غسل با آنها صحیح است و اگر رنگ دارای جرم باشد مانع محسوب شده وضو و غسل با آن اشکال دارد.

## طهارت و نجاست عضو قطع شده

۴۱۳- عضوی که از بدن انسان زنده به طور کامل جدا شده است و از اعضای دارای روح می باشد نجس است.

۴۱۴- اگر عضو به طور کامل قطع و جدا نشده باشد، تا زمانی که به بدن متصل است پاک است.

## غسل و دفن عضو جدا شده از بدن زنده

۴۱۵- عضو جدا شده از بدن انسان زنده را در صورتی که استخوان داشته باشد لازم است بنا بر احتیاط غسل داده و در پارچه ای پیچیده دفن نمایند.

## غسل برای تماس با عضو قطع شده

۴۱۶- عضو جدا شده از بدن انسان زنده اگر همراه با استخوان باشد حکم میت را دارد و در صورتی که بدن با آن تماس پیدا کند غسل مس میت واجب می شود.

## غسل و دفن عضو جدا شده

۴۱۷- عضو جدا شده از بدن میت مسلمان در صورتی که همراه با استخوان باشد غسل و دفن آن واجب است و اگر همراه با استخوان نیست، باید آن را در پارچه ای پیچیده و دفن کنند.

## نماز با عضو پیوندی

۴۱۸- اگر جزئی از اجزای میت به بدن انسان زنده وصل شود، در صورتی که حیات در آن حلول کرده و جان گرفته، جزء بدن انسان محسوب شده و حکم به طهارت می شود و نماز هم صحیح است و قبل از حلول حیات چون مضطرّ به حمل آن است، نماز با آن جایز است، ولیکن نجس است، مگر این که از میت مسلمان بعد از غسل های میت جدا شده باشد که در این صورت پاک هم هست.

ص: ۱۵۵









در روزگاران گذشته استفاده از خون انسان برای تزریق به دیگران متصوّر نبود و لذا بحث از انتقال خون، بدون فایده تلقی می شد. اما در این زمان خون انسان ماده ای حیاتی و ارزشمند به حساب می آید که می تواند یک فرد را از مرگ نجات داده و به او زندگی مجدد ببخشد. به همین جهت مسأله انتقال خون از اساسی ترین مسائل پزشکی معاصر است و در فقه اسلامی نیز موضوعی مهم تلقی می شود که اهدا، گرفتن، نگهداری، انتقال و تزریق آن به انسان های دیگر، دارای احکام ویژه ای است که در این فصل می آید.

### **نظر و لمس در هنگام تزریق و انتقال خون**

۴۱۹- در تمام مراحل تزریق و انتقال خون باید احکام شرعی نسبت به نگاه و لمس بدن نامحرم-مذکور در فصل معاینه و درمان-مراعات شود.

و در موارد ضرورت و عدم امکان دسترسی به همجنس، به مقدار ضرورت اکتفا شود و حتّی المقدور از دستکش استفاده شود.

ص: ۱۵۹

## طهارت و نجاست

۴۲۰- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد-حیوانی که اگر سرخرگ آن را بپزند خون جستن می کند-نجس است.خون اگر چه در آن دارویی ریخته باشند که رنگ آن را سفید نماید، نجس است.

۴۲۱- وسایل آزمایشگاه،بدن،لباس و...که در اثر تماس با نجاساتی مانند خون،مدفوع،ادرار و منی،نجس می شوند با انجام عمل استریل و یا ضد عفونی کردن،پاک نمی شود.

## انتقال خون

۴۲۲- تزریق و انتقال خون از بدن انسان به دیگری به طور مستقیم و غیر مستقیم جایز است.

۴۲۳- انتقال و تزریق خون زن به مرد و بالعکس و خون کافر به مسلمان جایز است.

## اهدای خون

۴۲۴- اهدای خون در بیمارستان های کشوری که مردمش مسلمان نیستند،در صورت عدم نیاز مسلمانان جایز است.

ص: ۱۶۰

۴۲۵- اهدای خون به غیر مسلمانانی که با مسلمانان در جنگ باشند، جایز نیست.

۴۲۶- اگر خون دادن برای صاحب آن ضرر داشته باشد، نباید به آن اقدام نماید مگر این که مصلحت اقوی و اهمّ در بین باشد.

### **گرفتن خون در صورت ضرر**

۴۲۷- گرفتن خون-در فرض ضرر داشتن برای صاحب آن-با رضایت، جایز است مگر اینکه خطر جانی یا ضرر قابل توجهی داشته باشد.و در صورتی که موجب نجات جان فرد دیگری شود، واجب است.

### **اهدای خون در حال روزه**

۴۲۸- اهدای خون در حال روزه اگر موجب شود روزه دار نتواند روزه را تمام کند و ضرورتی در بین نباشد، جایز نیست. اما اگر موجب ضعف و سستی روزه دار شود، مکروه است.

### **خرید و فروش خون**

۴۲۹- خرید و فروش خون و یا اجزای آن، برای منافع حلال-مانند تزریق به بیمار-جایز است. ولی احتیاط آن است که مصالحه کنند یا آن که پول را در مقابل حق اختصاص یا در مقابل اجازه خون گرفتن دریافت کنند تا اشکالی در بین نباشد و این احتیاط حتّی الإمكان ترک نشود.

۴۳۰- اگر خون بدن انسان را به بدن دیگری-به طور مستقیم-با ابزار و

آلات منتقل کنند و میزان و مقدار حجم آن را با مقیاس هایی که دارند تعیین کنند و بهای آن را بگیرند، جایز است و در صورت جهالت به مقدار حجم، جایز است به طور مصالحه انتقال دهند و احتیاط آن است که پول را در مقابل اجازه انتقال دریافت کنند و این احتیاط حتی الامکان ترک نشود.

۴۳۱- فروش خون و یا اجزای آن از قبیل پلاکت، سرم، پلاسما و... به غیر مسلمانانی که با مسلمانان در حال جنگ هستند جایز نیست.

### **ضمان در خون گرفتن**

۴۳۲- هرگاه خون گیرنده در هنگام خون گرفتن، از حد معمول و یا مقداری که اجازه داشته است، تعدی کند و به شخصی که از او خون گرفته می شود، ضرری وارد شود، هرچند قصد ضرر رساندن هم نداشته باشد، ضامن است.

۴۳۳- هرگاه خون گیرنده در هنگام خون گرفتن، از حد معمول و یا مقداری که اجازه داشته است، تجاوز نکند و اتفاقاً به شخصی که از او خون گرفته می شود، ضرر وارد شود، ضامن است مگر اینکه شرط عدم ضمان کرده باشد.

۴۳۴- در صورت بالا اگر خون گیرنده بداند که به شخص ضرر می رسد، اقوی این است که ضامن است مگر این که شخص خون دهنده، او را تبرئه کند.

### **علم تزریق کننده به سلامت خون**

ص: ۱۶۲

۴۳۵- تزریق کننده خون باید به سلامت خونی که می خواهد تزریق کند، علم داشته باشد و در صورتی که نسبت به سلامت خون شک داشته باشد حق ندارد تزریق کند- مگر در صورتی که به دلیل عدم دسترسی و یا وخامت حال بیمار، مجبور به تزریق مستقیم خون باشد -.

۴۳۶- منظور از علم داشتن به سلامت خون، بررسی مدارک ارسالی از سازمان انتقال خون و یا سایر مراجع صلاحیت دار می باشد.

### **تزریق خون ناسالم**

۴۳۷- هرگاه تزریق کننده بداند خونی را که تزریق می کند ناسالم است، جایز نیست این کار را انجام دهد.

### **تزریق خونی که سبب بیماری شود**

۴۳۸- در صورتی که تزریق خون سبب به وجود آمدن بیماری خاصی شود که باعث نقص عضو بیمار و یا منجر به مرگ او شود، تزریق کننده ضامن است و این در صورتی است که تزریق کننده امکان بررسی داشته ولی اگر مبادرت به انجام آزمایش و بررسی های لازم ننموده است علاوه بر ضمانت، کار حرامی هم انجام داده است. همچنین اگر فردی که مسئول بررسی سلامت خون است به هر دلیل، تعلل ورزیده و این تعلل موجب ضرر و زیان به بیمار گردد، ضامن خواهد بود.

ص: ۱۶۳









اصطلاح پزشکی قانونی گرچه سابقه ای چندان طولانی ندارد، اما چون اثبات جرم، تشخیص مقدار آسیب وارده در اثر ضربه، اثبات مرگ و امثال آن که هر یک موضوع احکامی چون حدود، قصاص، دیات، تقسیم ارث و... می باشد، در بسیاری از موارد با شهادت افراد کارشناس و خبره اثبات می شود، لذا حجیت قول پزشک از دیرباز در فقه مطرح بوده و توسط فقهاء مورد بحث و دقت نظر قرار گرفته که در کتاب های فقهی آمده است. از آنجا که در زمان حاضر پزشکی قانونی متکفل امور یادشده می باشد، در این فصل مسائل مورد ابتلاء پزشکان و دست اندرکاران محترم امور پزشکی قانونی را مورد بحث قرار می دهیم. در قلمرو پزشکی قانونی فروع فقهی متعددی مورد بحث است که ذیلاً می آید:

### **نگاه به بدن میت نامحرم و لمس آن**

۴۳۹- نگاه کردن به بدن میت نامحرم و لمس آن از لحاظ شرعی مانند

ص: ۱۶۷

احکام نگاه کردن به بدن فرد زنده می باشد بنابراین نگاه و لمس عورت مرده در مواردی که برای تشخیص موضوعات احکام شرعی لازم باشد و قاضی صالح دستور آن را بدهد، در حدّ ضرورت اشکال ندارد.

### **کالبد شکافی**

۴۴۰- در مواردی که قاضی صالح کشف جرمی- در صورت مهم بودن اثبات جرم- را که به آن رسیدگی می کند، متوقف بر کالبدشکافی میت بداند، شکافتن کالبد وی جایز است.

۴۴۱- کالبد شکافی برای تشخیص علت مرگ در صورتی که اثبات علت مرگ مصلحت اهمی داشته باشد و قاضی صالح لزوم آن را احراز نماید و دستور تشریح و کالبد شکافی دهد، اشکال ندارد.

۴۴۲- نبش قبر مسلمان برای کالبد شکافی جایز نیست، مگر قاضی صالح برای کشف جرم یا اثبات حق، انجام آن را لازم بداند.

### **صدور گواهی از طرف پزشک**

۴۴۳- پزشک باید از صدور گواهی خلاف واقع خودداری نماید، زیرا گواهی خلاف واقع، از مصادیق کذب یا افتراء است و گناه کبیره است.

۴۴۴- گواهی پزشک به شرط آن که عادل باشد و شهادتش مستند به حسّ یا نسبت به اموری باشد که در آن خیره است، به عنوان یک شاهد عادل پذیرفته است.

۴۴۵- گواهی پزشک در مورد بکارت و ازاله آن، عتّه- ناتوانی جنسی -.

جنون، حمل-بارداری-و نظایر آن، به شرطی که عادل باشد و شهادتش مستند به حسّ باشد، به عنوان یک شاهد عادل مورد قبول است ولی در امور حدسی و غیر محسوس، اگر شهادت به امری باشد که در آن خبره است، در صورتی که عادل هم باشد، به عنوان یک شاهد پذیرفته است، اما در سایر موارد پذیرفتن شهادت او محل اشکال است.

۴۴۶- در تشخیص مرگ اگر از گفته پزشک-با توجه به اسناد و مدارک- یقین به مرگ کسی پیدا شود و یا دو نفر پزشک عادل به مرگ شخص شهادت دهند، دفن او جایز است. و گرنه باید تا حصول یقین به مرگ، صبر کرد.

۴۴۷- گواهی پزشک واجد شرایط درباره جنایات و جراحات، در صورتی که مستند به حسّ باشد به عنوان یک شاهد معتبر است ولی آنچه از روی حدس و گمان پزشک باشد، برای اثبات دیه یا قصاص و ضمانت اعتبار ندارد.

۴۴۸- تشخیص پزشک برای اجرای حدود در اثبات گناهان جنسی مثل زنا یا لواط، کفایت نمی کند: و اثبات این جرایم فقط با شهادت شهود یا اقرار متهم-آن هم با رعایت شرایطی که در احکام حدود آمده است-و یا با علم و قطع صددرصد قاضی ثابت می شود.

۴۴۹- نظر پزشک با توجه به اسناد و مدارک در مورد علت بیماری، اگر موجب اطمینان قاضی شود، حجّت است.

۴۵۰- تجزیه خون جهت تشخیص فرزند و الحاق آن به پدر، از لحاظ شرعی حجّت ندارد.







از آنجا که در دین اسلام انسان به عنوان جانشین خداوند متعال ارزش ویژه ای دارد و جان و مال آدمی دارای احترام است و هیچ کس حق ندارد به دیگری آسیب وارد کند، بلکه حفظ انسان و اعضای او بر خود شخص و دیگران لازم است. پزشک و کادر درمانی و... که خود را عهده دار تأمین سلامت بیماران می دانند، باید توجه داشته باشند در هنگام معاینه، تجویز دارو، درمان و... مخصوصاً در مواردی که درمان با عمل جراحی و... انجام می گیرد - که احتمال آسیب های وارده بیشتر است - کمال دقت را بنمایند و اگر در هر یک از موارد، بدون آگاهی و تخصص لازم اقدام کنند و یا سهل انگاری نمایند و ضرری متوجه بیمار شود، مسئول خواهند بود و علاوه بر این که مرتکب گناه شده اند باید در پیشگاه خداوند متعال پاسخ بدهند و در مواردی نیز بر آنان واجب می شود نسبت به ضرری که به بیمار وارد شده است، خسارت مالی پرداخت کنند که از آن تعبیر به «ضمان» می شود.



در این فصل احکام مربوط به ضمانت در پزشکی به تفصیل آورده شده است.

## تعریف ضمان

۴۵۱- منظور از ضمان در اینجا مطلق تعهدها و غرامت های مالی می باشد که خواسته یا ناخواسته به عهده انسان می آید.

## احکام کلی ضمانت در پزشکی

۴۵۲- عوارض احتمالی در پزشکی چند صورت دارد: الف: گاهی عوارض احتمالی به خاطر کوتاهی در علم یا عمل یا هر دو است، در تمام این صورتهای پزشکی ضامن است. ب: گاهی عوارض احتمالی به خاطر کوتاهی در علم یا عمل نیست ولی پزشک شرط عدم ضمان نکرده است، در این صورت نیز پزشک ضامن است. ج: گاهی نیز عوارض احتمالی به خاطر کوتاهی در علم و عمل نیست و پزشک هم شرط عدم ضمان کرده است، در این صورت پزشک ضامن نیست.

۴۵۳- در ضمان و عدم ضمان فرقی بین عوارض جانی و مالی نیست.

۴۵۴- در اسناد و عدم اسناد عارضه به پزشک، به عرف و اهل خبره مراجعه می شود و نظر آنان معتبر است.

## ضمانت در آزمایشگاه

ص: ۱۷۴

۴۵۵- اگر آزمایشگاه اشتباهی را مرتکب شود و ضرری متوجه بیمار گردد، کسی که اشتباه کرده است ضامن خواهد بود.

۴۵۶- اگر پزشک معالج در فهم آزمایش اشتباه کند و موجب ضرر و آسیبی به بیمار گردد، مسئول است، مگر این که از اول شرط عدم ضمان کرده باشد.

### ضمانت پزشک در تشخیص

۴۵۷- اگر پزشک، بیماری را تشخیص ندهد و امکان ارجاع به پزشک متخصص هم نباشد، پزشک معالج تکلیفی نسبت به تجویز دارو ندارد، هر چند منجر به مرگ بیمار شود.

۴۵۸- اگر پزشک معالج بیماری را درست تشخیص ندهد و اقدام به معالجه کند و ضرری به بیمار برسد، ضامن است.

۴۵۹- اگر پزشک معالج بیماری را تشخیص ندهد، ولی احتمال تأثیر دارویی را بدهد و یقین داشته باشد که آن دارو ضرری ندارد و اقدام به معالجه کند، چنانچه آسیبی به بیمار برسد، پزشک ضامن است.

۴۶۰- اگر پزشک برای تشخیص بیماری، راه های پرهزینه و پرعارض، مانند سی تی اسکن را لازم دانسته و تجویز کند، در صورت آگاه کردن بیمار از عوارض احتمالی آن، مسئول نخواهد بود.

### ضمانت در تجویز دارو

۴۶۱- اگر پزشک اطمینان دارد که دارو و یا سایر اقدامات درمانی مضر، با همه مضراتش برای بیمار لازم است آن را تجویز کند، اگر با شرط براءت

و عدم ضمان اقدام کند، مسئول نیست.

۴۶۲- اگر پزشک بنابر اصرار بیمار به تجویز داروی مضر اقدام کند و یا اقدامات درمانی مضر دیگری را تجویز نماید، مسئول است.

۴۶۳- اگر پزشک-نه برای نجات جان بیمار-بلکه برای تسکین و مداوای بیماری های آزاردهنده مانند تب، خارش و... دارویی را تجویز نماید که گاهی عوارضی بدتر از بیماری اولیه ایجاد می کند، با رعایت اهم و مهم و توجه دادن بیمار به عواقب احتمالی مصرف دارو، در صورتی که شرط عدم ضمان کرده باشد، مسئول نیست.

۴۶۴- اگر پزشک بداند یا احتمال دهد که نجات جان بیمار وابسته به مصرف دارویی مضر و پرعارضه است، در صورتی که احتمال قوی و عقلایی-قابل قبول-به مفید بودن بدهد و آن را تجویز نماید، در صورتی که شرط عدم ضمان کند، مسئول نیست.

۴۶۵- اگر امکان تعیین حساسیت یک دارو وجود نداشته باشد، در صورتی که دارو برای بیمار ایجاد عارضه کند، در صورتی که پزشک قبل از تجویز دارو از بیمار براثت گرفته باشد، ضامن نیست.

۴۶۶- اگر پزشک دارویی را توصیف کند و بگوید: برای فلان بیماری مفید است. یا بگوید: دوی بیمار، فلان داروست؛ بدون این که دستور خوردن آن را بدهد، اقوی این است که ضامن نیست.

۴۶۷- اگر پزشک داروهایی را تجویز کند که نمی داند سبب بهبودی بیمار خواهد شد یا نه، یا دارویی را تجویز نماید که احتمال عقلایی قابل قبول برای مفید بودن آن دارد، اما این داروها دارای عوارض جانبی هستند، در صورتی که به بیمار اطلاع دهد، ضامن نخواهد بود.

۴۶۸- اگر کشفیات جدید پزشکی خیلی دیرتر از زمان کشف، به اطلاع پزشک برسد و قبل از اطلاع به همان روش های قبلی عمل کند، در صورتی که موجب عوارض یا هزینه های بیهوده برای بیمار گردد، ظاهراً در مورد هزینه های بیهوده پزشک ضامن نیست، اما در مورد عوارض ناشی از داور، در صورتی که شرط عدم ضمان نکرده باشد، مسئول است.

### **ضمانت در تجویز دارو بر اساس حدس یا فراموشی**

۴۶۹- اگر پزشک از روی حدس و گمان دارویی را تجویز کند که برای بیمار مضر است یا بر بیماری او تأثیر ندارد، مسئول آسیب های وارد شده بر بیمار است، مگر این که احتمال قوی و عقلایی بر مفید بودن دارو داده باشد.

۴۷۰- اگر پزشک از روی سهو یا فراموشی اقدام به تجویز دارویی نماید که مضر یا غیر مؤثر بر بیماری است، در صورتی که شرط عدم ضمان کرده باشد، مسئول نیست.

۴۷۱- اگر پزشک بیماری را تشخیص دهد، ولی دارو و درمان آن را فراموش نماید، حقّ معالجه ندارد و اگر اقدام کند و آسیبی به بیمار برسد، ضامن است.

### **ضمانت در درمان**

۴۷۲- اگر به خاطر پرهیز از تحمیل هزینه بر بیمار یا نبود امکانات لازم، آزمایش های لازم صورت نگیرد و بیمار دچار عارضه شود، در صورتی

که پزشک، صلاح بیمار را در معالجه بدون آزمایش می دانسته و شرط عدم ضمان هم کرده باشد، ضامن نیست.

۴۷۳- اگر پزشک به بیمار خود وعده مداوا دهد، ولی بیمار مداوا نشود، باید هزینه ویزیت را برگرداند، اما در صورتی که حق ویزیت در مقابل معاینه و نوشتن نسخه بوده، پزشک ضامن نیست.

۴۷۴- در مورد بیماری های غیر قابل علاج و کشنده، اگر پزشک مطمئن باشد یک روش درمانی مانند جراحی یا بیمار بهبودی می یابد و یا این که سبب مرگ زودرس او خواهد شد، در صورتی که امید به بهبودی دارد، می تواند اقدام به عمل کند و با شرط عدم ضمان، ضامن نیست.

### **ضمانت در درمان با روش پرعارضه**

۴۷۵- اگر پزشک بداند یا احتمال قوی بدهد که یک بیمار در اثر نوعی بیماری، مثل برخی سرطان ها، به زودی خواهد مرد و اگر شیمی درمانی شود عوارض آن شدیدتر از بیماری اولیه است، در صورتی که با معالجه، مقدار قابل توجهی، که عرفاً صدق ادامه حیات کند، بر عمر بیمار افزوده شود، لازم است پزشک اقدام به معالجه و تجویز دارو نماید و با شرط برائت، ضمان و مسئولیتی برای پزشک نیست.

۴۷۶- اگر پزشک معالج از نظر علم یا عمل کوتاهی کرده باشد و کاری را انجام داده که موجب نقص عضو یا ضرر دیگری به بیمار شده باشد، ضامن است، هر چند با اجازه بیمار اقدام به معالجه کرده باشد.

۴۷۷- اگر در اثر اقداماتی که برای حفظ جان بیمار لازم است، مانند حرکت و ماساژ دادن بیمار برای به هوش آوردن او و...، آسیبی به بیمار

برسد، در صورتی که افراط صدق نکند، پزشک ضامن نیست.

### ضمانت در درمان پس از عمل جراحی

۴۷۸- اگر پزشک جراح، پس از عمل جراحی، بعضی از لوازم خود را در داخل بدن بیمار جا بگذارد و ضایعات و خساراتی از قبیل عمل مجدد متوجه بیمار شود، به مقداری که صدق کند کوتاهی کرده است، ضامن است.

۴۷۹- اگر پزشک بر اثر عدم تشخیص، جراحی های متعدّد و غیر لازم را روی بیمار انجام دهد و مخارج زیادی را بر او تحمیل نماید، دیه جراحتهایی که بر بیمار وارد کرده است بر او واجب می شود.

### ضمانت در درمان، نسبت به خانم های باردار

۴۸۰- اگر پزشک از باردار بودن بیمار سؤال نکند و او هم متذکر نشود و پزشک به معالجه او بپردازد و عوارضی پیش آید، در صورتی که این عدم سؤال، کوتاهی و بی توجهی به حساب آید، پزشک مسئول است.

۴۸۱- هرگاه پزشک نداند یا فراموش کرده باشد که دارو یا روش تشخیص وی برای خانم های باردار یا شیرده مضرّ است، در صورتی که سبب عارضه در جنین یا مادر شود، اگر متوجه است که نمی داند، حقّ مداوا ندارد. اما اگر متوجه جهل خود نباشد یا فراموشی عارض وی شده باشد، با شرط عدم ضمان، مسئول نیست.

۴۸۲- افرادی که در اتاق عمل مشغول به کار هستند، در صورتی که در

وظایف خود کوتاهی نمایند و از این بابت آسیبی به بیمار برسد، ضامن خواهند بود.

۴۸۳- چنانچه مسئولین فنی بیمارستان، از قبیل مسئول برق و تأسیسات و مانند آن در کار خود کوتاهی نمایند و آسیبی به بیمار برسد، ضامن خواهند بود.

۴۸۴- اگر نیروهای خدماتی، از قبیل مسئول نقلیه و یا رانندگان وسایل نقلیه، در کار خود کوتاهی نمایند-مانند سهل انگاری و کوتاهی کردن در فرستادن آمبولانس برای آوردن بیمار- و از این ناحیه ضرر و آسیبی متوجه بیمار گردد در صورتی که ضرر مستند به این افراد باشد، ضامن خواهند بود.

### **ضمانت در فروش دارو**

۴۸۵- اگر استفاده از دارویی که پزشک تجویز کرده، عوارضی را متوجه بیمار کند، داروخانه ای که آن دارو را به بیمار فروخته ضامن نمی باشد.

۴۸۶- اگر مسلمانی که در معرض خطر است، به داروخانه مراجعه کند و متصدی داروخانه از روی تسامح، داروی مورد نیاز را به او ندهد و منجر به فوت یا عوارض دیگری شود، در صورتی که ضرر مستند به شخصی باشد که مسامحه کرده است آن شخص ضامن آسیب های وارده به بیمار خواهد بود، ولی اگر از روی تسامح نباشد، ضامن نیست.

۴۸۷- اگر فروشنده دارو، اشتبهاً داروی دیگری به بیمار بدهد که باعث تشدید بیماری یا مرگ او شود، ضامن است و باید بیمار را راضی کند و در صورتی که منجر به مرگ بیمار شود، لازم است دیه او را به اولیایش

پرداخت نماید.

۴۸۸- تحویل داروی مشابه توسط متصدی داروخانه بدون تجویز پزشک یا رضایت بیمار، اشکال دارد و اگر آسیبی به بیمار وارد شود، ضامن است.

۴۸۹- هرگاه داروی تجویز شده توسط پزشک از ترکیب چند دارو به دست آید، در صورتی که اشتباهی در ساخت داروی ترکیبی انجام پذیرد و در اثر استفاده از آن آسیبی به بیمار وارد شود، پزشک داروساز ضامن است.

### **مباشرت پزشک در تزریق و استعمال دارو**

۴۹۰- اگر پزشک با دست خود به بیمار دارو بدهد یا آمپول تزریق نماید و در اثر آن آسیبی به بیمار برسد، مسئول است، مگر این که شرط عدم ضمان کند و احتیاط لازم را به عمل آورد.

### **ضمانت در تزریقات**

۴۹۱- اگر تزریق کننده مهارت کافی در تزریق نداشته باشد و یا با داشتن مهارت، کوتاهی نماید و تزریق موجب صدمه به بیمار یا فوت او گردد، ضامن خواهد بود.

۴۹۲- اگر شخصی بدون داشتن مهارت لازم اقدام به تزریق نماید و این امر منجر به مرگ بیمار گردد، باید دیه او را بپردازد و جواز تعزیر هم بعید نیست.

ص: ۱۸۱



۴۹۳- اگر بیمار می دانسته شخص تزریق کننده مهارت کافی را در تزریق ندارد، ولی با این حال ابراء ذمه کند، در صورتی که تسامحی در کار نبوده، تزریق کننده ضامن نیست. اما اگر از عدم مهارت او اطلاع نداشته و به خیال این که وی در این زمینه تخصص دارد، ابراء نموده باشد، موجب رفع ضمان نمی شود.

### ضمانت در دندانپزشکی

۴۹۴- اگر پزشک اشتباهاً به جای دندان خراب، دندان سالم را بکشد، باید دیه آن را پردازد (۱).

### ضمانت ختنه کننده

۴۹۵- اگر ختنه کننده، بچه ای را ختنه کند و ضرری به او برسد یا بمیرد، در صورتی که بیشتر از حد معمول بریده باشد، به نحوی که بگویند: تعدی کرده، ضامن است.

۴۹۶- اگر ختنه کننده بیشتر از حد معمول بریده باشد و ضرری به بچه برسد، در صورتی که از ولی بچه برائت گرفته باشد، ضامن نیست.

### ضمانت در انتقال خون

۴۹۷- کسی که خون می گیرد، در صورتی که بیش از اندازه مجاز خون

ص: ۱۸۲

---

۱- (۱) - برای آگاهی بیشتر به فصل دندانپزشکی مراجعه شود.

بگیرد و ضرری متوجه دهنده خون شود، ضامن است. اما اگر تعدی نکرده و ضرر، مستند به خون گیرنده نباشد، ضامن نیست.

## اخذ برأت از بیمار

۴۹۸- اگر بیمار حاضر نشود شرط عدم ضمان را بپذیرد، دو صورت دارد: الف: جان بیمار در خطر نباشد و مراجعه به پزشک دیگر نیز ممکن باشد. در این صورت پزشک می تواند از معالجه خودداری کند و ضامن هم نیست. ب: جان بیمار در خطر باشد و مراجعه به پزشک دیگر نیز امکان نداشته باشد. در این صورت واجب است با احتیاط و دقت لازم معالجه کند و نسبت به عوارض احتمالی مسئولیتی ندارد، به ویژه اگر بدون قصد اجرت، معالجه کند.

۴۹۹- اگر موقعیتی پیش آید که تسریع در معالجه لازم باشد و شرط عدم ضمان یا اجازه از بیمار یا ولی او میسر نباشد، چنانچه پزشک با احتیاط لازم اقدام به معالجه نماید، ضامن نیست. ولی اگر در این حالت از معالجه خودداری نماید و صدمه ای به بیمار برسد، گناهکار محسوب می شود ولی ضامن نیست.

۵۰۰- هرگاه پزشک به بیمار یا ولی او بگوید: اگر در اثر درمان، ضرری متوجه بیمار شود، من مسئول نیستم. در صورتی که تخصص لازم را برای درمان داشته باشد، با دقت و احتیاط لازم هم انجام داده باشد، اما ضرری به بیمار برسد، پزشک ضامن نیست.

۵۰۱- اگر بیمار از روی ناچارى مجبور به امضای برائت نامه شود، تا وقتی که به حد اجبار و اکراه نرسیده باشد، پذیرفته می شود. ولی اگر به حد اجبار و اکراه برسد، امضایش اثر ندارد و از پزشک رفع مسئولیت نمی کند.

۵۰۲- اگر پزشک با فردی که می خواهد عضو خویش را به دیگری اهدا کند یا بفروشد، شرط عدم ضمان کند و هنگام قطع عضو برای پیوند بدون کوتاهی از ناحیه پزشک آسیب دیگری به شخص وارد شود و یا، آن فرد بمیرد، پزشک ضامن نیست.

۵۰۳- در هنگام گرفتن برائت از بیمار یا ولی او باید کاملاً در جریان امر قرار دهند به نحوی که با علم و اطلاع اقدام به این کار نماید و گرنه امضای بیمار یا ولی او بدون اطلاع کافی از مفاد برائت نامه، سلب مسئولیت از مؤسسه و کادر درمانی نمی کند و بیمار یا ولی او- در صورت آسیب- شرعاً حق پیگیری را دارند.





در بهداشت و درمان در موارد بسیاری، پزشک، پرستار و دیگر نیروهای پزشکی و همچنین بیماران، با مواردی سر و کار دارند که یا از نجاسات است یا شبهه نجس بودن آن وجود دارد و بی توجهی به این مسأله پیامدهای ناگواری در زندگی انسان بر جای می گذارد؛ از سوی دیگر حساسیت زیاد نسبت به آنها ممکن است موجب پیدایش وسواس شود که خود مرضی خطرناک است. اما رعایت احکام شرعی تنها راهی است که انسان را از گرفتار شدن به هر دو نوع پیامد حفظ می کند، ولی چون عمل به احکام شرعی نیازمند شناخت آنهاست، در این فصل احکام مربوط به طهارت و نجاست را که مورد نیاز پزشکان، نیروهای پزشکی و بیماران است، ذکر می کنیم.

## الکل

۵۰۴- الکل اگر از مایع مست کننده به دست آمده باشد، نجس است.

۵۰۵- الکل طبّی و صنعتی که برای مصارف پزشکی و رنگ کاری و... به

ص: ۱۸۷

کار می رود، در صورتی که انسان نداند از مایع مست کننده درست شده، پاک است.

## مواد ضد عفونی

۵۰۶- موادی که جهت ضد عفونی در تزریقات، پانسمان و... به کار می رود، اگر از مایع مست کننده و یا اشیای نجس تهیه نشده باشد پاک است.

## داروها

۵۰۷- داروهایی که از مواد نجس تهیه می شود، نجس است.

۵۰۸- داروهایی که از خارج وارد می شود، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد، پاک هستند.

## خون

۵۰۹- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده داشته باشد- حیوانی که اگر سرخرگ او را بپرند خون جستن می کند- نجس است.

۵۱۰- خونی که به وسیله دارو یا مواد شیمیایی، رنگ آن تغییر کند، نجس است.

۵۱۱- خون سفید در صورتی که علم به خون بودن آن حاصل شود، نجس است.

۵۱۲- بخاری که از خون و نجاسات دیگر متصاعد می شود، نجس

نیست.

### فرآورده های خونی

۵۱۳- فرآورده های خونی مانند سرم و پلاکت و پلاسما و غیره نجس است، مگر این که به واسطه استحاله شدن به آن خون نگویند که در آن صورت نیز اگر در همان ظرفی که خون ریخته شده به دست آید، به واسطه تماس با ظرف نجس، نجس می شود.

### منی

۵۱۴- منی انسان-چه مرد باشد و چه زن-و نیز منی هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است.

### ادرار و مدفوع

۵۱۵- ادرار و مدفوع انسان و هر حیوانی که حرام گوشت باشد و خون جهنده داشته باشد، نجس است ولی بخاری که از آنها متصاعد می شود، نجس نیست.

### نخ بخیه

۵۱۶- نخ بخیه ای که از اجزای حیوانات حرام گوشت به دست آمده است، اگر جزو بدن گردد یا از بین برود، برای شخصی که با آن بخیه شده است، اشکالی ندارد.

ص: ۱۸۹



## ابزار و آلات اتاق عمل

۵۱۷- ابزار و آلات جراحی اگر داخل بدن شوند و بدون نجاست بیرون آیند، پاک هستند، ولی اگر همراه با نجاست بیرون آیند، نجس هستند و با عمل استریل نیز پاک نمی شوند، بلکه باید با آب تطهیر گردند.

## وسایل آزمایشگاه

۵۱۸- وسایل آزمایشگاه، بدن، لباس و غیره که در اثر تماس با نجاساتی مانند خون، مدفوع، ادرار و منی نجس می شوند، با انجام عمل استریل و ضد عفونی نیز پاک نمی گردند.

۵۱۹- ظرفی که آب قلیل دارد اگر به واسطه خون، ادرار و... نجس بوده یا نجس شود، بخاری که بر اثر جوش آمدن از آن آب متصاعد می شود، پاک است.

## میّت

۵۲۰- بدن انسان مرده، قبل از این که او را غسل دهند، نجس است و بعد از غسل دادن پاک می شود.

۵۲۱- اگر چیزی که رطوبت دارد، با بدن میّت تماس پیدا کند- در صورتی که بدن سرد شده و غسل های میّت تمام نشده- لازم است تطهیر شود.

۵۲۲- اگر بدن انسان با بدن میّت- در صورتی که سرد شده و غسل های

آن تمام نشده باشد-تماس پیدا کند،لازم است غسل مسّ میت انجام دهد.

۵۲۳- اگر قبل از آن که میت را غسل دهند،قسمتی از بدنش که دارای استخوان نیست جدا شود،غسل قطعاً جدا شده واجب نیست،بلکه باید آن را در پارچه ای پیچیده و دفن کنند.

### مردار

۵۲۴- مردار حیوانی که خون جهنده دارد،نجس است،چه خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معین شده آن را کشته باشند.

### قطعه جدا شده از بدن

۵۲۵- اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد،در حالی که زنده است،گوشت یا جزء دیگری را که دارای روح است،جدا کنند،نجس است.

۵۲۶- اجزای ریزی که از بدن انسان جدا می شود،مانند زگیل و جوش ها و دانه های ریزی که روی پوست بدن می زند و همچنین پوست های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادن آن رسیده،اگر چه آنها را بکنند،پاک است ولی بنا بر احتیاط مستحب باید از پوستی که موقع افتادن آن نرسیده و آن را کنده اند،اجتناب شود.

۵۲۷- عضوی که به طور کامل قطع و جدا نشده باشد،تا زمانی که به بدن متصل است طاهر و پاک است،گرچه با پوست نازکی به بدن متصل باشد.

## اعضای پیوندی

۵۲۸- عضوی که از بدن میت قبل از غسل دادن جدا شود یا از بدن انسان زنده، یا از بدن کافر و یا حیوان جدا شود، نجس است ولی در صورتی که به واسطه پیوند زدن، عضو بدن فرد گیرنده شود، پاک می گردد.

## موی پیوندی

۵۲۹- موی مصنوعی که جهت ترمیم استفاده می شود، چنانچه از خارج وارد شود و جنس آن مشکوک باشد، یعنی ندانیم که از سگ و خوک است یا نه- محکوم به طهارت است.

## دهان و دندان

۵۳۰- اگر هنگام جرم گیری دندان یا پر کردن و کشیدن آن و یا هنگام جراحی لثه و امثال آن، دهان انسان خونی شود، بنا بر احتیاط مستحب باید دهان را آب کشید.

۵۳۱- دندان جدا شده از انسان زنده، اگر گوشت و خون همراه آن نباشد، پاک است و مس آن نیز سبب غسل نمی شود.

۵۳۲- اگر سازنده دندان مصنوعی، غیر مسلمان باشد، اشکال ندارد ولی ظاهر آن را باید تطهیر کرد، و اگر باطن آن نجس باشد، نماز را باطل نمی کند.

ص: ۱۹۲

۵۳۳- در صورت نجس شدن دندان مصنوعی ثابت یا متحرک، در صورتی که در داخل دهان باشد تطهیر آن لازم نیست.

۵۳۴- وسایلی که دندانپزشک و یا پزشکان دیگر هنگام معاینه و درمان، داخل دهان بیمار می کنند، در صورتی که نجس باشد یا هنگام درمان نجس شود و آن را دوباره داخل دهان ببرند، دهان را نجس نمی کند ولی بنا بر احتیاط مستحب باید دهان را آب کشید.

### **تماس بدن یا لباس با اشیای نجس**

۵۳۵- در صورتی که بدن یا لباس انسان با یکی از اشیای نجس برخورد کند و در یکی از آن دو رطوبتِ سرایت کننده باشد، بدن یا لباس نجس می شود و باید آن را تطهیر کرد.

### **خون آمدن دهان هنگام غذا خوردن**

۵۳۶- اگر شخص غذای پاک بخورد و هنگام خوردن از بین دندان هایش خون خارج شود، در صورتی که خون به غذا نرسد، غذا پاک است، هر چند آب دهان که با خون برخورد کرده به غذا برسد.

۵۳۷- خونی که از لای دندان ها بیرون می آید، نجس و خوردن آن حرام است. ولی اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد.

### **خوردن غذای نجس یا ضرردار**

ص: ۱۹۳

۵۳۸- خوردن غذای نجس حرام است و اگر شخص غذای نجس بخورد، باقی مانده غذا بین دندان هایش نجس است و با مضمضه کردن و گرداندن آب در دهان، غذای نجس پاک می شود.

۵۳۹- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است.

### اخلاط گلو و بینی

۵۴۰- اخلاطی که از بینی یا گلو می آید، قسمتی که خون دارد، نجس و بقیه پاک است و اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری که انسان یقین دارد قسمت نجس اخلاط به آن رسیده، نجس است و محلی را که شک دارد، پاک می باشد.

۵۴۱- فرو بردن آب بینی و خلط سینه که در دهان آمده حرام نیست.

ص: ۱۹۴





انسان موجودی است که برخوردار از نعمت عقل و اختیار است و به همین جهت از سوی خداوند مورد تکلیف قرار گرفته و عمل به آنها بر او لازم شده است و اگر نسبت به آنها اهمال یا کوتاهی کند، مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. ممکن است برخی بپندارند که در بعضی شرایط مانند دوران بیماری، انسان هیچ تکلیفی ندارد و انجام تکالیف شرعی از او ساقط شده است، ولی باید توجه داشت که انسان در هیچ شرایطی، یله و رها و بدون تکلیف نیست. لیکن از آنجا که دین اسلام، شریعت سمحه و سهله است، خداوند متعال احکام آن را طوری قرار داده که در شرایط مختلف تغییر می کند و هماهنگ با شرایط جدید، عمل به آنها آسان می گردد، به نحوی که انسان احساس سختی و فشار از آن ناحیه نکند. در این فصل کلیه احکام شرعی مربوط به بیماران، جمع آوری شده و در اختیار مؤمنان و متدینان قرار می گیرد. البته باید توجه داشت که عمل به احکام شرعی در دوران بیماری ممکن است سختی هایی را به دنبال داشته باشد، ولی از اجر و پاداش



بیشتری برخوردار خواهد بود، زیرا که فرموده اند: «بهترین اعمال آنهایی هستند که با زحمت بیشتری همراه باشند.»

## طهارت و نجاست

### اشاره

۵۴۲- مایع ضد عفونی کننده ای که هنگام تزریق مصرف می شود، اگر چه حاوی الكل باشد، پاک است اما اگر از الكل مست کننده استفاده شده باشد و یا اینکه محل تزریق آلوده به خون شود باید جای آن را آب کشید.

۵۴۳- زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک می باشد.

۵۴۴- خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیر ناخن یا پوست می میرد، اگر طوری باشد که دیگر به آن خون نگویند پاک است و اگر به آن خون بگویند در صورتی که ناخن یا پوست سوراخ شود، اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود، بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تر بکشند و تیمم هم بکنند.

۵۴۵- اگر انسان نداند که خون زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت در آمده، پاک است.

۵۴۶- خونی که از لای دندان ها می آید، نجس است و خوردن آن حرام می باشد، ولی اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد.

۵۴۷- کسی که یک دست ندارد و نمی تواند به طور معمول خود را تطهیر کند برای تطهیر محل مدفوع می تواند به واسطه آب جاری یا آب گُر که از شلنگ می آید یا سنگ و یا کلوخ یا کهنه خود را پاک نماید.

۵۴۸- مخرج ادرار بعد از برطرف شدن عین نجاست با یک مرتبه شستن پاک می شود، ولی کسانی که ادرار آنان از غیر مجرای طبیعی می آید، احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند.

## وضو

## اشاره

۵۴۹- اگر در صورت یا دست ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب گُر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون آن بند آید و بعد وضوی ارتماسی بگیرد.

۵۵۰- کسی که نمی تواند وضو بگیرد باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه نایب اجرت بخواند، در صورتی که بتواند، باید بدهد، ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید و اگر نمی تواند باید نایبش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد و اگر این هم ممکن نیست باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح نمایند.

۵۵۱- کسی که باید نایب بگیرد، هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

۵۵۲- کسی که می ترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند، تشنه بماند، نباید وضو بگیرد. بلکه اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد ضرر داشته، احتیاط واجب آن است که تیمم کند و با آن وضو، نماز نخواند و اگر با آن وضو نماز به جای آورده است دوباره آن را انجام دهد.

۵۵۳- اگر رساندن آب به صورت و دست ها، به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است، ضرر نداشته باشد و بیشتر از آن ضرر داشته باشد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.

۵۵۴- اگر در صورت و دست ها و جلوی سر و روی پاها به واسطه سوختن یا چیز دیگر، تاول ایجاد شود، شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه تاول سوراخ شود، رساندن آب به زیر پوست لازم نیست، بلکه اگر پوست یا یک قسمت آن کنده شود، لازم نیست آب را به زیر آن قسمتی که کنده نشده برساند. ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی به بدن می چسبد و گاهی بلند می شود، باید آن را از بدن جدا کند یا آب را به زیر آن برساند.

## وضوی و سواسی

۵۵۵- مقصود از «وسواسی» کسی است که کارهای او از حد متعارف خارج شود و باید از آن اجتناب نماید.

۵۵۶- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن و غصبی

نبودن آن خیلی شک کند، نباید به شک خود اعتنا نماید.

## وضوی مسلوس و مبطنون

۵۵۷- اگر انسان مرضی دارد که ادرار او قطره قطره می ریزد یا نمی تواند از بیرون آمدن مدفوع جلوگیری کند، اگر یقین دارد که از اول تا آخر نماز، به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن، مهلت پیدا می کند باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می کند بخواند و اگر وقت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد، فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک کند.

۵۵۸- اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند و در بین نماز چند دفعه ادرار از او خارج می شود، اگر برای او حرجی نیست یعنی سختی که معمولاً تحمل نمی شود در آن نباشد باید ظرف آب را کنار خود بگذارد و هر وقت ادرار از او خارج شد بنا بر احتیاط واجب وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند.

۵۵۹- کسی که مدفوع او به طوری پی در پی خارج می شود، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید بعد از هر دفعه وضوی خود را تکرار کند تا وقتی که برای او حرجی باشد.

۵۶۰- کسی که پی در پی ادرار از او خارج می شود، اگر در بین دو نماز قطره بولی از او خارج نشود، می تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند و

قطره هایی که بین نماز خارج می شود، اشکال ندارد گرچه سزاوار است احتیاط مراعات شود.

۵۶۱- کسی که پی درپی از او ادرار یا مدفوع خارج می شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

۵۶۲- اگر مرضی دارد که نمی تواند از بیرون آمدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کنند، عمل نماید.

۵۶۳- کسی که مدفوع پی درپی از او خارج می شود، باید برای هر نماز وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شود، امّا برای بجا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد، در صورتی که آنها را فوراً بعد از نماز به جا آورد، وضو گرفتن لازم نیست.

۵۶۴- کسی که ادرار او قطره قطره می ریزد باید برای نماز به وسیله کیسه ای که در آن پنبه یا چیز دیگری است و از رسیدن ادرار به جاهای دیگر بدن جلوگیری می کند، خود را حفظ نماید و احتیاط واجب آنست که پیش از هر نماز مخرج ادرار را که نجس شده آب بکشد.

۵۶۵- کسی که نمی تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند، چنانچه ممکن است باید به مقدار نماز از رسیدن مدفوع به جاهای دیگر جلوگیری کند و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد برای هر نماز مخرج مدفوع را آب بکشد.

### **جلوگیری از خروج ادرار و مدفوع**

۵۶۶- کسی که نمی تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع خودداری کند

در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد باید به مقدار نماز از خارج شدن ادرار و مدفوع جلوگیری کند اگر چه هزینه داشته باشد، بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، احتیاط واجب آن است که خود را معالجه نماید.

۵۶۷- کسی که نمی تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، بعد از آن که مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود، باید نمازی را که در آن وقت خوانده است، دوباره بخواند.

### **خون ریزی از دهان یا بینی هنگام وضو**

۵۶۸- خون آمدن از بینی یا دهان، در موقع وضو موجب بطلان وضو نمی شود.

### **مبتلایان به سینوزیت**

۵۶۹- کسی که مبتلا به سینوزیت است اگر وضو با آب گرم برای او ضرری ندارد و تهیه آن ممکن است باید با آب گرم وضو بگیرد، در غیر این صورت تیمم کند و هرچند مدت طول بکشد اشکالی ندارد و جای نگرانی نیست.

### **قطع نخاعی**

ص: ۲۰۳

۵۷۰- کسانی که قطع نخاع شده و قدرت نگهداری ادرار یا مدفوع را ندارند می توانند در نماز جمعه شرکت نمایند ولی باید توجه داشته باشند که بر آنان واجب است که بعد از گرفتن وضو بلافاصله شروع به خواندن نماز نمایند، بنا بر این وضویی که قبل از خطبه های نماز جمعه گرفته اند در صورتی برای خواندن نماز جمعه کافی است که بعد از وضو، حدثی از آنان سر نزنند و همچنین برای نماز عصر باید مجدداً وضو بگیرند مگر این که بعد از وضوی قبلی از آنان حدثی سر نزده باشد.

### وضو و غسل با لنز

۵۷۱- عینک نامرئی و لنزهایی زیبایی-وسیله ای که بر روی عنبیه قرار می گیرد- اگر در داخل چشم قرار گیرد، مانع از صحت وضو و غسل نیست.

### وضو با دست فلج یا قطع شده

۵۷۲- اگر دست های شخصی از آرنج قطع شده و هیچ باقی نمانده باشد، شستن دست ها در وضو و مسح آنها در تیمم ساقط است و باید بقیه اعمال وضو یا تیمم را- گرچه به وسیله گرفتن نایب- به جا آورد.

۵۷۳- کسی که دستش از مچ قطع شده باید با همان مقدار باقیمانده از دست وضو بگیرد و اگر وضوی ترتیبی مشکل است، با گرفتن دست زیر شیر آب یا فرو بردن آن در داخل حوض یا ظرف آب، وضوی ارتماسی

بگیرد.

۵۷۴- به طور کلی در شستن دست ها و مسح پاها هر مقداری که باقی است باید شسته یا مسح شود و هر مقدار که قطع شده، تکلیف ساقط است.

بنابراین کسی که پایش مصنوعی است مسح آن لازم نیست.

### وضوی کسانی که دست های ناتوان دارند

۵۷۵- کسی که دستانش سست است، به نحوی که نمی تواند هنگام وضو گرفتن از آنها کمک بگیرد، چون ریختن آب با دست لازم نیست، به هر طور که بتواند آب را به مواضعی که باید شسته شود برساند کافی است گرچه دست را زیر شیر آب بگیرد.

۵۷۶- کسی که به دلیل شکستگی، فلج یا به هر علت دیگری نتواند خم شود و از کشیدن مسح عاجز باشد برای مسح نایب بگیرد و باید خودش نیت کند و نیت کردن نایب لازم نیست اگر چه بهتر است. البته احتیاط در این است که تیمم هم نکند.

۵۷۷- کسی که به دستش آنژیوکت بسته شده، اگر به دو دستش بسته است و نمی تواند خودش وضو بگیرد، باید نایب بگیرد تا او را وضو دهد و اگر وظیفه اش غسل یا تیمم است، او را غسل یا تیمم دهد. (۱)

### وضوی جبیره

#### اشاره

۵۷۸- «جبیره» چیزی را می گویند که با آن زخم را پنهان کنند یا

ص: ۲۰۵

---

۱- (۱) - توجه به این نکته لازم است، چون پاک بودن اعضاء وضو لازم است در صورتی که تطهیر آنها برای بیمار مشقت داشته باشد وظیفه اش تیمم است.



شکستگی را ببندند و همچنین دارویی که روی زخم و مانند آن می گذارند و همینطور پارچه و چسبی که به طور موقت برای جلوگیری از رسیدن آب به زخم روی آن می بندند. بنابراین وضو یا غسل یا تیممی که روی یکی از این ها انجام گیرد، وضو، غسل یا تیمم جیره ای نامیده می شود.

۵۷۹- زخم یا شکستگی در اعضای وضو ممکن است به یکی از صورت های زیر باشد: الف: اگر روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد، در این صورت باید به طور معمول وضو گرفت. ب: اگر زخم، دمل یا شکستگی در صورت و دست ها باشد و روی آن باز باشد ولی ریختن آب بر روی آن ضرر داشته باشد. در صورتی که اطراف زخم را بشوید کافی است. ولی اگر کشیدن دست تر بر زخم ضرر ندارد، بهتر است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکتی روی آن بگذارد و دست تر را بر روی پارچه هم بکشد. ج: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در یکی از مواضع یادشده باشد و کشیدن دست تر بر آن هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی توان آن را آب کشید، یا بر روی آن دست تر کشید، باید اطراف زخم را از بالا به پایین - همچنان که در وضو شرط است - بشوید و بنا بر احتیاط مستحب پارچه پاکتی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد. و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست، شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمم لازم نیست. د: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در مواضع مسح - جلوی سر یا روی

پاها- باشد و روی آن باز باشد، اگر نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با رطوبت آب وضو که در دست مانده مسح کند و بنا بر احتیاط مستحب، تیمم هم بنماید. و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد.

### زخم بسته و چگونگی وضو

۵۸۰- اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی، بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد. چه زخم و مانند آن در صورت و دست ها باشد یا جلوی سر و روی پاها.

۵۸۱- اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست ها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب بر آن ضرر دارد ولی کشیدن دست تر ضرر ندارد، واجب است دست تر روی آن بکشد.

۵۸۲- زخمی که نمی شود روی آن را باز کرد ممکن است به یکی از صورت های زیر باشد: الف: اگر زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رساندن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد، در این صورت باید آب را به زخم برساند. ب: اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن زخم و رساندن آب بر روی آن بدون زحمت و مشقت ممکن است، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند.

ج: اگر آب برای زخم ضرر دارد، یا رساندن آب به آن ممکن نباشد یا زخم نجس است و نمی شود آن را آب کشید باید اطراف زخم را بشوید و اگر جیره پاک است، روی آن مسح کند. در فرض سوم، اگر جیره نجس است یا نمی شود روی آن دست تر کشیده، مثلاً دارویی است که به دست می چسبد، پارچه پاک را روی آن بگذارد به طوری که جزو جیره حساب شود و دست تر روی آن بکشد. در فرض چهارم اگر گذاشتن پارچه پاک بر روی جیره هم ممکن نباشد، احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

### **جیره تمام عضو یا اکثر اعضای وضو**

۵۸۳- اگر جیره تمام صورت یا تمام یکی از دست ها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جیره ای بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

۵۸۴- اگر جیره تمام یا بیشتر اعضای وضو را بگیرد، باید تیمم نماید.

### **مسح با دستی که جیره دارد**

۵۸۵- کسی که در کف دست و انگشت ها جیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، می تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

۵۸۶- اگر جیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی را که باز است

روی پا و جاهایی را که جیره است روی جیره را مسح کند.

۵۸۷- اگر در صورت یا دست ها چند جیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جیره ها در سر یا روی پاها باشد، بین آنها را مسح کند و جاهایی را که جیره است باید به دستور جیره عمل کند.

### **جیره بیش از حد معمول**

۵۸۸- اگر جیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جیره عمل کند. و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جیره ممکن است باید جیره را بردارد. پس اگر زخم در صورت و دست هاست اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاهاست اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جیره عمل نماید.

۵۸۹- اگر در جای وضو، زخم، جراحت و شکستگی نیست ولی به جهت دیگری آب برای تمام دست و صورت ضرر دارد باید تیمم کند و احتیاط آن است که وضوی جیره ای هم بگیرد ولی اگر برای قسمتی از دست و صورت ضرر دارد چنانچه اطراف آن و بقیه قسمت ها را بشوید کافی بودن بعید نیست ولی احتیاط به تیمم ترک نشود.

### **چسبیدن چیزی بر محل وضو**

۵۹۰- اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی شود تحمل کرد، باید به دستور جیره عمل کند.

۵۹۱- کسی که نمی داند وظیفه اش تیمم است یا وضوی جبیره ای، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد.

### نماز با وضوی جبیره ای

۵۹۲- نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره ای خوانده صحیح است و بعد از آن که عذرش برطرف شد، تا آن وضو باطل نشده است، برای نمازهای بعد هم می تواند با همان وضو نماز بخواند ولی اگر برای آن که نمی دانسته تکلیفش جبیره است یا تیمم، هر دو را انجام داده باشد، باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

### غسل جبیره ای

#### اشاره

۵۹۳- غسل جبیره ای مانند وضوی جبیره ای است ولی باید آن را به صورت ترتیبی انجام داد و اگر ارتماسی انجام دهد باطل است.

### جبیره به سبب بیماری چشم

۵۹۴- اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست، موی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جبیره ای انجام دهد و احتیاط آن است که تیمم هم بنماید.

۵۹۵- کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نماید.

۵۹۶- کسی که احتیاطاً باید غسل جبیره ای و تیمم نماید، مثلاً جراحی

در بدن اوست، اگر بعد از غسل و تیمم نماز بخواند و پس از نماز حدث اصغری از او سرزند، مثلاً ادرار کند، برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.

### **نماز اول وقت با وضو یا غسل جبیره ای**

۵۹۷- کسی که باید با وضو یا غسل جبیره ای نماز بخواند، چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف نمی شود، می تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود، احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر عذر او برطرف نشد، در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره ای به جا آورد.

### **ضرر داشتن آب برای وضو و غسل**

۵۹۸- اگر انسان از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که به واسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد یا شدت پیدا کند، یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید. ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

۵۹۹- لازم نیست انسان یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد و از آن احتمال برای او ترس پیدا شود، باید تیمم کند.

۶۰۰- اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر، تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از نماز بفهمد نمازش

صحیح است.

۶۰۱- کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است.

## تیمم

### تیمم جیره ای

۶۰۲- کسی که وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او، زخم، دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جیره ای، تیمم جیره ای بنماید.

۶۰۳- اگر پیشانی یا پشت دست ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته است نمی تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته است نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست ها بکشد.

### تیمم نیابتی

۶۰۴- کسی که وظیفه او تیمم است و نمی تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد و کسی که نایب می شود باید او را با دست خود او تیمم دهد و اگر ممکن نباشد، باید نایب دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست های او بکشد.

۶۰۵- کیفیت تیمم کسی که دو دست او قطع شده به یکی از صورت های

ص: ۲۱۲

ذیل می باشد: الف: اگر هر دو دست او تا آرنج قطع شده باشد برای تیمم جبهه - پیشانی - را بر زمین مسح نماید و احوط در صورت امکان آن است که دیگری را هم نایب بگیرد تا با دو دست خود پس از زدن بر زمین، جبهه او را مسح نماید. ب: اگر دست ها تا مچ قطع شده و ذراعین - دو ذراع - یا مقداری از آن باقی مانده، حکم او در مورد تیمم، حکم سایر مکلفین است و با ذراعین مسح جبهه را در تیمم انجام می دهد و باید با ذراع چپ پشت ذراع راست و با ذراع راست پشت ذراع چپ را مسح نماید. ج: کسی که یک دستش از بالاتر از آرنج قطع شده و دست دیگرش یا سالم است یا کمتر از آرنج قطع شده، دست سالم را بر زمین بزند و پیشانی را مسح کند و سپس پشت دست سالم را بر زمین بزند.

### نماز با تیمم

۶۰۶- کسی که وظیفه اش تیمم است، اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می ماند، در وسعت وقت می تواند با تیمم نماز بخواند، و همچنین است اگر امید دارد که عذر او برطرف شود. ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف می شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل، نماز بخواند یا در تنگی وقت با تیمم نماز را به جا آورد.

۶۰۷- کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، می تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند، هر چند احتمال بدهد که به زودی عذر او برطرف می شود.



۶۰۸- کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را که مثل نافله های شبانه روز وقت معین دارد-حتی در اول وقت- با تیمم بخواند.

۶۰۹- کسی که وظیفه اش تیمم است بنا بر احتیاط واجب نباید پیش از وقت نماز برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کارهای واجب دیگر یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می تواند با همان تیمم نماز بخواند.

### **باطل شدن تیمم**

۶۱۰- چیزهایی که وضو را باطل می کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهایی که غسل را باطل می نماید، تیمم بدل از غسل را هم باطل می کند و اگر عذری که مجوز تیمم بود از بین برود، تیمم هم باطل می شود.

### **چند تیمم بدل از چند غسل**

۶۱۱- کسی که نمی تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، احتیاط واجب آن است که بدل از هر یک از آنها یک تیمم نماید.

### **تیمم بدل از غسل و وضو**

۶۱۲- کسی که نمی تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است، انجام دهد، باید بدل از غسل تیمم نماید و اگر نتواند

وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو، تیمم نماید.

۶۱۳- اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد ولی اگر بدل از غسل های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

### **باطل نشدن تیمم بدل از غسل**

۶۱۴- اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد باید بدل از وضو تیمم نماید.

### **غسل**

### **جنابت بیمار**

۶۱۵- معمولاً منی با شهوت و جستن از مرد خارج می شود و بعد از خارج شدن آن، بدن سست می شود و اگر هیچ یک از این سه نشانه را نداشته باشد، حکم منی را ندارد. اما در مریض لازم نیست منی با جستن بیرون آمده باشد یا بدن او سست شود، بلکه تنها اگر با شهوت بیرون بیاید در حکم منی است.

### **اشتباه خون حیض به دمل**

۶۱۶- اگر زن خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد

و نداند که خون حیض است یا دمل، باید خود را واریسی کند. بدین صورت که پنبه یا چیز دیگری را داخل کند و بیرون آورد، اگر خون از طرف چپ بیرون آید، خون حیض است و اگر از طرف راست بیرون آید، خون دمل است. ولی اگر واریسی ممکن نباشد باید بر اساس سابقه خون عمل کند، یعنی اگر می داند خون سابق، حیض بوده باید آن را هم حیض قرار دهد و اگر دمل بوده آن را هم خون دمل قرار دهد و در صورتی که سابقه آن را هم نمی داند، باید همه چیزهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و همه عبادت هایی را که زن غیر حائض انجام می دهد، به جا آورد.

## نفاس

۶۱۷- از وقتی که اولین جزء بچه از رحم مادر بیرون می آید، هر خونی که زن می بیند، اگر قبل از ده روز یا دقیقاً در انتهای ده روز قطع شود، خون نفاس است و زن را در حال نفاس، «نفساء» می گویند.

۶۱۸- خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می بیند، نفاس نیست.

۶۱۹- لازم نیست خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می ماند، انسان می شد، خونی که تا ده روز بیند خون نفاس است.

۶۲۰- هرگاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می ماند، انسان می شد یا نه، لازم نیست واریسی کند و خونی که از او خارج می شود، شرعاً خون نفاس نیست.

۶۲۱- ممکن است خون نفاس یک لحظه بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی شود.

۶۲۲- توقف در مسجد و رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و رساندن جائی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفاس هم حرام است و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفاس هم واجب و مستحب و مکروه می باشد.

۶۲۳- طلاق دادن زنی که در حال نفاس می باشد باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند، احتیاط مستحب آن است به دستوری که در احکام حیض گفته شده، کفاره بدهد.

## نماز

### وقت نماز

۶۲۴- فردی که نابیناست، بنا بر احتیاط تا یقین به داخل شدن وقت نماز نکند، نباید مشغول نماز شود.

### کیفیت نماز بیمار از نظر قبله

#### (۱)

ص: ۲۱۷

---

۱- (۱) - مناسب است مسئولین بیمارستان ها و آسایشگاه ها و سازندگان این نوع ساختمان ها، ترتیبی اتخاذ کنند که تخت بیماران و سالمندان رو به قبله باشد.

۶۲۵- کسی که باید نشسته نماز بخواند، و در موقع نشستن، کف پاها را بر زمین می گذارد، باید در هنگام نماز صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد و لازم نیست ساق پای او رو به قبله باشد.

۶۲۶- کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهروی راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر قادر بر این نباشد، باید به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

## احکام بدن و لباس نمازگزار

### اشاره

۶۲۷- لباس نمازگزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

۶۲۸- اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است، و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند.

۶۲۹- اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

## صحت نماز با بدن و لباس نجس

۶۳۰- در سه صورت، اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

ص: ۲۱۸

الف: آن که به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن اوست، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد؛ ب: آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم (۱) به خون آلوده باشد؛ ج: آن که ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

۶۳۱- در دو صورت اگر فقط لباس نماز گزار نجس باشد، نماز او صحیح است: الف: آن که لباس های کوچک او مانند جوراب یا عرقچین نجس باشد؛ ب: آن که لباس زنی که پرستار بچه است، نجس شده باشد.

### نماز با لباس خون آلود

۶۳۲- اگر از دهان و بینی و مانند اینها، خونی به بدن یا لباس برسد، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

۶۳۳- اگر در بدن یا لباس نماز گزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای شخص او، سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می تواند با آن خون نماز بخواند، و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوائی که روی زخم گذاشته اند نجس شده، در بدن یا لباس او باشد.

۶۳۴- اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می شود و شستن آن

ص: ۲۱۹

---

۱- (۱) - درهم: تقریباً به اندازه یک اشرفی است که مساحت آن به اندازه دوریالی یا سر انگشت می باشد.

آسان است، در بدن یا لباس نماز گزار باشد، نماز او باطل است.

۶۳۵- اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد، به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

۶۳۶- کسی که بدنش زخم است، اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند که خون زخم است یا خون دیگر، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

۶۳۷- با خون بواسیر می شود نماز خواند، اگر چه دانه هایش در داخل باشد.

### **خوب شدن بعضی از زخم های بدن**

۶۳۸- اگر چند زخم در بدن باشد و طوری به هم نزدیک باشند که یک زخم حساب شوند، تا وقتی همه زخم ها خوب نشده اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم به حساب آیند، هر کدام از آنها که خوب شد، باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

### **حکم خون کمتر از یک درهم**

۶۳۹- اگر خون بدن یا لباس، کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است، بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال

دارد. ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود و از بین برود نماز صحیح است. ولی در غیر این صورت، بنا بر احتیاط واجب، نماز باطل است.

۶۴۰- اگر خونی که در بدن یا لباس است، کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد، مثلاً یک قطره بول روی آن بریزد، نماز خواندن با آن جایز نیست.

۶۴۱- اگر بدن یا لباس، خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون، نجس شود، اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی شود با آن نماز خواند.

## اذان

۶۴۲- کسی که نمی تواند بیشتر از انجام واجبات نماز از بیرون آمدن ادرار و مدفوع، خودداری کند، نباید اذان و اقامه و بقیه مستحبات قبل از نماز را بگوید و در نماز فقط به انجام واجبات اکتفاء کند.

## تکبیره الاحرام

۶۴۳- کسی که لال است یا به واسطه لکنت زبان، نمی تواند «الله اکبر» را درست بگوید، باید هر طور که می تواند بگوید و اگر به هیچ وجه قادر بر گفتن آن نیست، باید در قلب خود بگذراند و برای تکبیر، اشاره کند و زبانش را هم اگر می تواند حرکت دهد.

## طهارت مکان

ص: ۲۲۱



۶۴۴- مکان نمازگزار اگر نجس است، نباید به آن اندازه تر باشد، که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد، ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد، اگر نجس باشد، حتی در صورت خشک بودن آن، نماز باطل است و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

## کیفیت نماز بیمار

### نشستن در نماز

۶۴۵- اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود، باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد، ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی نخواند.

۶۴۶- تا انسان می تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند، مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می کند، باید به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را کج کند- یا خم شود یا پاها را بیشتر از معمول گشاد بگذارد- و به هر نحو که می تواند، ایستاده نماز بخواند. ولی اگر به هیچ قسم، حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

۶۴۷- تا انسان می تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند، باید هر طور که می تواند بنشیند و اگر به هیچ قسم نمی تواند بنشیند، باید به طوری که در احکام قبله گفته شد، به پهلوئی راست بخوابد و اگر نمی تواند، به پهلوئی چپ و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد، به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

۶۴۸- کسی که نشسته نماز می خواند، اگر در بین نماز بتواند بایستد باید مقداری را که می تواند، ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید

چیزی نخواند و اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده به جا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.

۶۴۹- کسی که خوابیده نماز می خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند، باید مقداری را که می تواند، نشسته بخواند. و نیز اگر می تواند بایستد، باید مقداری را که می تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته نباید چیزی بخواند.

۶۵۰- کسی که می تواند بایستد، اگر بترسد که به واسطه ایستادن، مریض شود یا ضرری به او برسد، می تواند نشسته نماز بخواند و اگر از نشستن هم بترسد، می تواند خوابیده نماز بخواند.

### **تأخیر برای ایستاده خواندن نماز**

۶۵۱- اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، می تواند اول وقت نماز بخواند، اگر چه احتیاط آن است که نماز را تأخیر بیندازد.

### **رکوع در نماز نشسته**

۶۵۲- کسی که نشسته رکوع می کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهایش برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد.

۶۵۳- اگر نتواند به مقدار ذکر رکوع بماند، در صورتی که بتواند پیش از

آن که از حد رکوع بیرون رود، ذکر را بگوید، باید در آن حال تمام کند و اگر نتواند در حال برخاستن ذکر را به قصد رجاء بگوید.

### آرامش بدن در حال رکوع

۶۵۴- اگر به واسطه بیماری و مانند آن بدن در رکوع آرام نگیرد، نماز صحیح است ولی باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب، یعنی «سبحان ربی العظیم و بحمده» یا سه مرتبه «سبحان الله» را بگوید.

### ناتوانی از رکوع

۶۵۵- هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به هر اندازه می تواند، خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود، باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید.

۶۵۶- کسی که می تواند ایستاده نماز بخواند، اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع، با سر اشاره کند و اگر نتواند اشاره کند، باید به نیت رکوع چشم ها را هم بگذارد و ذکر رکوع را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع، چشم ها را باز کند و اگر از این هم عاجز است، باید در قلب، نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

۶۵۷- کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع، فقط

می تواند در حالی که نشسته است، کمی خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می تواند، برای رکوع خم شود.

### **ناتوانی از سجده کامل**

۶۵۸- در سجده باید کف دست را بر زمین بگذارد ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد، و اگر پشت دست ممکن نباشد، باید مچ دست را بگذارد، و چنانچه آن را هم نتواند، باید تا آرنج، هر جا را که می تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست، گذاشتن بازو کافی است.

۶۵۹- کسی که مقداری از شست پایش بریده، باید بقیه آن را بر زمین بگذارد و اگر چیزی از آن نمانده، یا اگر مانده خیلی کوتاه است، باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشت ندارد، باید هر مقداری که از پا باقی مانده بر زمین بگذارد.

### **سجده کسی که در پیشانی، دمل دارد**

۶۶۰- اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد، چنانچه ممکن است، باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد، بر زمین بگذارد.

۶۶۱- اگر دمل یا زخم، تمام پیشانی را گرفته باشد، باید به یکی از دو

طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست، به چانه و اگر چانه هم ممکن نیست باید به هر جای از صورت که ممکن است سجده کند و اگر هیچ جای از صورت نیز ممکن نباشد، باید با جلوی سر سجده نماید.

۶۶۲- کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می تواند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، و نیز باید کف دست ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد.

### **فاتوانی از سجده**

۶۶۳- کسی که به هیچ وجه نمی تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند باید با چشم ها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که اگر می تواند به قدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن بگذارد و اگر نمی تواند، احتیاط مستحب آن است که مهر را بلند کند و به پیشانی بگذارد و اگر با سر یا چشم ها نمی تواند اشاره کند، باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

۶۶۴- کسی که نمی تواند بنشیند، باید ایستاده نیت سجده کند و چنانچه می تواند، برای سجده با سر اشاره کند و اگر نمی تواند، با چشم ها اشاره نماید و اگر این را هم نمی تواند، در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

### **رعشه در سجده**

ص: ۲۲۶

۶۶۵- اگر- به خاطر بیماری رعشه و مانند آن- پیشانی، بی اختیار و به طور مکرر از جای سجده بلند شود، چنانکه ممکن باشد، باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد و این را یک سجده حساب کند، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه. و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار- مکرراً- به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.

### سرفه، آروغ و آه در نماز

۶۶۶- سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است، اگر عمدی باشد، نماز را باطل می کند.

### شرایط امام جماعت

۶۶۷- اگر کسی مرضی دارد که نمی تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، بنا بر احتیاط واجب نمی شود به او اقتدا کرد.

۶۶۸- بنا بر احتیاط واجب کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، نباید امام جماعت بشود.

۶۶۹- اگر کسی به خاطر عذری با تیمم یا با وضوی جیره ای نماز بخواند، می شود به او اقتدا کرد، اما اگر به جهت عذری با لباس نجس نماز می خواند، بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.

ص: ۲۲۷

## احکام روزه بیماران

### بی هوشی پس از نیت روزه

۶۷۰- اگر پیش از اذان صبح نیت روزه کند و بی هوش شود و در بین روز به هوش آید، بنا بر احتیاط واجب باید روزه را تمام نماید و اگر تمام نکرد فضای آن را به جا آورد.

### خوب شدن بیمار قبل از ظهر

۶۷۱- اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

### استعمال آمپول برای روزه دار

۶۷۲- احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود، خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به جای دوا استعمال می شود و همچنین آمپول تقویتی، اشکال ندارد.

### فرو بردن اخلاط برای روزه دار

۶۷۳- فرو بردن اخلاط سر و سینه و عفونت گلو تا به فضای دهان نرسیده

اشکال ندارد، ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که فرو نبرد.

### **اماله کردن و استفاده از شیاف**

۶۷۴- اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد روزه را باطل می کند، ولی استفاده از شیاف هایی که برای معالجه است، اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که از استعمال شیاف هایی که برای کسب لذت است-مثل شیاف تریاک- یا برای تغذیه از این مجراست، خودداری نمایند.

### **قی کردن در حال روزه**

۶۷۵- هرگاه روزه دار عمداً قی کند- اگر چه به واسطهٔ مرض و مانند آن ناچار باشد- روزه اش باطل می شود، ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد.

۶۷۶- اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید.

### **آروغ زدن در حال روزه**

۶۷۷- اگر روزه دار آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است.



۶۷۸- اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمداً آن را فرو ببرد، روزه اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب می شود و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده، به دهان بیاید و عمداً آن را فرو ببرد، قضای آن روزه را بگیرد و بنا بر احتیاط، کفاره جمع بر او واجب می شود.

۶۷۹- دارو ریختن به چشم در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد و انجام کاری که موجب ضعف می شود-مانند خون دادن- و کاری که به واسطه آن خون از دهان بیاید-مانند کشیدن دندان- برای روزه دار مکروه است.

### ضرر داشتن روزه

۶۸۰- کسی که می داند روزه برای او ضرر ندارد، اگر چه پزشک بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد اگر چه پزشک بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد، و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آن که به قصد قربت بگیرد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

۶۸۱- اگر پزشک، بیمار را از گرفتن روزه منع کند، در صورتی که از گفته او بیمار اطمینان پیدا کند که روزه برایش ضرر دارد و گفتن او موجب خوف ضرر شود، روزه گرفتن واجب نیست.

۶۸۲- اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، نباید

روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آن که به قصد قربت گرفته باشد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

۶۸۳- کسی که عقیده اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته، مستحب است قضای آن را به جا آورد.

### قضا و کفاره روزه بیمار

۶۸۴- اگر روزه دار در روزه ماه رمضان عمداً قی کند باید قضای آن روز را بگیرد و چنانچه عمداً اماله کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره هم بدهد و اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد قضا و کفاره بر او واجب می شود.

۶۸۵- کسی که کفاره روزه ماه رمضان بر او واجب است، یا باید دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک «مُد» - که تقریباً ده سیر است - طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، هر چند مدّ که می تواند به فقرا طعام دهد و اگر نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند اگر چه مثلاً یک مرتبه بگوید: استغفر الله و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

### از بین رفتن روزه به سبب مستی

۶۸۶- روزه ای که به واسطه مستی از انسان فوت شده، باید قضا گردد اگر چه چیزی را که به واسطه آن مست شده، برای معالجه خورده باشد. بلکه

ص: ۲۳۱

اگر نیت روزه کرده و مست شده و بین روز از مستی بیرون آید، بنا بر احتیاط واجب باید روزه را تمام و نیز قضا نماید و اگر در حال مستی روزه را تمام کرده باشد، قضا نماید.

### عدم وجوب قضاء روزه

۶۸۷- اگر به واسطهٔ مرض، یا حیض، یا نفاس، روزهٔ ماه رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن ماه رمضان بمیرد، لازم نیست روزه هایی را که نگرفته برای او قضا کنند.

### ادامهٔ بیماری تا ماه رمضان سال بعد

۶۸۸- اگر به واسطهٔ مرضی، روزهٔ ماه رمضان را نگیرد و مرض او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید هر روز، یک مُدّ طعام- که تقریباً ده سیر است- از گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد، ولی اگر به واسطهٔ عذر دیگری- مثلاً برای مسافرت- روزه نگرفته باشد و عذر او تا ماه رمضان بعدی باقی بماند، روزه هایی را که نگرفته، باید قضا کند و باید برای هر روز، یک مُدّ طعام هم به فقیر بدهد.

۶۸۹- اگر به واسطهٔ مرضی روزهٔ ماه رمضان را نگیرد و بعد از ماه رمضان، مرض او برطرف شود، ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا ماه رمضان بعد، قضای روزه را بگیرد، باید روزه هایی را که نگرفته، قضا نماید و نیز اگر در ماه رمضان، غیر مرض، عذر دیگری داشته باشد و بعد از ماه رمضان، آن عذر برطرف شود و تا ماه رمضان سال بعد، به واسطهٔ

مرض نتواند روزه بگیرد، روزه هایی را که نگرفته باید قضا کند.

### طول کشیدن بیماری به مدت چند سال

۶۹۰- اگر مرض انسان چند سال طول بکشد، بعد از آن که خوب شد اگر تا ماه رمضان آینده به مقدار قضا وقت داشته باشد باید قضای ماه رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سال های پیش، یک مد که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.

### روزه و تشنگی زیاد

۶۹۱- اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و نمی تواند تشنگی را تحمیل کند، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست. ولی در صورت دوم باید برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و احتیاط واجب آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است، آب نیشامد و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه هایی را که نگرفته قضا نماید.

### روزه زنی که زایمان او نزدیک است

۶۹۲- زنی که حامله است و روزه برای حملش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد و نیز اگر روزه برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط مستحب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته، باید

## روزه زن شیرده

۶۹۳- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است، چه مادر بچه یا دایه او باشد، یا بی اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد، و نیز اگر برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط مستحب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید. ولی اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از کس دیگر که اجرت او را بدهد، اجرت بگیرد، احتیاط واجب آن است که بچه را به او بدهد و روزه را بگیرد.

## استعمال اسپری در هنگام روزه

۶۹۴- مصرف داروهایی که به صورت اسپری می باشد و برای تسکین یا درمان تنگی نفس به کار می رود، چون استعمال آنها، خوردن و آشامیدن محسوب نمی شود، روزه را باطل نمی کند.

## کسی که به خاطر پیری روزه نمی گیرد

۶۹۵- کسی که به واسطه پیری نمی تواند روزه بگیرد، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، ولی در صورت دوم باید برای هر

روز یک مد طعام که تقریباً ده سیر است، گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.

۶۹۶- کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزه هایی را که نگرفته بجا آورد.

### خونریزی لثه و روزه

۶۹۷- افراد مبتلا به بیماری لثه که از لثه هایشان خون می آید، اگر متوجه شوند، باید خون را بیرون بریزند ولی اگر بدون توجه، مقداری از خون فرو رود، روزه را باطل نمی کند.

۶۹۸- فرو بردن وسایل پزشکی یا دندانپزشکی در دهان به هنگام روزه داری، روزه را باطل نمی کند.

### زکات فطره

۶۹۹- اگر کسی موقع غروب آفتاب شب عید فطر، دیوانه یا بی هوش باشد، زکات فطره بر او واجب نیست.

۷۰۰- اگر پیش از غروب شب عید فطر، دیوانه، عاقل گردد در صورتی که شرایط واجب شدن زکات فطره را دارا باشد، باید زکات فطره را بدهد.

۷۰۱- اگر کسی بعد از غروب آفتاب شب عید فطر بمیرد، باید زکات فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند. ولی اگر پیش از غروب آفتاب

بمیرد، واجب نیست زکات فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

## حج

۷۰۲- اگر در سال اولی که مستطیع شده، حج به جا نیاورد و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی نتواند حج انجام دهد و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند، باید دیگری را از طرف خود بفرستد، بلکه اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند، احتیاط مستحب آن است کسی را از طرف خود بفرستد که حج نماید.

## معاملات

۷۰۳- همه معاملات دیوانه اعم از خرید و فروش، شرکت، صلح، اجاره و... باطل است.

۷۰۴- فرد سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند، همه معاملاتش باطل است.

۷۰۵- اگر یکی از شریک ها دیوانه یا بی هوش یا سفیه شود و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کند، شریک های دیگر نمی توانند در مال شرکت تصرف کنند.

۷۰۶- دیوانه و سفیه، یعنی کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند، نمی تواند در مال خود تصرف نماید.

۷۰۷- کسی که گاهی عاقل و گاهی دیوانه است، تصرفی که موقع

دیوانگی در مال خود می کند، صحیح نیست.

۷۰۸- انسان می تواند در مرضی که به آن مرض از دنیا می رود، هر قدر از مال خود را به مصرف خود و عیال و میهمان و کارهایی که اسراف شمرده نمی شود برساند و نیز اگر مال خود را به کسی ببخشد یا ارزان تر از قیمت بفروشد یا اجاره دهد صحیح است.

۷۰۹- اگر وکیل یا موکل، دیوانه همیشهگی شود و کالت باطل می شود. و نیز اگر گاه گاهی دیوانه شود یا بی هوش شود، بنا بر احتیاط واجب باید به معامله ای که انجام می دهد، ترتیب اثر ندهند.

۷۱۰- اگر کسی که امانت را قبول کرده دیوانه شود، ولی او باید هر چه زودتر به صاحب مال اطلاع دهد یا امانت را به او برساند.

۷۱۱- اگر امانت دار نشانه های مرگ را در خود ببیند چنانچه ممکن است باید امانت را به صاحب آن یا وکیل او برساند و اگر ممکن نیست باید آن را به حاکم شرع اطلاع بدهد و چنانچه به حاکم شرع دسترسی ندارد، در صورتی که وارث او امین است و از امانت اطلاع دارد، لازم نیست وصیت کند و گرنه باید وصیت کند و شاهد بگیرد و به وصی و شاهد اسم صاحب مال و جنس و خصوصیات مال و محل آن را بگوید.

۷۱۲- اگر امانت دار نشانه های مرگ را در خود ببیند و به وظیفه ای که در مسأله پیش گفته شد عمل نکند، چنانچه آن امانت از بین برود باید عوضش را بدهد، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد و مرض او خوب شود، یا بعد از مدتی پشیمان شود و وصیت کند.

۷۱۳- کسی که از روی عمد مثلاً زخمی به خود زده یا سمی خورده است که به واسطه آن یقین یا گمان به مردن او پیدا می شود، اگر وصیت کند که



مقداری از مال او را به مصرف برسانند، صحیح نیست.

۷۱۴- وقتی انسان نشانه های مرگ را در خود دید، باید فوراً امانت های مردم را به صاحبانش برگرداند و اگر به مردم بدهکار است و موقع دادن آن بدهی رسیده باید بدهد، و اگر خودش نمی تواند بدهد یا موقع دادن بدهی او نرسیده، باید وصیت کند و بر وصیت، شاهد بگیرد ولی اگر بدهی او معلوم باشد و اطمینان دارد که ورثه می پردازند، وصیت کردن لازم نیست.

۷۱۵- کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند، اگر خمس و زکات و مظالم بدهکار است، باید فوراً بدهد و اگر نمی تواند چنانچه از خودش مال دارد، یا احتمال می دهد کسی آنها را ادا نماید، باید وصیت کند و همچنین است اگر حج بر او واجب باشد.

۷۱۶- کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند، اگر نماز و روزه قضا دارد، باید وصیت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند، بلکه اگر مال نداشته باشد ولی احتمال دهد کسی بدون آن که چیزی بگیرد آنها را انجام می دهد، باز هم واجب است وصیت نماید و اگر قضای نماز و روزه او بر پسر بزرگترش واجب باشد، باید به او اطلاع دهد یا وصیت کند که برای او به جا آورند.

۷۱۷- کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند، اگر مالی نزد کسی دارد یا در جایی پنهان کرده است که ورثه نمی دانند، چنانچه به واسطه ندانستن، حقشان از بین برود، باید به آنان اطلاع دهد و لازم نیست برای بچه های صغیر خود قیم و سرپرست معین کند، ولی در صورتی که بدون قیم مالشان از بین می رود، یا خودشان ضایع می شوند، خوب است برای

آنان قیّم امینی معین نماید.

۷۱۸- اگر کسی در مرضی که به آن مرض می میرد، مقداری از مالش را به کسی ببخشد و وصیت کند که بعد از مردن او هم مقداری به کسی دیگر بدهند، آنچه را که در حال زندگی بخشیده از اصل مال است و احتیاج به اذن ورثه ندارد و چیزی را که وصیت کرده، اگر زیادتر از ثلث باشد، زیادی آن محتاج به اذن ورثه است.

۷۱۹- اگر در مرضی که به آن مرض می میرد، بگوید مقداری به کسی بدهکار است، چنانچه متهم باشد که برای ضرر زدن به ورثه گفته است، باید مقداری را که معین کرده، از ثلث او بدهند و اگر متهم نباشد و کسی هم منکر گفته او نشود، باید از اصل مالش بدهند.

۷۲۰- اگر انسان در مرضی که به آن مرض از دنیا می رود، زنی را عقد کند ولی با او نزدیکی نکند، آن زن از او ارث نمی برد و حق مهر هم ندارد.

۷۲۱- اگر زن در حال مرض، شوهر کند و به همان مرض بمیرد، شوهرش اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد، از او ارث می برد. و صلی الله علی محمد و آله الطّیّین الطّاهرین

ص: ۲۳۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

